

## درس ۱

«من ذا الذی یشاهد الشجرة تنمو من حبة صغيرة و تبدل إلى غصون نضرة، و لا يتعجب!» اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) چه کسی است آنکه نگاهش به درختی بیفتد که از دانه‌ای کوچک رشد کند و به شاخه های سرسبز تبدیل شود، اما تعجب نکند!
- ۲) او کسی است که درختی را که از یک دانه کوچک رشد کرده و به شاخه‌هایی تازه تبدیل شده مشاهده می‌کند، ولی تعجب نمی‌کند!
- ۳) او کسی است که نگاه می‌کند به درخت که از دانه‌ای کوچک نمو کرده و تبدیل به شاخه های تر و تازه شده، ولی تعجب نمی‌کند!
- ۴) کیست آنکه درخت را ببیند که از یک دانه کوچک نمو می‌کند و به شاخه‌هایی تر و تازه تبدیل می‌شود، و تعجب نکند!

«شجرات حدیقتنا ذات غصون نضرة لأنّ اهتمامنا بشؤونها کثیر!» : زبان ۹۸

- ۱) باغ ما درختانی دارد با شاخه‌های با طراوت زیرا به کارهای آن بسیار رسیدگی شده است!
- ۲) بخاطر رسیدگی و توجه ما به امور باغ، درختان آن دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای شده است!
- ۳) درختان باغ ما دارای طراوت و تر و تازگی هستند زیرا اهتمام ما به کارهای آن زیاد است!
- ۴) درختان باغ ما دارای شاخه‌های تر و تازه‌ای است زیرا رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است!

عین الصحیح: اختصاصی ۹۹

- ۱) نزل المطر على الأراضي التي كان لها اغبرار و صیرها خضرة: باران بر زمین‌هایی که غبار آلودگی داشت فرو ریخت و آنها سرسبز شدند!
- ۲) شق المهندسون الجبال و جهزوا لنا طریقا إلى شمال البلاد: مهندسان کوه‌ها را شکافتند و برای ما راه شمال کشور را باز کردند!
- ۳) زانت أمی غرفتی بانجم ورقية جميلة لحفلة ميلادي: مادرم به خاطر جشن تولدم، با ستاره‌های کاغذی اتاقم را به زیبایی زینت داد!
- ۴) نريد من الله أن يجعل لنا لسان الصدق في الآخريين: از خدا می‌خواهیم که برای ما یاد نیکو را در میان آیندگان قرار دهد!

عین ما فيه جمع سالم للمؤنث: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) أنشد الشاعر قصيدة طويلة، الأبيات الجميلة فيها كثيرة!
- ۲) استمعنا إلى أصوات الطيور في الغابة و هي جميلة و كثيرة!
- ۳) إن ينقل النفط بواسطة الأنابيب فلا نحتاج إلى آلات لتقليل الضغط!
- ۴) بعض الأعمال تحتاج إلى أوقات معينة فيجب أن لا نتأخر في الوصول إليها!

عین ما فيه جمع سالم للمذكر: خارج انسانی ۱۴۰۰ گروه آموزشی عصر

- ۱) إن كنت من الصائمين فلا تكذب في أعمالك!
- ۲) لكل بلد قوانين خاصة يجب على الناس اتباعها!
- ۳) الدلافين حيوانات تحب الإنسان أكثر من غيرها!
- ۴) علينا أن نساعد المساكين خاصة في فصل الشتاء!

عین نوع الجمع يختلف عن الباقي: ریاضی ۹۸

- ۱) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد!
- ۲) علينا أن نرحم المساكين!
- ۳) شاهدت الطلاب جالسین في الصف!
- ۴) اتحاد المسلمين يسبب تقدمهم!

عین ما لیس فیہ جمعُ سالمٌ للمؤنث: تجربی ۹۸

۱ ( لَطَمْنَا الْعَدُوَّ أَشَدَّ اللَّطْمَاتِ!

۲ ( لِي جَوَّالٌ مِنْ أَدَقِّ الْجَوَّالَاتِ الْجَدِيدَةِ!

۳ ( لِبَعْضِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ كِرَامَاتٍ كَثِيرَةٍ!

۴ ( صَوْتُ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ مِنْ أَجْمَلِ الْأَصْوَاتِ لَنَا!

عین ما لیس فیہ جمعُ سالمٌ للمؤنث: زبان ۹۸

۱ ( مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِشَاشَةِ الْوَجْهِ!

۲ ( دَفَعْتُ لَهُ مَقْدَارًا مِنَ الرِّيَالَاتِ الَّتِي كَانَتْ مَعِي!

۳ ( الْأَرْضُ كَرَّةٌ مِنَ الْكُرَاتِ فِي الْفِضَاءِ!

۴ ( الَّذِينَ يَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَيْسُوا مِنَ الْأَمْوَاتِ!

عین ما فیہ جمعُ سالمٌ للمؤنث: هنر ۹۸

۱ ( أَجْمَلِ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْقُرْآنِ!

۲ ( أَوْقَاتِ الدِّرَاسَةِ تَبْدَأُ مِنَ الثَّامِنَةِ صَبَاحًا!

۳ ( هَذِهِ الْأَبْيَاتِ تَتَعَلَّقُ بِشَاعِرٍ كَبِيرٍ!

۴ ( تَبْدَأُ الْإِدَارَاتُ عَمَلَهَا مِنَ الثَّامِنَةِ صَبَاحًا!

عین ما فیہ المترادف: زبان ۹۸

۱ ( اَزْدَادَاتِ الْمَفْرَدَاتِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْفَارْسِيَّةِ بَعْدَ ظَهْوَرِ الْإِسْلَامِ!

۲ ( بَعْدَ أَنْ نَزَلَ الْمَاءُ مِنَ الْأَسْمَاءِ أَصْبَحَتِ الْأَرْضُ مَخْضِرَةً!

۳ ( دَارَنَا فِي هَذَا الشَّارِعِ وَلَكِنْ بَيْتُ زَمِيلِي فِي شَارِعٍ آخَرَ!

۴ ( أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُونَ بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِخْوَانًا!

عین ما لیس فیہ من المتضاد: تجربی ۹۸

۱ ( كُلُّ يَوْمٍ يَحْتَوِي عَلَى لَيْلٍ وَنَهَارٍ!

۲ ( الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُرَّتَانِ مِنَ الْكُرَاتِ السَّمَاوِيَّةِ!

۳ ( الْقِيَامُ وَالْقَعُودُ مِنْ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ!

۴ ( إِنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ!

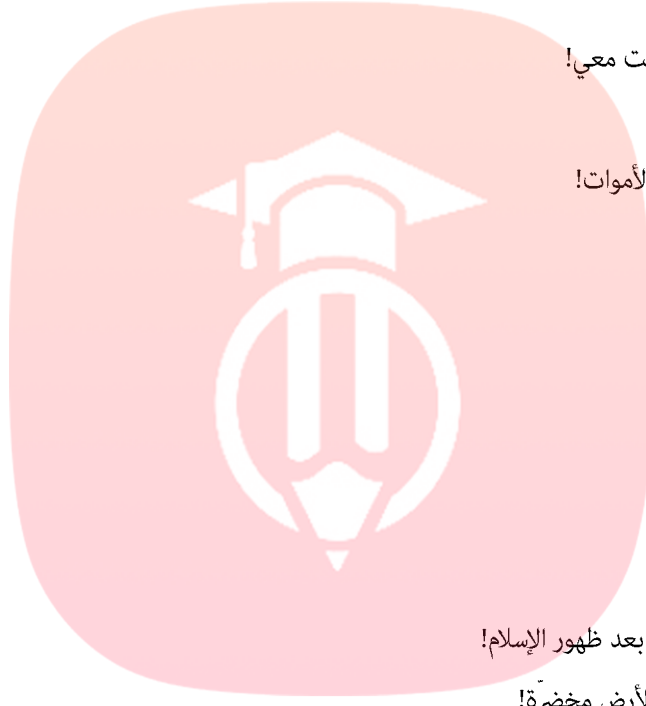
عین ما فیہ التَّضَاد: خارج ۹۸

۱ ( الْقِيَامُ وَالْقَعُودُ مِنْ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ!

۲ ( الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كَوْكَبَانِ فِي السَّمَاءِ!

۳ ( يَنْزِلُ الثَّلْجُ وَالْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ فِي فَصْلِ الشِّتَاءِ!

۴ ( مَمْنُوعٌ عَلَى الْمُسْلِمِ الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ!



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما فيه المتضاد: هنر ۹۸

- ۱ ( هذه القرية قرب المدينة و يعمل أكثر الناس فيها بالزراعة!
- ۲ ( اليوم اشترت الأم لباساً رخيصاً لولدها بمناسبة يوم ميلاده!
- ۳ ( في بداية الأمر لم يشاهد تقدماً في عمله ولكنه في النهاية نجح!
- ۴ ( صارت هذه الطالبة ناجحةً و أصبح والداها مسرورين و أعطياها جائزة!

عین «ما» لیست من أدوات النفي: زبان ۱۴۰۰

- ۱ ( ما اشتغلت أمي في الأسبوع الماضي إلا بأعمال البيت!
- ۲ ( ما من أسرة إلا و هم مسرورون بزيارة بعضهم بعضاً!
- ۳ ( ما نطلبه منكم هو اهتمامكم بالدرس و بواجباتكم المدرسية!
- ۴ ( ما تصفحت الكتاب إلا لمعرفة الموضوعات التي جاءت فيه!

عین الخطأ في نفي الفعل: اختصاصی ۹۸

- ۱ ( أنفقت من مالي = ما أنفقت من مالي!
- ۲ ( أكتب هذه العبارة = لا تكتب هذه العبارة!
- ۳ ( يحاول في الحياة = لا يحاول في الحياة!
- ۴ ( سأكتب الرسالة = لأن لا أكتب الرسالة!

عین کلمة «ما» مضافاً إليه (بالنظر إلى المعنى): زبان ۹۹

- ۱ ( أعظم ما في الحياة أن يبقى العقل شاباً!
- ۲ ( لم تقول ما ليس لك به علم!
- ۳ ( العلم ما ينفكك و العقل ما يوصلك إليه!
- ۴ ( أنظر إلى السماء ليلاً حتى تُشاهد ما رأيته أنا!

عین الاسم مضافاً و موصوفاً معاً: اختصاصی ۹۹

- ۱ ( معلمنا المشفق محبوبٌ عندنا و يشجعنا على الأعمال الحسنة!
- ۲ ( من بين الملابس ذات الألوان المختلفة، الأبيض منها أجمل!
- ۳ ( حلويات هذا الحلواني لذيذةٌ و يبيعه للناس كل يوم!
- ۴ ( الصديق الصالح مفيدٌ لنا و إن كان بعيداً عنا عادةً!

عین الاسم مضافاً و موصوفاً معاً: اختصاصی ۹۹

- ۱ ( قرأ المعلم قصيدة الشاعر أحمد شوقي الجميلة في الصف بصوت جميل!
- ۲ ( طلب المريض هذه الأدوية المكتوبة على الورقة من الطبيب الصيدلي!
- ۳ ( يكذب الإنسان الضعيف دائماً لأنه يحب الابتعاد عن الحقيقة!
- ۴ ( ساعدت الممرضة الحنون رجلاً تصادم بالسيارة في الشارع!

مای درس

رومات آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۲

«النِّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ تُهَدِّدُ بِلَادِنَا بَتَلَوُّثِ الْبَيْئَةِ وَتُضَيِّعُ التَّوَاظُنَ فِي طَبِيعَتِهَا، فَمَا أَظْلَمَ الْإِنْسَانَ بِنَفْسِهِ!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) پسماندهای صنایع کشورمان را به آلوده شدن محیط زیستش تهدید کرده توازن را در طبیعت از بین می برد، پس انسان بسیار ظالم بر خود است
- ۲) زباله های صنعتی کشور ما را به آلودگی محیط زیست تهدید می کند و توازن را در طبیعت آن از بین می برد پس چه ظالم است انسان به خودش
- ۳) زباله های ناشی از صنعت محیط زیست ما را در کشور تهدید به آلودگی می کند و توازن موجود در طبیعت را از بین خواهد برد، پس انسان بسیار ظلم کرده است!
- ۴) پسماندهای مربوط به صنعت محیط زیست کشورمان را تهدید به آلوده کردن می کند و توازن آن را در طبیعتش از بین خواهد برد، پس انسان چقدر ظلم می کند!

«قَرَرْتُ مَعَ أَخِي الصَّغِيرِ أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ وَ النَّصْفِ لِمُشَاهَدَةِ آثَارِ الْمَتْحَفِ التَّارِيخِيَّةِ!»: خارج ۹۹

- ۱) با برادر کوچکم قرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- ۲) با برادر کوچکتر قرار گذاشتم رأس ساده ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه های تاریخی برویم!
- ۳) من و برادر کوچکترم قرار گذاشته ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- ۴) من با برادر کوچکم قرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه ها برویم!

«كُلَّ يَوْمٍ أُرْكَبُ السَّيَّارَةَ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النَّصْفِ حَتَّى أَصِلَ إِلَى بَيْتِنَا فِي الثَّامِنَةِ إِلَّا رُبْعًا!»: خارج ۹۸

- ۱) هر روز ساعت شش و نیم سوار ماشین می شوم تا یک ربع به هشت مانده به خانه مان برسیم!
- ۲) ساعت شش و نیم هر روز سوار اتومبیل می شوم تا این که ساعت هشت و ربع به خانه مان برسیم!
- ۳) همه روزه ساعت شش و نیم سوار تاکسی می شدم و در ساعت یک ربع به هشت به خانه می رسیدم!
- ۴) ساعت شش و نیم همه روزه سوار تاکسی می شدم و در ساعت هشت یک ربع کم به خانه می رسیدم!

«إِنَّ مِنْ أٰخْلِصِ النَّاسِ مَنْ تَجْرِي يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ!»: ریاضی ۹۸

- ۱) از مردم با اخلاص تر کسی است که چشمه های حکمتی از قلب وی بر زبانش روانه شود!
- ۲) کسی که چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می شود، از خالص ترین مردم است!
- ۳) از خالص ترین مردمان کسی است که چشمه های حکمت از قلب او بر زبان وی جاری شده باشد!
- ۴) کسی که چشمه های حکمت را از قلب خویش بر زبان روانه سازد، از با اخلاص ترین مردمان است!

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) قبل از تو رسولان را برای قومشان ارسال کردیم، و آنها بیّنات را برایشان آوردند!
- ۲) فرستادگان را قبل از تو برای مردمشان مبعوث کردیم و آنها معجزات با خود آوردند!
- ۳) رسولان را پیش از تو برای اقوام آنها ارسال کردیم و آنان به همراه خویش بیّنات آوردند!
- ۴) پیش از تو پیامبران را برای قوم آنها فرستادیم و آنان دلیل روشن را به همراه خود آوردند!



۱) انا كتبت مقالتي العلمیة الثالثة في ثمانی صفحات قبل عشرة أشهر: من سومین مقاله علمی خود را ده ماه پیش در هشت صفحه نگاهشتم!  
 ۲) في المباراة الماضية سجل فريقنا ستة أهداف و الفريق المقابل ثلاثة: در مسابقه گذشته تیم ما ششمین گل را ثبت کرد در حالیکه تیم مقابل سومین را .

۳) من غرس خمس شجرات في اليوم الخامس عشر من شهر اسفند فله ثلاث جوائز: هرکس در روز پانزده اسفندماه پنج درخت بکارد سومین جایزه برای اوست.

۴) كل طالب يقرأ أربعة كتب من هذين المؤلفين الاثنتين ستعطى له جائزة واحدة نفیسة: به هر دانش آموز که چهار کتاب این دو نویسنده را بخواند جایزه گرانتیمی داده خواهد شد.

«یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!» عین الصحیح: ریاضی ۹۹

۱) تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة!

۲) الساعة في التفكير أفضل من سبعین سنة العبادات!

۳) التفكير في الساعة خیر من العبادة من سبعین السنة!

۴) ساعة واحدة من التفکرات أفضل من سنة سبعین من العبادات!

عین الخطأ عن علامات «المؤمن»: تجری ۹۹

۱) ورعه ثابت في الخفاء و العکن!

۲) لا یصبر إلا قليلاً عند المصيبة!

۳) صدقه دائمی عند الخوف و الرجاء!

۴) لا یحلم إلا كثيراً عند ما یغضب!

عین الخطأ عن تعیین الساعة: الثانية عشرة إلا ربعاً: ریاضی ۱۴۰۰

۱) ۱۱/۴۵ (۲) الحادية عشرة و خمس و أربعون دقيقة

۳) ۱۱ و ۳۰ دقیقه (۴) ۱۲ إلا خمس عشرة دقيقة

عین الصحیح للفراغ: «نجح سعيد في المسابقة و حصل على الجائزة الذهبیة، فهو الفائز ...!» ریاضی ۹۹

۱) الأحد (۲) الأول (۳) الواحد (۴) الأولى

عین الصحیح للفراغين: « ذهب مع أسرتي إلى سفرة يوم الأحد. طالت سفرتنا ثلاثة أيام. رجعتنا في الساعة السابعة صباحاً. كنا خمس ساعات في الطريق، فوصلنا في الساعة ..... من يوم ..... إلى بيتنا!» تجری ۹۹

۱) الثاني عشر / الثلاثاء

۲) الثانية عشرة / الأربعاء

۳) الثاني عشر / الأربعاء

۴) الثانية عشرة / الاثنين

عین الصّحیح للفراغین: « ذهبْتُ مع أحد عشر زميلاً من زملائي إلى المكتبة في الساعة السابعة صباحاً، رجعتُ منّا زميلانِ اثنانِ ولكنّا بقينا خمس ساعات هناك. عند الرجوع كان عددنا ..... أشخاص و كانت السّاعة .....! » رياضی ۹۹

- (۱) عشرة / ثاني عشر!  
(۲) تسعة / ثاني عشر!  
(۳) عشرة / الثانية عشرة!  
(۴) تسعة / الثانية عشرة!

عین المناسب للفراغین: «أيام الأسبوع ..... و اليوم الوسط منها .....!». زبان ۹۹

- (۱) سبعة - اثنين (۲) سبعة - الثلاثاء (۳) سبعة - الاثنين (۴) سبعة - الثلاثاء

عین الصّحیح للفراغین: «ك ان في فريقنا أحد عشر لاعباً، طال لعبنا مدّة ساعتين. مضت عشرون دقيقة من اللعب. جُرح لاعبان اثنانِ منّا واصل ..... لاعبين المباراة لمُدّة ..... دقيقة إلى نهاية اللّعب!» هنر ۹۹

- (۱) سبعة / ساعة و أربعين  
(۲) تسعة / ساعتين و عشرين  
(۳) ستة / ساعتين إلاّ عشرين  
(۴) تسعة / ساعة و أربعين

«يتك الطالب البيت و يذهب إلى المدرسة بعد أن يأكل غداءه!» عین الصّحیح: الطالب يدرس ..... هنر ۹۹

- (۱) ليلاً! (۲) مساءً! (۳) صباحاً! (۴) نهاراً!

عین الخطأ للفراغ: «يذهب طلاب صفنا إلى المكتبة في السّاعة الثامنة و النصف و يرجعون بعد أربع ساعات فيجلسون في مكانهم ...!» اختصاصی ۹۹

- (۱) نصف ساعة بعد الثانية عشرة!  
(۲) في الثانية عشرة و ثلاثين دقيقة!  
(۳) في الواحدة و ثلاثين دقيقة بعد الظهر!  
(۴) نصف ساعة قبل الواحدة بعد الظهر!

عین الصّحیح للفراغ: «دخلتُ الغرفة فوجدتها فارغة ، فقامت ب ..... المصاييح!» خارج ۹۹

- (۱) حفظ (۲) إطفاء (۳) تكسير (۴) اشتراء

عین غير المناسِب للفراغ: «نصحتُ الطّفل الّذي ..... النفايات على الأرض!» انسانی ۹۹

- (۱) رمى (۲) زان (۳) ألقى (۴) ترك

عین الصّحیح للجواب عن السّؤال: «تبدأ أعمالُ المكتبات العامّة في السّاعة الثامنة إلاّ ثلاثاً!» في أيّة ساعة تبدأ الأعمال؟» اختصاصی ۹۹

- (۱) ۷ : ۲۰ (۲) ۷ : ۴۰ (۳) ۸ : ۲۰ (۴) ۸ : ۴۰

عین الصّحیح: انسانی ۹۸

- (۱) عشرون ريالاً في خمسة يساوي مائة ريال!  
(۲) تسعون ريالاً ناقص عشرين يساوي ستين ريالاً!  
(۳) أحد عشر ريالاً زائد تسعة يساوي سبعة ريالاً!  
(۴) ثمانون ريالاً تقسيم على عشرين يساوي أربعين ريالاً!

## درس ۳ و ۴

«الاحتفاظ بالوحدة فضلٌ لأممتنا المفكّرة، ولكنّ الأعداء يُشجّعون عملاءهم أن يفرّقونا!»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) حفظ وحدت، برتری برای امت متفکر ماست، که دشمنانمان عوامل خود را به پراکنده ساختن ما تشویق می کنند!
- ۲) حفظ وحدت برای امت متفکر ما فضیلتی است، ولی دشمنان، مزدوران خود را تشویق می کنند که ما را پراکنده کنند!
- ۳) نگه داشتن وحدت امت اندیشمندان، فضیلتی است که دشمنان ما مزدوران را تشویق می کنند ما را پراکنده سازند!
- ۴) نگه داشتن وحدت برای امت ما که اندیشمند است فضلی بشمار می آید، ولی دشمنان عوامل خود را تشویق به پراکنده شدن ما می کنند!

«لا یرضی أخی أن یسبّ من سخطه، و یحلمه یرضی الله»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) برادرم را دشنام دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی کند، و بردباریش خدا را راضی می نماید!
  - ۲) برادرم را دشنام دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی کند، و خداوند از بردباریش راضی می شود!
  - ۳) برادرم رضایت نمی دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده، و خداوند از بردباریش خشنود می گردد!
  - ۴) برادرم راضی نمی شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد، و با بردباریش خدا را خشنود می سازد!
- «کثیر من الناس لا یفکرون أكثر من مرتین أو ثلاث مرّات سنویاً، ولكنّ العلماء لا یضیعون أوقاتهم و یفکرون دائماً!»: خارج ۱۴۰۰
- ۱) اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی کنند ولی علماء اوقاتشان را ضایع نکرده در طول سال، همیشه می اندیشند!
  - ۲) بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی کنند و همیشه تفکر می کنند!
  - ۳) کثیری از مردم هستند که سالانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی کنند، ولی علما زمان خود را تلف ننموده اند و دائماً در تفکر هستند!
  - ۴) مردم بسیاری هستند که در سال بیشتر از دو یا سه بار اندیشه نمی کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی کنند و دائماً فکر می کنند!

﴿إنّ هذه أمّتکم أمّة واحدة و أنا ربکم فاعبدون﴾: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) قطعاً امت شما امتی واحد است و من پروردگارتان می باشم پس مرا پرستید!
- ۲) بی گمان این امت شما امتی یگانه است و من خدای شما هستم پس مرا پرستید!
- ۳) همانا این امت شماست امتی یگانه و من پروردگارتان هستم پس مرا پرستش کنید!
- ۴) بدون شک این امت شما است که امتی واحد می باشد و من خدای شما میباشم پس فقط مرا پرستش کنید!

﴿اصبر إنّ وعد الله حقّ، و استغفر لذنبک...﴾: هنر ۹۹

- ۱) صبر پیشه کن همانا وعده خداوند حقّ است، و برای گناهت آمرزش بخواه ...!
- ۲) شکیبایی پیشه کن زیرا وعده الله بحقّ است، و برای گناهانت استغفار کن ...!
- ۳) صبر را پیشه خود بساز که وعده الله حقیقت است، و خدا برای گناه تو مغفرت خواست ...!
- ۴) شکیبایی نشان بده همانا وعده خدای تو حقیقت است، و برای گناهان خویش آمرزش طلب کن ...!

«قوة هذا الإحصار تسحب الأسماك إلى مکان بعيد علی بُعد مائتي كيلومتر من المحيط الأطلسي!»: ریاضی ۹۹

- ۱) قدرت این گردباد ماهیها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس می کشاند!
- ۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهیها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می اندازد!
- ۳) نیروی این طوفان ماهیها را به سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آنطرفتر از اقیانوس اطلس می کشاند!
- ۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهیها را به سمت مکانی دوردست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می کند!

«الغریب فی هذه الظاهرة أن الأسماك متعلّقة بمياه المحيط الأطلسي الذي هو أبعد من هناك بمائتي كيلومتر!»: زبان ۹۸

- ۱) عجیب است در این پدیده که ماهیان متعلّق به آبهای اقیانوس اطلسی است که دویست کیلومتر دور از آنجاست!
- ۲) عجیب در این پدیده این است که ماهیها به آب های اقیانوس اطلسی که دویست کیلومتر دورتر از آنجاست تعلّق دارد!
- ۳) در این پدیده، شگفت آور است که این ماهیان به آب های اقیانوس اطلسی تعلّق دارند که از آنجا دویست کیلومتر دورتر است!
- ۴) در این پدیده، شگفتی در این است که این ماهیها به آبهای اقیانوس اطلس متعلّقند که از آنجا دویست کیلومتر، دور می باشد!

﴿ اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾: خارج ۹۹

- ۱) الله سرور آنان است که ایمان بیاورند و آنها از ظلمت بسوی نور خارج می شوند!
  - ۲) خداوند ولی کسانی است که ایمان آورده اند، آنان را از تاریکیها بسمت نور خارج می سازد!
  - ۳) خداوند سروری دارد بر آنان که ایمان آوردند و آنان از تاریکی خارج می شوند و به سمت نور می روند!
  - ۴) الله ولایت دارد بر کسانی که ایمان آورده باشند، و آنها را از ظلمت بیرون می آورد و به سوی نور می برد!
- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾: هان ای مردم ... ریاضی ۹۹
- ۱) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید ...!
  - ۲) شما را قطعاً به شکل نر و ماده آفریده‌ایم و ملت‌ها و قبایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرید ...!
  - ۳) شما را بدون شک به صورت مذکر و مؤنث آفریده‌ایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ...!
  - ۴) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید ...!

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...﴾: بگو ای اهل کتاب ... تجربی ۹۹

- ۱) به سمت سخنی یکسان بین ما و خودتان بیایید که، به جز خداوند را نپرستیم ...
- ۲) به سوی سخنی بیایید که بین ما و شما یکسان بوده است و فقط الله را بپرستیم ...
- ۳) به سوی کلمه‌ای بشتابید که بین شما و ما برابر بوده است و به غیر از الله را نپرستیم ...
- ۴) به سمت کلمه‌ای یکسان بشتابید که بین ما باشد، و اینکه فقط خداوند را بپرستیم ...

«علینا أن نحترم الأديانَ الإلهيةَ وأن نتعایش مع المعتقدين بها تعایشاً سلمياً»: تجربی ۹۹

- ۱) بر ما است به دین‌های خدایی احترام گذاریم و با کسانی که به خدا اعتقاد دارند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۲) بر ما است که به ادیان الهی احترام بگذاریم و با معتقدین به آنها زندگی مسالمت آمیزی داشته باشیم!
- ۳) بر ما واجب است که به ادیان خدایی احترام کنیم و با کسانی که معتقد هستند با مسالمت زندگی کنیم!
- ۴) بر ما لازم است دین‌های الهی را محترم شمرده با معتقدان به آن زندگی سالمی را داشته باشیم!

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾: زبان ۹۹

- ۱) آب را از آسمان نازل کرد و از میوه‌ها روزی برای شما قرار داد!
- ۲) از آسمان آب را نازل کرد و از ثمره‌ها روزی برای شما بیرون آمد!
- ۳) آبی از آسمان فرفرستاد و به وسیله آن ثمره‌های رزق را برای شما خارج ساخت!
- ۴) از آسمان آبی فرفرستاد پس به وسیله آن از میوه‌ها رزقی را برای شما خارج ساخت!

«دانشمندان از شناختن راز آن پدیدهء عجیب ناامید شدند!». عین الصّحیح: اختصاصی ۹۹

- ۱ ( یئس العلماء من معرفة سرّ تلك الظاهرة العجيبة!
- ۲) قد یئس علماء من علم السرّ لتلك الظاهرة العجيبة!
- ۳ ( أیس العلماء من التعرّف على هذه الظاهرة العجيبة!
- ۴ ( أصبح العلماء في یأس من تعارف لهذه الظاهرة العجيبة!

عین الصّحیح للفراغ: «... مجالسة هذا الصّديق المجتهد إلى نجاح في أعمالنا أكثر من قبل». خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) اقتربتنا
- ۲ ( تقرّبتنا
- ۳ ( قرّبتنا
- ۴) قرّبت منّا

عین فعلاً لیس فيه حرف زائد: هنر ۱۴۰۰

- ۱ ( یمنع التلمیذ عن الكسل و هو صعب له!
- ۲ ( یحرک الحيوان ذنبه لطرد الحشرات!
- ۳ ( نُجلس ضیوفنا في صدر الغرفة لاحترامهم!
- ۴ ( لیمتنع الحارس من النوم حين الحراسة!

عین حرف «ن» من الحروف الأصلية للفعل: انسانی خارج ۹۹

- ۱ ( ینتقل النّفط بالناقلات في المناطق التي لا توجد الأنایب!
- ۲) لا تنقطع الأشجار في الغابات إلا و هو خسارة لیبیتنا!
- ۳ ( ینطلق طائر الطنان بسرعة و يتوقّف بسرعة أيضاً!
- ۴ ( إذا ینکسر سورّ الجهل یتبعد نحن عن الحماقه!

عین حرف «ن» من الحروف الأصلية للفعل: انسانی ۹۹

- ۱ ( إذا ینکسر سورّ الجهل یتبعد نحن عن الحماقه!
- ۲ ( ینطلق طائر الطنان بسرعة و يتوقّف بسرعة أيضاً!
- ۳) لا تنقطع الأشجار في الغابات إلا و هو خسارة لیبیتنا!
- ۴ ( ینتقل النّفط بالناقلات في المناطق التي لا توجد الأنایب!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۵

«دَع من الذّکریات ما یزعج قلبک و یجعلک خائباً، لأنّها تمنعک من التقدّم!» خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) فروگذار آنچه را که دلت را آزرده می سازد از خاطرات ناامید کننده، زیرا مانع پیشرفت تو می شود
- ۲) از خاطرات آنچه را که دلت را آزرده میکند و تو را ناامید می سازد رها کن، زیرا آنها تو را از پیشرفت باز می دارد!
- ۳) از خاطرات آنچه که قلبت را آزرده می سازد و ناامیدت می کند، ترک کن زیرا مانعی برای پیشرفت تو می شود!
- ۴) ترک کن آنچه را که قلبت را آزرده می کند و خاطراتی که ناامیدت می گرداند، زیرا تو را از پیشرفت بازمی دارد!

«إننا نرى الكثير من البطّ يسبح في الماء البارد في الشتاء، و الإنسان ليس كذلك!» : اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) ما بسیاری از اردکها را می یابیم که در آب سرد زمستان شنا می کنند، در حالی که انسان چنین نیست!
- ۲) اردکهای زیادی را می بینیم که در سرمای زمستان در آب شنا می کنند، و حال آنکه انسان چنین نمی باشد!
- ۳) ما بسیاری از اردکها را می بینیم که در زمستان در آب سرد شنا می کنند، و حال آنکه انسان این چنین نیست!
- ۴) اردکهای زیادی را می یابیم که در زمستان سرد در آب شنا می کنند، در حالی که انسان این چنین نمی باشد!

«لا شك أنّ كيفية استعمال الأعشاب الطيّبة عند الحيوانات الصحراوية و الطيور، قد ساعدت الإنسان في صنع الأدوية!»: انسانی ۹۹

- ۱) چگونگی به کارگیری گیاهان طبی نزد حیوانات صحرایی و پرندگان، بدون شک به انسان در ساختن داروها کمک کرده است!
- ۲) چگونگی به کار گرفتن گیاهان پزشکی در حیوانات بیابانی و پرندگان، بلاشک به انسان در ساخت داروها کمک کرده بود!
- ۳) بدون شک نحوه کاربرد گیاهان دارویی نزد حیوانات و پرندگان صحرایی، به انسان در پیدایش داروها یاری رسانده است!
- ۴) بلاشک نحوه کاربرد گیاهان پزشکی در حیوانات و پرندگان بیابانی به انسان برای ایجاد داروها یاری رسانده بود!

«هناك في عمق ظلام المحيط أسماكٌ مضيئةٌ أشاهدها أنا متعجباً!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) در عمق تاریک اقیانوس ماهیهایی نورانی اند و من آنها را متعجبانه مشاهده می کنم!
- ۲) در اعماق تاریک اقیانوس ماهیهایی نورانی هستند که من با شگفتی به آنها نگاه می کنم!
- ۳) در عمق تاریکی اقیانوس ماهیهایی نورانی وجود دارد که من آنها را با تعجب مشاهده می کنم!
- ۴) در تاریکی اعماق اقیانوس ماهیهایی نورانی وجود دارند، من در حالی که متعجبم آن ها را می نگرم!

«ابر، بخار متراکمی است در آسمان که باران از آن فرومی ریزد!»: انسانی ۹۹

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

- ۱) ( السّحاب، المتراکم في السماء و المطر نزل منه!
- ۲) ( الغيم، بخار متراکم في السّماء ينزل منه المطر!
- ۳) ( الغيوم، البخار المتراکم في السّماء ينزل منه مطر!
- ۴) ( السّحاب، متراکم في السماء و البخار نزل منه المطر!

«بعضی حیوانات با غریزه خود گیاهان داروئی را می شناسند!»: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) ( إنّ البعض من حیوانات بگریزتها تعلم الأعشاب الطيّبة!
- ۲) ( إنّ بعض حیوانات تعرف بگریزتها الأعشاب الطيّبة!
- ۳) ( تعرف بعض من حیوانات أعشاباً طبيّاً بالگریزة!
- ۴) ( تعلم بعض حیوانات أعشاباً طبيّاً بالگریزة!

عین ما لیس فیہ جملة فعلیة: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱ ( الجولۃ العلمیة عملٌ مفید لنا تُفرحنا رغم صعوبتها!
- ۲ ( لا کاتبَ إلا أن یكون مجتهداً فی الكتابة، فأکتب كثيراً!
- ۳ ( إنَّ الطین ترابٌ یختلطُ بالماء و لو زالت عنه الرطوبة!
- ۴ ( حتّی الورد المتساقط علی الأرض جماله کثیر للناظرین!

عین ما فیہ الخبر من نوعیه: الاسم و الجملة: تجربی ۹۹

- ۱ ( دور الدلافین فی تمییز أماكن تجمع الأسماك أمرٌ مهمٌ للإنسان!
- ۲ ( الدلافینُ عدوّه لسمک القرش فحینما تراه تتجمع حوله و تقتله!
- ۳ ( هذه الحيوانات تُحیرنا جدّاً فی أسلوب حیاتها و کثرة جمالها!
- ۴ ( الدلفین حیوان ذکی و هو یحبّ الإنسان و مساعدته مهما أمکن!



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## درس ۶

«كان رجال هاتين القبيلتين يَنْهَبُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنْ طَرِيقِ ذَلِكَ الْمَضِيقِ حَتَّى أُلْغِقَ بِسَدِّ عَظِيمٍ مِنَ الْحَدِيدِ وَالنَّحَاسِ الْمَذَابِ»: ریاضی ۱۴۰۰

۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می بردند تا اینکه با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب شده، بسته شد!

۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا اینکه بوسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد!

۳) بزرگان این دو قبیله دارائیهای مردم را از راه آن تنگه به یغما می برند تا اینکه با سدّی بزرگ از مس و آهن آب شده بسته شود!

۴) بزرگان آن دو قبیله دارائیهای مردمان را از طریق آن تنگه غارت می کردند تا اینکه بوسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند!

«عِیُونَ الْخَفَاشِ يَفْتَحُهَا ظِلَا مِ اللَّيْلِ عِنْدَمَا يُبَسِّطُ عَلَى كُلِّ الْأَشْيَاءِ، وَ تَغْلُقُهَا ضِيَاءُ الشَّمْسِ الَّتِي نَجِدُ طَرِيقَنَا بِنُورِهَا!»: تجرّبی ۱۴۰۰

۱) با تاریکی شب که بر همه چیز گسترده است چشمان خفّاش باز می شود، و نور خورشید که با روشنی آن راه خود را می یابیم آنها را می بندد!

۲) تاریک بودن شب که بر همه چیزها گسترده است چشمان خفّاش را باز می کند، و روشنی خورشید که نورش هدایتمان می کند آنها را می بندد!

۳) چشمان خفّاش را تاریکیهای شبانه که بر همه چیز گسترده می شود باز می نماید و روشنایی خورشید که بوسیله نور آن هدایت می یابیم آنها را می بندد!

۴) چشمان خفّاش را تاریکی شب هنگامیکه بر همه چیزها گسترده می شود باز می کند و نور خورشید که با روشنایی آن راه خود را می یابیم آنها را می بندد!

«لَا نَعِشُ فِي الْمَاضِي وَ مَا وَقَعَ فِيهِ حَتَّى لَا يُضَيِّعَ مُسْتَقْبَلُكَ!»: زبان ۹۹

۱) در گذشته و آنچه در آن رخ داده است زندگی مکن تا آینده ات تباه نشود!

۲) در گذشته ها و چیزهایی که در آنها رخ داده بود زندگی مکن تا آینده تو ضایع نگردد!

۳) برای اینکه آینده خود را تباه نسازی، در گذشته و آنچه در آن روی داد، زندگی مکن!

۴) برای تباه نساختن آینده خویش، در گذشته و چیزی که در آن واقع می شود، زندگی منمای!

» هُنَاكَ سَبْعَةُ نَجُومٍ مَنِيرَةٍ كَمَجْمُوعَةٍ مِنَ الدَّرَرِ بَيْنَ مِائَاتِ آلَافِ نَجْمَةٍ أُخْرَى فِي السَّمَاءِ تُسَمَّى الدَّبَّ الْاَكْبَرَ!»: ریاضی ۹۹

۱) هفت ستاره نورانی که چون مجموعه ای از مروارید در میان صدهزار ستاره دیگر در آسمان هستند، دبّ اکبر را تشکیل می دهند!

۲) هفت ستاره درخشان که چون مجموعه ای از مروارید ها در میان صدها و هزاران ستاره دیگر در پهنه آسمانند، دبّ اکبر می باشند!

۳) هفت ستاره درخشان همچون مجموعه ای از مرواریدها در میان صدها هزار ستاره دیگر در آسمان وجود دارد که دبّ اکبر نامیده می شود!

۴) هفت ستاره تابان مجموعه ای چون مروارید هستند که در میان صدها هزار ستاره دیگر در پهنه آسمان قرار دارند و دبّ اکبر نامیده می شود!

«إِنْ أَمْكَنَ لَنَا أَنْ نَسْتَخْدِمَ الْحَدِيدَ وَالنَّحَاسَ فِي بِنَاءِ الْبُيُوتِ فَإِنَّهَا لَا تَتَخَرَّبُ بِسَهُولَةٍ بَعْدَ أَنْ تَحْدُثُ حَادِثَةٌ!»: هنر ۹۹

۱) هرگاه امکان استفاده از آهن و مس در ساختمان خانه هایمان باشد، پس از هر حادثه ای که رخ دهد خانه ما ویران نمی شود!

۲) اگر برایمان ممکن شود که آهن و مس را در ساختن خانه ها به کار ببریم، بعد از اینکه حادثه ای اتفاق بیفتد به آسانی خراب نمی شود!

۳) هرگاه برای ما ممکن باشد که در ساختن خانه ها از آهن و مس استفاده کنیم، بعد از اینکه حادثه ای رخ دهد خانه به ویرانی نمی انجامد!

۴) اگر ممکن باشد که در ساختمان خانه هایمان آهن و مس به کار ببریم، پس از اینکه حادثه ای اتفاق بیفتد خانه ها به سرعت به خرابی نمی انجامد!

«يَتَرَاكُمُ بَخَارُ الْمَاءِ فِي السَّمَاءِ وَ يَتَشَكَّلُ مِنْهُ الْغَيْمُ الَّذِي يُعَدُّ مَنَشَأَ الْمَطَرِ!»: ریاضی ۹۸

۱) بخار آب در آسمان متراکم می شود و از آن ابر تشکیل می گردد که منشأ باران بشمار می آید!

۲) این بخارهای متراکم آسمان هستند که ابر را تشکیل می دهند و همان منشأ باران بشمار می آیند!

۳) از بخارهای آبی که در آسمان متراکم شده است ابرها بوجود می آیند و آن یک منشأ برای باران است!

۴) بخار آب در آسمان متراکم می شود و سبب بوجود آمدن ابرها در آسمان می گردد که منشأ باران است!



«كُنْتُ أَفْكَرُ فِي نَفْسِي هَلْ يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ قَدْ خَلَقْتَ السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ كُلَّ مَا فِيهِمَا مِنْ دُونِ حِكْمَةٍ!»: ریاضی ۹۸

- ۱) با خویش در اندیشه‌ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه چیز که در آنهاست بی‌حکمت خلق شود!
- ۲) با خودم فکر می‌کنم که آیا ممکن است، آسمان و زمین و هرچه در آن هست بی‌حکمت خلق شده باشد!
- ۳) با خود می‌اندیشیدم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست بدون حکمت خلق شده باشد!
- ۴) با خویشتن خود فکر می‌کردم آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه که در آن هست بدون حکمت خلق شود!

عین الصحیح: اختصاصی ۱۴۰۰

۱) تَوْتِنَا هَذِهِ الْأَشْجَارُ الْخَضْرَاءُ بَسَنَةً وَصَعَهَا اللَّهُ فِي الطَّبِيعَةِ، الثَّمَارُ اللَّذِيذَةُ: این درختان سرسبز با قانونی که خدا در طبیعت قرار داده به ما میوه‌های لذیذ می‌دهد!

۲) يَزِدَادُ اسْتِهْلَاكُ الْبَنْزِينِ بِسَبَبِ ذَهَابِ الْعَائِلَاتِ لِقِضَاءِ الْعَطَلَاتِ الْأُسْبُوعِيَّةِ: رفتن خانواده‌ها برای گذراندن تعطیلات آخر هفته سبب افزایش مصرف بنزین می‌شود!

۳) تُنتِجُ بَعْضُ الْأَضْوَاءِ مِنْ تَحْوِيلِ الطَّاقَةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ إِلَى الطَّاقَةِ الضَّوئِيَّةِ: بعضی نورها بر اثر تبدیل انرژی شیمیائی، انرژی نوری تولید می‌کنند!

۴) تَسْتَعْمِدُ الدَّلَافِينُ أَمْوَاجًا صَوْتِيَّةً لِلتَّعَرَّفِ عَلَى مَحَلِّ الْأَجْسَامِ: دلفینها امواج صوتی را بکار می‌برند تا محل اجسام شناسایی شود!

عین الخطأ: اختصاصی ۹۸

۱) لَا يَنْصَرُ الْمَجْرَمُونَ عِنْدَ مَوَاتِنِنَا: نزد هموطنان ما مجرمان یاری نمی‌شوند!

۲) ذَنْبُ حَيَّةِ الصَّحْرَاءِ يُعَدُّ وَسِيلَةً لِلصَّيْدِ: دم مار صحرا وسیله ای برای شکار بشمار می‌آید!

۳) تُحْرِقُ رُؤُسَنَا تَحْتَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ: سرهایمان زیر أشعه خورشید سوزان می‌سوزد!

۴) تُنتِجُ أَشْيَاءَ فِي الْمَصَانِعِ نَحْتَاجُ إِلَيْهَا: در کارخانه‌ها چیزهایی تولید می‌شود که به آنها نیاز داریم!

عین الخطأ: اختصاصی ۹۸

۱) لَا يَنْصَرُ الْمَجْرَمُونَ عِنْدَ مَوَاتِنِنَا: نزد هموطنان ما مجرمان یاری نمی‌شوند!

۲) ذَنْبُ حَيَّةِ الصَّحْرَاءِ يُعَدُّ وَسِيلَةً لِلصَّيْدِ: دم مار صحرا وسیله‌ای برای شکار بشمار می‌آید!

۳) تُحْرِقُ رُؤُسَنَا تَحْتَ أَشْعَةِ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةِ: سرهایمان زیر أشعه خورشید سوزان می‌سوزد!

۴) تُنتِجُ أَشْيَاءَ فِي الْمَصَانِعِ نَحْتَاجُ إِلَيْهَا: در کارخانه‌ها چیزهایی تولید می‌شود که به آنها نیاز داریم!

عین الصحیح في البناء للمجهول (حسب المعنى): انسانی ۱۴۰۰

«اسْتَعْدِمَ النَّاسَ النِّفْطَ فِي الصَّنَاعَةِ وَ ابْتَعَدَتِ الْأَرْضُ مِنَ السَّلَامَةِ بِأَكْثَارِهِمْ فِي الاسْتِفَادَةِ مِنْهُ وَ حِينْتِذُ يَهْدِدُونَ الْبَيْتَةَ وَ تَتَعَرَّضُ الْحَيَاةُ لِلْمَوْتِ»

۱) اسْتَعْدِمَ النَّاسَ (۲) ابْتَعَدَ مِنَ السَّلَامَةِ ...

۳) ... وَ حِينْتِذُ تَهْدِدُ الْبَيْتَةَ (۴) ... تَتَعَرَّضُ لِلْمَوْتِ

عین الفعل مجهولاً (بالنظر إلى المعنى): انسانی ۹۹

۱) أُرِيدُ أَنْ تُخْبِرَ صَدِيقَكَ أَنَّ لِحْظَةَ الْلِقَاءِ قَرِيبَةٌ!

۲) لَا تَسْمَحْ أَنْ يَتْرَكَ احْتِرَامَ الْفُقَرَاءِ بِسَبَبِ فَقْرِهِمْ!

۳) كَيْفَ يُمْكِنُ أَنْ لَا نَكْرَمَ مَنْ يَبْسُطُ لَنَا وَجْهَهُ دَائِمًا!

۴) أَكْرَمَ مَعْلَمِي بِإِطَاعَتِهِ وَ هُوَ يَمْنَحُ لِي مَا عِنْدَهُ مِنَ الْعِلْمِ!

عین الفعل الذي لا يمكن أن يُقرأ مجهولاً (على حسب المعنى): تجرئ ٩٩

- ١ ( أخبرت الطالبات كلهنّ بهذا الخبر المهمّ!
- ٢ ( أرضعت الأمّ الحنون ولدها و هو صغير جداً!
- ٣ ( أرسلت قوانين الشريعة في الكتب السماوية للناس!
- ٤ ( أغلقت أبواب المدرسة يوم أمس بسبب الأمطار الكثيرة!

عین نائب الفاعل من الأعداد: خارج انسانی ١٤٠٠ (مختص انسانی)

- ١ ( ما يزرع في الدنيا مرة واحدة يمكن أن يحصد عشر مرات!
- ٢ ( اشترك في السياق العلمي مائة طالب و نجح سبعة طلاب منهم!
- ٣ ( تُشاهد مئات المصايح الملونة في أعماق البحر خلقت للظلام!
- ٤ ( قد ألف عدد من كتب علم اللغة يضم آلاف الكلمات الفارسية المعربة!



# مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## درس ۷

«عليّ مِدَارَةُ النَّاسِ كَمَا يَجِبُ عَلَيَّ إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ!»: خارج ۹۸

- ۱) باید که با مردم مدارا کرد همانگونه که ادای فرائض بر من لازم است!
  - ۲) بر من است مدارا کردن با مردم همانطور که انجام فرائض بر من واجب است!
  - ۳) پای بند مدارا با مردم هستم همانگونه که انجام دادن فرائض بر من لازم است!
  - ۴) مدارا کردن با مردم بر من لازم است همانطور که ادای فرائض بر من واجب بوده است!
- «تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينَ أَنْ تُرْشِدُنَا إِلَى مَكَانٍ سَقُوطَ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانٍ غَرَقَ سَفِينَةٍ!»: دلفین‌ها .. تجربی ۹۸

- ۱) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتی‌ها هدایت کنند!
  - ۲) می‌توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند!
  - ۳) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتی‌ها هدایت نمایند!
  - ۴) می‌توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند!
- «استرجعتُ حاسوبي من الدَّكَّانِ الَّذِي يَخْتَصُّ بِتَصْلِيحِ الْوَسَائِلِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ!»: انسانی ۹۸

- ۱) کامپیوترم را به مغازه‌ای که وسایل برقی را درست می‌کرد پس دادم و برگشتم!
  - ۲) به مغازه ای که تخصصش درست کردن کامپیوتر و وسایل برقی بود برگشتم!
  - ۳) کامپیوترم را از مغازه‌ای که مختص تعمیر وسایل برقی است پس گرفتم!
  - ۴) از مغازه‌ای که کارش تعمیر وسایل با برق بود کامپیوترم را پس گرفتم!
- «برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر اقت خویش است»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) فضل العالم علی غیره، کفضل النبی علی أمته!

۲) فضل العالم علی الآخرين، مثل فضل نبی علی أمته!

۳) الفضل للعالم علی غیره، مثل فضل أنبیاء علی الأمة!

۴) الفضل للعالم علی أحد آخر، کفضل الأنبیاء علی الأمة!

«خَفَّاشٌ تَنَاهَى حَيَوَانَ پَسْتَانَدَارِي است که قادر به پرواز می‌باشد!»: ریاضی ۹۸

۱) الخفّاش الذي حيوان لبون وحيد و هو قادر على الطيران!

۲) الحيوان الوحيد اللبون لا يقدر على الطيران هو الخفّاش!

۳) الخفّاش هو الحيوان اللبون الوحيد الذي يقدر على الطيران!

۴) الحيوان اللبون الوحيد و هو قادر على الطيران ليس الخفّاش!

دانشنامه فرهنگ بسیار کوچکی است که تعداد اندکی از علوم را در بر دارد!»: عین الصحیح: اختصاصی ۹۸

۱) الموسوعةُ معجمٌ صغيرٌ جدًّا يجمعُ قليلاً من العلوم!

۲) دائرة المعارف موسوعةٌ صغيرةٌ جدًّا تجمعُ علوماً قليلةً!

۳) إنّ الموسوعةَ المعجم الصّغير كثيراً يشمل القليل من علوم!

۴) إنّ دائرة المعارف الموسوعة الصغيرة كثيراً تشمل على علوم قليلة!

عین الخطأ: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) أسرى: تحرك ليلاً (لأصباحاً)
- ۲) المستنقع: مكان فيه مياه و رائحة مياه كريهة!
- ۳) الغيم: نوع من السحاب لاينزل منه إلا المطر!
- ۴) الفريق: جماعة من الناس الذين لهم هدف واحد!

عین الخطأ: انسانی ۹۹

- ۱) الأسرى: هم من الذين يُغلبون في الحرب، فيأخذهم العدو!
- ۲) الأسرة: أعضاء البيت الواحد يعيشون معاً كالأهل!
- ۳) الأسرة: من الوسائل التي تُستعمل للنوم كالفرش!
- ۴) الإسرائ: حركة الشخص ليلاً و نهاراً إلى مكان!

عین المناسب للفراغ: «..... يجعل الجو لطيفاً و نحن نستفيد منه في الأيام الحارة!»: تجرّبی ۹۹

- ۱) الحاسوب
- ۲) تيار الماء
- ۳) مكيف الهواء
- ۴) تيار الكهرباء

عین ما فيه «نون الوقاية»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) إنّ البلبل يغني حتى إذا كان في القفس!
- ۲) سينفني غداً كل ما أتعلّم اليوم!
- ۳) لا تحزني إنّ الله يساعدك في هذه المسألة!
- ۴) هذا الرجل يبني بيته في حديقة خارج المدينة!

عین «الياء» تُستخدم خطأ: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) أكرمني
- ۲) أفلحني
- ۳) أجلسني
- ۴) أخبرني

عین ما ليس فيه «نون الوقاية»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) أرسلتني أمي لشراء شريحة لجوالها!
- ۲) أعجبتني الرسّام الماهر الذي لم تكن له يدان!
- ۳) يا أختي العزيزة؛ بيني لنا تأثير المحبة في تربية الأطفال!
- ۴) التحذيرات الكثيرة في الطريق بعدتني عن المخاطر الموجودة!

عین ما فيه «نون الوقاية»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) تبني بعض الطيور عشها فوق الأشجار!
- ۲) أختي العزيزة؛ بيني لي أين أجعل هذه الكتب!
- ۳) إن بينت لك أصل هذا الموضوع فهل تُصدّقني!
- ۴) هو طالب نشيط جداً يتمنى أن يصل إلى أهدافه!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما فيه «نون الوقاية» أكثر: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱ ( لا تظنني أنك تظلميني و تضريني و لا تشاهدين عاقبة عملك!
- ۲ ( يسألونني عن مهني المختلفة و شرحت لهم خسراتي في بعضها!
- ۳ ( أتمنى أن يوصلني أي إلى مدرستي و يستودعني الله كل صباح!
- ۴ ( شجعتني و نصحتني معلّمي بتنظيم البرنامج و ساعدني في إجرائه!

عین ما ليس فيه «نون الوقاية»: ریاضی ۹۹

- ۱ ( یساعدني كلام صديقي لإصلاح نفسي!
- ۲ ( أقول لزميلي أعني في حل هذه المسألة!
- ۳ ( يتمنى أخي أن يصل إلى المراحل العالية في العلم!
- ۴ ( أعانني صديقي في تعلم دروسي الصعبة فشكرته كثيراً!

عین ما فيه «نون الوقاية»: تجری ۹۹

- ۱ ( أتمنى أن أصدق إلى ذلك الجبل المرتفع!
- ۲ ( لا تحزني يا صديقتي العزيرة على هذه المشكلة!
- ۳ ( أختي! يجب عليك أن تُعيني برنامجك في الأسبوع!
- ۴ ( كان صديقي في البحر، فنادى: إن لم تُعينوني أغرق!

عین ما ليس فيه «نون» للوقاية: انسانی ۹۹

- ۱ ( إن لم تؤمني بقوة نفسك فلن تتقدمي في الحياة!
- ۲ ( منعني التزامي بالصدق من ارتكاب المعاصي!
- ۳ ( أعانتي بومات مزرعتي لأتخلص من شرّ الفئران!
- ۴ ( في اللعب أعطاني صديقي الكرة و رميتها إلى الهدف!

عین ما فيه «نون الوقاية»: هنر ۹۹

- ۱ ( يجب عليك أن تحسني لمن لم تكن له قدرة!
- ۲ ( بعض الطيور تبني بيوتها فوق الأشجار المرتفعة!
- ۳ ( يرشدني معلّمي الرؤوف دائماً إلى تعلم العلوم النافعة!
- ۴ ( يا أختي! إن تؤمني بأن النجاح نتيجة أعمالك فحاولي!

عین ما فيه «نون الوقاية»: خارج ۹۹

- ۱ ( قد ضربني كثيراً اللعب الكمبيوتر في هذه السنة!
- ۲ ( يتمنى أغلب الشباب أن يصلوا إلى النجاح بسهولة!
- ۳ ( يا صديقتي! لم لم تُعيني زميلاتك في تعلم الدروس!
- ۴ ( يبني الناس بيوتهم ليسكنوا و يستريحوا فيها!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما فيه «نون الوقاية»: زبان ۹۹

- ۱ ( أيتها التلميذة المجتهدة! بيني لزميلاتك أسلوب قراءة الدروس!
- ۲) هل تعرف أن النملة تبني بيتها تحت الأرض و له نوافذ!
- ۳ ( نتمنى أن نصل إلى أهدافنا دون تعب؛ و هذا محال!
- ۴ ( أنقذني أحد أصدقائي قبل أن أغرق في الشدائد!

عین ما ليس فيه نون الوقاية: انسانی خارج ۹۹

- ۱ ( استعيني بربك الكريم في الحياة الدنيا و الآخرة!
- ۲) حفظتني أمي من الطفولية حتى الآن فأحبها كثيراً!
- ۳ ( طلب مني المعلم أداء واجباتي المدرسية في البيت!
- ۴ ( ما نصرني في صعوبات الحياة إلا هذا الصديق الوفي!

عین ما ليس فيه نون الوقاية: خارج ۹۸

- ۱ ( احمني و ولدي الصغير يا أخي الكبير!
- ۲) أعني يا زميلي الحنون في حل هذه المسألة!
- ۳ ( ليتني كنت معك في هذه الحادثة حتى أساعدك!
- ۴ ( أغني من القناعة لا يجد الناس كنزا في حياتهم!

عین ما ليس فيه نون الوقاية: هنر ۹۸

- ۱ ( أحسنني إلى المساكين دائماً يا أختي العزيزة!
- ۲) إلهي: أحبك لأنك تجعلني في أعين الناس كبيراً!
- ۳ ( قد أعطاني والداي ما أحتاج إليه في طول الأيام!
- ۴ ( انتخبنتني هذه الأسرة لمساعدة أولادها في فهم الدروس!

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## درس ۸

- «الصديق الحقيقي هو الذي يقبل عذرك و إذا تعمل عملاً خطأ يُسامحك و لا يذكرك بسوء في غيابك»: دوست حقیقی همان کسی است که ... هنر ۱۴۰۰
- (۱) عذر خواهی را می پذیرد و به وقت انجام کار اشتباه تو را بخشیده و در نبودت ذکر بدیت را نمی کند!
- (۲) عذرت را پذیرفته و هنگامی که عمل خطائی انجام دهی تو را می بخشد و در نبودت تو را به بدی بخاطر نمی آورد!
- (۳) عذر تو را می پذیرد و هرگاه کار اشتباهی انجام دهی تو را می بخشد و در غیاب تو، از تو به بدی یاد نمی کند!
- (۴) عذر خواهی تو نزد او پذیرفته است و آنگاه که خطایی انجام دهی از تو می گذرد و در غیبت تو، بدیت را بخاطر نمی آورد!

عین اسم الفاعل یكون خبراً: انسانی ۹۹

- ۱ ( بعد مدّة قليلة أصبحت هذه الأشجار المثمرة جميلة! )
- ۲ ( إنّ المشاكل لا تستطيع أن تهزم الإنسان المتوكل على الله! )
- ۳ ( التلاميذ الذين يعملون بواجباتهم قادرون على أداء جميع أعمالهم! )
- ۴ ( كان جماعة من المسافرين يشاهدون المناظر الجميلة من داخل القطار! )

عین ما لیس فیہ اسم مبالغة: خارج ۹۹

- ۱ ( الكذاب كالحقار يقع في حفرة يوماً! )
- ۲ ( هذا العلامة كأنه مصباح في الأرض! )
- ۳ ( يا أيتها النفس اللوامة أرشديني إلى الحسنات! )
- ۴ ( الزوّار هم الذين يصلّون ليشاهدوا الله في قلوبهم! )

عین ما يدل على أنّ المبتدأ يقوم بالعمل كثيراً: اختصاصی خارج ۹۸

- (۱) ذلك خلیق کریم! (۲) ذلك مخلوق عظیم! (۳) هو الخلاق العظیم! (۴) هو الخالق البصیر!

عین المناسب للمفهوم التالي: «لا يعرف قيمة النعم إلا من حلت به المصيبة!»: اختصاصی ۹۸

- ۱ ( و الله ما رأينا حباً بلا ملامة! )
- ۲ ( سل المصانع ركبا تهيم في الفلوات! )
- ۳ ( فكم تمرّ عيشي و أنت حامل شهد! )
- ۴ ( و قد تفتش عين الحياة في الظلمات! )

## درس ۱

«إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجَنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ ثِقَافَةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) قلم و زبان عالم سربازانی اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!
- ۲) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می توانند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!
- ۳) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!
- ۴) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می توانند به روش نیکو از فرهنگ سرزمینهای خویش دفاع کنند!

«مَنْ أَفْضَلُ الطَّرِيقِ لِكِتْشَافِ كَذِبِ الْأَشْخَاصِ هُوَ مَقَايِصَةُ مَا يَقُولُونَهُ بِمَا يَفْعَلُونَهُ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) آنکه بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آنها را با عملشان مقایسه کند!
- ۲) از بهترین راه ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!
- ۳) کسی که بهترین راهها را برای کشف دروغ افراد دارد، آنچه را آنها می گویند با آنچه به آن عمل می کنند مقایسه می کند!
- ۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارتست از مقایسه سخنی که می گویند با چیزی که بدان عمل می کنند!

«لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لِفُضْحِهِمْ ، وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) هرگز از کسانی مباش که جستجو می کنند تا اسرار مردم برای رسوائی شان فاش شود، و این از بدترین صفتها برای انسان است!
- ۲) از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اینکه اسرار مردم برای رسوائی شان کشف شود، و این عمل از زشت ترین صفات انسان است!
- ۳) از کسانی مباش که برای کشف کردن اسرار مردم بخاطر رسوا شدنشان تجسس می کنند، و این از قبیح ترین صفتها نزد انسان است!
- ۴) هرگز از جمله کسانی مباش که تجسس می کنند تا اسرار مردم را برای رسوا کردنشان کشف کنند، و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است!

«إِنَّ الضُّوءَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تُؤَثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطَاتِ!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند حتمی است!
- ۲) قطعاً نور از مهمترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند اثر می گذارد!
- ۳) نور از مهمترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوسها بسر می برند قطعی است!
- ۴) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوسها زندگی می کنند تأثیر دارد!

﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا، هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) کسی که ما را از مرقد خود بیرون آورده، همان است که خدا وعده آن را داده بود، و مرسلین راستگو هستند!
- ۲) کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، او همان است که رحمن به ما وعده داده بود، و پیامبران راستگو هستند!
- ۳) چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت. این همان است که خداوند رحمن وعده داده و رسولان راست گفته اند!
- ۴) آنکه ما را از قبرهایمان بیرون آورده و این همان چیزی است که خداوند وعده داده است و پیامبران مرسل راست گفته اند!



«هو أستاذُ عالمٍ في هذه اللّغة فجادله بالتي هي أحسن لأنه أعلمُ من في هذه البلاد!» خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آنچه نکوتر است بحث کن زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- ۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- ۳) او استادی فاضل در این زبان است. پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می باشند!
- ۴) او استاد فاضلی است، در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آنهایی است که در این کشور می باشند!

«هو أقربُ شخصٍ لي و إن كان بعيداً مني مسافات!» خارج ۹۹

- ۱) او شخص نزدیکی به من است هر چند که مسافتهایی از من دور شده است!
- ۲) او اگر چه مسافتها از من دور شده است ولی شخص نزدیکتر به من اوست!
- ۳) نزدیکترین فرد به من کسی است که از من مسافتهایی دور شده باشد!
- ۴) او نزدیکترین فرد به من است اگرچه از من مسافتها دور باشد!

«قررتُ مع أختي الصّغرى أن نذهب غداً رأس الساعة التاسعة والنّصف إلى المتحف لمشاهدة الآثار التاريخية!» زبان ۹۹

- ۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!
- ۲) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم: سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزهها برویم!
- ۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزهها برویم!
- ۴) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

«استشرِ الآخرين فيما لا تعلم و إن كانوا أصغر منك، فإنّ الاستشارة لا تُمیز بين الصّغير و بین الكبير!»: اختصاصی ۹۹

- ۱) درباره آنچه نمی دانی با دیگران مشورت کن اگرچه کوچکتر از تو باشند، چه مشورت کردن بین کوچک و بزرگ جدا نمی کند!
- ۲) درباره هرچه نمی شناسی با دیگران مشورت کن اگرچه آنها از تو کوچکتر هستند، مشورت برای کوچک و بزرگ فرق قائل نیست!
- ۳) با دیگران درباره آنچه نمی دانی مشورت کن حتی اگر آنها کوچکتر باشند، زیرا طلب مشورت بین کوچک و بزرگ جدایی قائل نیست!
- ۴) از دیگران درباره هرچیزی که نمی شناسی مشورت بخواه حتی اگر از تو کوچکتر بودند، پس مشورت خواستن میان کوچک و بزرگ فرق نمی گذارد!

«إنّ عقائدنا هي التي تدعونا إلى أحسن الأعمال أو أسونها و تُبعدنا من الخير أو الشر!» خارج ۹۸

- ۱) همانا این عقاید ماست که ما را به بهترین اعمال یا بدترین آن دعوت می کند و ما را از خوبی و بدی می راند!
- ۲) عقاید ماست که ما را دعوت به اعمال نیک یا زشتترین آنها می کند و ما از خوب بودن و بد بودن دوری می کنیم!
- ۳) همانا عقاید ماست که برای ما خوبترین کارها و زشتترین آنها را می خواند و ما از خوبی و بدی دوری می کنیم!
- ۴) بی تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آنها فرا می خواند و ما را از خوبی یا بدی دور می کند!

«أدعُ إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي أحسن»: تجربی ۹۸

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هرچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

عین الصحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱ ( خیر إخوانی من أقرب إلی منی: بهترین برادرانم نزدیکترین کس به من هستند!
- ۲ ( اعلم أن أقوى سلاحك قدرة الكلام و لینه: میدانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ۳ ( أكبر الغنی الیأس عمّا فی أیدی الناس: بزرگترین بی نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ۴ ( أنت أعلى و خلقك الحسن أثقل شیء فی المیزان: تو بلندمرتبه ترینی و اخلاق نیک سنگین ترین چیز در ترازوی تو است!
- عین الخطأ: اختصاصی ۹۸

- ۱ ( من یقصد أن یسبح فی البحر: کسی که قصد دارد در دریا شنا کند،
- ۲ ( یجب علیه أن یتعلم کیف یسبح: باید بیاموزد که چگونه شنا کند،
- ۳ ( لأن السباحة فی البحر الذی له أمواج مرتفعة صعب: زیرا شنا کردن در دریایی که امواجی بلند دارد سخت است،
- ۴ ( إنقاذ إنسان كهذا الإنسان أصعب كثيراً! و نجات یافتن چنین انسانی سخت است!

«در ترازوی چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست!» عین الصحیح: هنر ۹۹

- ۱ ( لیس الشیء فی میزان أثقل من حسن الخلق!
- ۲ ( فی میزان الشیء لیس ثقیل مثل حسن الأخلاق!
- ۳ ( فی المیزان لیس شیء ثقیل من الأخلاق الحسن!
- ۴ ( لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن!

«عالم ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عین الصحیح: تجربی ۹۹

- ۱ ( أعلم الناس من جمع علم الناس إلی علمه!
- ۲ ( الأعلم الناس من قد یجمع علی علمه علم الناس!
- ۳ ( الأعلم من الناس الذی یجمع علم الناس إلی علمه!
- ۴ ( أعلم من الناس هو الذی قد جمع إلی علمه علم الناس!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل: هنر ۱۴۰۰

- ۱ ( إن التّفكّر خیر من أي شیء حتی العبادة!
- ۲ ( إن الجماعة خیر من الوحدة فعلیکم بالجماعة!
- ۳ ( إن الطفل الصّغیر یری کلّ خیر فی أمّه و یلجأ إلیها!
- ۴ ( قد تكون جملة قصيرة خیراً من جملة طويلة لیبان نظرتنا!

عین ما فیهِ « اسم التفضیل » أكثر: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ ( أعوذ من الشرور بأحسن الخالقین!
- ۲ ( أشرف الناس من یكون رؤوفاً للأسرة!
- ۳ ( أحبّ أوسط الأمور لأنّها خیر الأعمال!
- ۴ ( أفضلکم من هو ألین و ألطف للآخرین!

عین ما فيه اسم التفضيل: تجرئ ١٤٠٠

- ١ ( لا خیر لنا فی مصاحبة الإنسان الکذاب!
- ٢ ( ما تُقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله!
- ٣ ( جهّز نفسك لِشَرِّ الأشياء و عليك أن ترجو خیرها!
- ٤ ( جعل الله فی کلّ نعمة خیراً إن لم یبدلها إلى شرّ!

عین ما فيه اسم التفضيل أقلّ: زبان ١٤٠٠

- ١ ( إن الخوف من الأمل أسوأ من نفس الأمل!
- ٢ ( لا تنتظر النظرة الحسنى، اعملها، سيجيء لك خیر منها!
- ٣ ( إن الأمل الذي يضطرك إلى السکوت أثقل من استغاثتك بأعلى الأصوات!
- ٤ ( إن الذين ينصحونك لأفضل الأمور هم الذين جرّبوا شرّ ظروف الحياة غالباً!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: خارج ١٤٠٠

- ١ ( بني المدير سداً بخير الأشياء من الحديد و النحاس!
- ٢ ( خير الصدقة علم نتعلمه و نعلمه الآخرين في حياتنا!
- ٣ ( عليكم بالجماعة لأنّ الكثير خیر من القليل لأداء الأعمال!
- ٤ ( في كلّ شيء خیر و جمالاً لا تشاهدهما إلا أن تتنبه إليهما!

عین كلمة « خير » أو « شر » ليست اسم تفضيل: اختصاصی خارج ١٤٠٠

- ١ ( خیر الناس من یساعد الآخرين في حاجاتهم اليومية!
- ٢ ( إن تلوث الهواء شرّ و هو من المهذّات النظام الطبيعة!
- ٣ ( إن السعادة بعد الغلبة على المصاعب عمل خیر للإنسان!
- ٤ ( هجمت الفئران على المزارع، و هذا العمل من شرّ المخربات للطبيعة!

عین ما ليس فيه اسم التفضيل: تجرئ ٩٩

- ١ ( أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!
- ٢ ( يجب أن نرى الآخرين أحسن منّا!
- ٣ ( أحسن إلى الناس كما تُريد أن یحسنوا إليك!
- ٤ ( أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

عین وزن «أفعل» ليس اسم تفضيل: زبان ٩٩

- ١ ( السکوت أبلغ کلام مقابل الجاهل!
- ٢ ( هذه السورة أعظم السور في القرآن الکریم!
- ٣ ( من أحسن إليك فأحسن إليه، و هذا العمل حسن!
- ٤ ( الغنى الأكبر اليأس من کلّ ما في أيدي الآخرين!

ماي درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیہ اسم التفضیل: هنر ۹۹

- ۱ ( هو فی حیاته اهدی منی کثیراً!
- ۲ ( بکلامه اللین سمعنا اهدی الکلمات!
- ۳ ( صدیقی اهدی الی کتاباً من مکتبته!
- ۴ ( اهدی عمل نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

عین ما فیہ اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

- ۱ ( لیتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل یحکمون علينا!
- ۲ ( أحب صدیقی الذي یفکر فی أعماله و أسالیبه دائماً!
- ۳ ( كتب التلمیذ واجباته متأخراً فما أرضی معلمه عنه!
- ۴ ( أسخط الصبور الشیطان بحلمه أمام المشاكل!

عین وزن «أفعل» لیس اسم تفضیل: اختصاصی ۹۹

- ۱ ( أسعی الشباب، أخبرنا بنتیجة سعیة!
- ۲ ( إن زمیلی حسناً أحسن إخوته فی العائلة!
- ۳ ( اهدی أخي عیوبی الی بعد ما أصلح نفسه!
- ۴ ( زرت أطول الكهوف المائیه مع أحب أصدقائی!

عین کلمة «الشر» لا یمکن أن تكون اسم التفضیل: خارج ۹۹

- ۱ ( جهلنا شر أعدائنا إن نعرفه!
- ۲ ( إن الیأس شر الأشياء لتخرب حياة البشر!
- ۳ ( لا شر إلا أن یمکن دفعه بالتدبیر!
- ۴ ( الشرک بالله من شر الأعمال التي تُبعدنا عنه!

عین ما لیس فیہ اسم التفضیل: ریاضی ۹۸

- ۱ ( أتقی الناس من لا یخاف الناس من لسانه!
- ۲ ( كان من بین أصدقائی من هو أنجح التلامیذ!
- ۳ ( أعلم أن من جمع علم الناس الی علمه فهو علیم!
- ۴ ( إن اللون الأبيض أحسن لون للألبسة الممرضات!

عین ما لیس فیہ «اسم التفضیل»: زبان ۹۸

- ۱ ( أفاضلنا من یحبون العلم و یعلمون به!
- ۲ ( أحب المعلمین الذين ینفعون الناس بأعمالهم!
- ۳ ( حسن الخلق أثقل الأعمال عند الله من عباده!
- ۴ ( أحب إخواننا من یرشدوننا الی فهم عیوبنا بكلام لین!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین کلمة «الخير» لیست اسم التفضیل: هنر ۹۸

- (۱) الخیر فی ما وقع!
- (۲) خیر الناس من یجبر نفسه علی الخیر!
- (۳) خیر الأعمال أوسطها!
- (۴) أحبّ أن أقوم بخیر الأعمال فی الحیاة!

عین ما فیہ اسم التفضیل: انسانی خارج ۹۸

- (۱) السّخیّ أکرم هؤلاء الفقراء!
- (۲) أنا أعلم أنّ هذا لیس مفیداً!
- (۳) هو عصی ربّه فندم علی عمله!
- (۴) الإجابة الحسنی تتعلّق بأخی!

عین الخطأ (فی التفضیل): انسانی ۹۸

- (۱) لا شك أنّ لغة القرآن أبلغ من جمیع اللّغات الأخری!
- (۲) إنّ أختی الصّغری هی التلميذة الكبرى فی الصّف!
- (۳) معلّمونا فی المدرسة من أفاضل معلّمی البلاد!
- (۴) هذه التلميذة صغری من زمیلاتها فی الصّف!

عین الخطأ عن اسم التفضیل: خارج ۹۸

- (۱) الحديقة الصّغری مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!
- (۲) الإخوان الّذین یساعدوننا فی أمورنا الصّعبة خیر إخوان فی حیاتنا!
- (۳) إنّ الأعمال الّتی نعملها لكسب الحلال فضلی من بقیة أعمالنا!
- (۴) ساعات تکّفرنا فی الیوم الواحد أقلّ من نومنا عادة!

عین ما فیہ اسم التفضیل و اسم المكان معاً: ریاضی ۹۹

- (۱) إنّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية اللیل!
- (۲) رأیتُ مكتبة فی مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!
- (۳) نُحبّ أن نشتری ما نریده بثمن أرخص و نوعية أعلى!
- (۴) يجب أن یكون لون جدار المطابخ خاصّة فی الأماكن العامّة أبيض!

عین ما یدل علی المكان: اختصاصی ۹۸

- (۱) هو من مقاتلینا! (۲) یمشون فی مساكنهم! (۳) هو من مفاخر أمّتنا! (۴) مصالح الأمة نحفظها!

های درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۲

«من يُؤمن بالله سنجح في طريقه، لاشك أنه قد استطاع أن يوصل نفسه إلى نصف الطريق!»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) هرکس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می تواند به نیمه راه برسد!
- ۲) آنکس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!
- ۳) کسی که ایمان داشته باشد به اینکه در راهش موفق خواهد شد، بی شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!
- ۴) هر آنکس که ایمان دارد به اینکه در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

﴿و ما تُقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله﴾: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) هر چه از نیکیهای خود پیش بفرستید آنها را نزد الله می یابید!
  - ۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آنها را نزد الله باز می یابید!
  - ۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می یابید!
  - ۴) هر چه را از نیکیوی به خودتان تقدیم کنید آنها را در نزد خداوند باز می یابید!
- «إن شاهدت أحداً قد وصل إلى القمّة فإِنَّه كان يتحرّك عندما كان الآخرون نياماً!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می کرد!
- ۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
- ۳) اگر کسی را که به قله ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند!
- ۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالیکه دیگران خوابیده بودند می خواست حرکت کند!

«إذا يلتزم الإنسان بالصدق يتخلص من كل السيئات التي تضره!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) اگر انسان پایبند راستی و درستی باشد همه بدیهایی را که ضرر رسان به اوست، رها می کند!
- ۲) هرگاه انسان به همه صداقتها ملتزم شود از بدیهایی که به او ضرر می زند خلاص می شود!
- ۳) هرگاه انسان پایبند راستگویی باشد از همه بدیهایی که به او ضرر می رساند رها می شود!
- ۴) اگر انسان به صداقتها ملتزم باشد بدیهایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می کند!

«من يتوقّف في الماضي يمكن أن يفقد مستقبله الذي يستطيع أن يكون أساس حياته!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) آن کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده ای را که احتمال دارد پایه زندگی او باشد، از دست بدهد!
- ۲) هرکس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده اش را که می تواند اساس زندگی او باشد، از دست بدهد!
- ۳) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده اش را از دست بدهد، درحالی که آن ممکن است اساس زندگی او باشد!
- ۴) هرکس در گذشته باقی بماند شاید آینده خود را از دست بدهد، حال آنکه آن آینده قادر است پایه زندگی او باشد!

«إن سمعتَ كلاماً تعلمه فهو تذكّر، و إن لا تعلمه ففكر فيه!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) اگر سخنی را شنیدی که آن را می دانی پس آن تذکر است، و اگر نمی دانی پس درباره آن فکر کن!
- ۲) هرگاه سخنی را شنیدی که می دانستی پس آن تذکر بوده است، و اگر نمی دانی پس در مورد آن بیاندیش!
- ۳) اگر کلامی را گوش دادی که آن را می دانستی پس آن تذکری است، و اگر نمی دانستی پس فکرت را بکن!
- ۴) هرگاه به سخنی گوش دادی که آن را می دانی پس آن تذکری بوده است، و اگر نمی دانی پس درباره اش بیاندیش!

«جوان دروغگو هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت نزدیک بود غرق شود»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱ ( الشابُّ الَّذي كَذَبَ كاذِبٌ يَغْرُقُ مَآ كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!
- ۲) كاذِبٌ الشَّابُّ الَّذي يَكْذِبُ يَغْرُقُ مَآ كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ!
- ۳) كاذِبٌ الشَّابُّ الكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّلَاثَةِ!
- ۴) الشَّابُّةُ الكَذَّابُ كانَ قد غرقَ عِنْدَمَا كَذَبَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!

» هرکس قبل از سخن گفتن بیاندهشد، غالباً از خطا ایمن می گردد!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) من يَفْكَرُ قَبْلَ الكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الخَطَا غَالِباً!
- ۲) من تُفَكِّرُ قَبْلَ أَنْ تَكَلِّمَ سَلَمَ مِنَ الخَطَا فِي الأَغْلَبِ!
- ۳) الَّذي يَفْكَرُ قَبْلَ أَنْ تَكَلِّمَ قد يَسْلَمُ مِنَ الأَخْطَاءِ غَالِباً!
- ۴) الَّذي تَفَكَّرَ قَبْلَ المِکْمَالَةِ قد سَلِمَ مِنَ الخَطَايَا فِي الأَغْلَبِ!

عین الصحیح: زبان ۹۸

- ۱) الذُّنُوبُ الكَبِيرَةُ: إثم
- ۲) الَّذي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ: تائب
- ۳) مَنْ لا يَرَاعِي القَانُونَ: مَشَاغِب
- ۴) مَنْ يَتَكَلَّمُ بِصَوْتِ ضَعِيفٍ: هَمَسَ

عین «ما» شَرْطِيَّةً: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) ما تَتَعَلَّمُهُ مِنَ العُلُومِ المِخْتَلِفَةِ تُبْعِدُكَ عَنِ الجَهَالَةِ!
- ۲) ما نَبَتَ الأشْجارُ الخانِقةَ فِي بِلَدِنَا لِأَنَّها أَشْجارُ اسْتَوَائِيَّةٌ!
- ۳) ما وَجَدتَ فِي ذلِكَ الكِتابِ الَّذي أثارَ فِي نَفْسِكَ بَعْدَ قِرائَتِهِ!
- ۴) ما مِنْ صابِرٍ يَصْبِرُ عَلى المِشْاكِلِ إِلاَّ وَهُوَ يَحْصِلُ عَلى النِّجَاحِ!

عین «ما» تَخْتَلِفُ فِي المَعْنَى: تجربی ۱۴۰۰

- ۱) ما أَقْنَعِ المِتْکَلِّمُ المِستَمْعِينَ مَعَ أَنَّ کَلِمَهُ لَيِّنٌ!
- ۲) ما قَطَعْتُ کَلِمَ مَعْلَمِي حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الكَلَامِ!
- ۳) ما اسْتَخْدَمَ المِزارِعُ السِّيَاحَ إِلاَّ لِحِمايَةِ مَحْصِلِهِ!
- ۴) ما أَجْمَلَ الصَّفَّ الَّذي يُحِبُّ المَعْلَمُ التَّلَامِيذَ وَ يُحِبُّونَهُ!

عین «مَنْ» تَخْتَلِفُ: هنر ۱۴۰۰

- ۱) مَنْ يَسْأَلُ المَعْلَمَ تَعَنَّتاً إِلاَّ الطَّالِبُ المِشَاغِبُ!
- ۲) مَنْ عَمِلَ بِالقُرْآنِ فَهُوَ يَفْلِحُ!
- ۳) مَنْ غَيْرَ مَعْلَمِكَ الحَنُونَ يُعَلِّمُكَ ما لا تَعْلَمُ!
- ۴) سَيَعْلَمُ الجَمِيعُ مِنَ الفائِزِ غَداً!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما لیس فیہ أسلوب الشرط: زبان ۱۴۰۰

(۱) من علّم إنساناً أنقذه من ظلمة الجهل!

(۲) من كان أسوأ مناسبة لكم في الحياة!

(۳) من يجالس العقلاء يكتسب فضائل كثيرة!

(۴) من عمل البرّ و الإحسان وجد نتيجة ذلك حقاً!

عین «ما» شرطيةً ( في المعنى): اختصاصی ۱۴۰۰

(۱) ما تنتخب من هذه الكتب فهي مفيدة لك!

(۲) ما أرضى الآباء والأمهات إلا سعادة أولادهم!

(۳) ما من عالم يعمل بعلمه إلا وهو يرى الخير في نتيجة عمله!

(۴) ما هو عمل التلميذ الذي لا يدرس بعد إعلان نتائج الامتحانات!

عین «ما» تختلف في المعنى: خارج ۱۴۰۰

(۱) ما أحب هذا الطالب أن يعرف الآخرون فشله!

(۲) ما تحتاج هذه الغرفة هي مكتبة صغيرة فيها بعض الكتب!

(۳) ما أحسن الإنسان لأحد إلا وهو يرى نتيجة عمله بإحسان أفضل!

(۴) ما أخلص المؤمن لله إلا و ينابيع الحكمة قد ظهرت من قلبه على لسانه!

عین جواب الشرط يختلف: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

(۱) إن يقدر أحد أن يسخطك فهو قد تغلب عليك!

(۲) أن تغضب و تعمل بغضبك تقترب من مفسدة عظيمة!

(۳) إن يقصد الأحمق أن ينفعل لا يقدر لأنه يضرك بحماقته!

(۴) إن ندرس دروسنا في موعده نتخرج من المدرسة بعد سنة!

عین الجملة الشرطية: خارج ۹۹

(۱) من شاغب في الشارع و ضرّ الماشين!

(۲) من ضحك علينا ليؤذينا فإنه قليل الثقافة!

(۳) أحب من يلازم الجهد فإنه ناجح في حياته دائماً!

(۴) من يجتهدون في حياتهم فإنهم واصلون إلى غاياتهم!

عین ما لیس فیہ الشرط: اختصاصی ۹۹

(۱) من سهر في سبيل الله فهو غير باك يوم القيامة!

(۲) من يسجل هدفاً و الحكم يقبله نجعله في فريقنا الفائز!

(۳) من استطاع أن يحصل على مشتقات النفط اکتفى بنفسه!

(۴) من يزرع شجرة الجوز يعلم أنها لا تثمر إلا بعد عشر سنوات!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



عین «ما» شرطیه: زبان ۹۹

۱ ( ما فعلتُ هذا لك حتى أتوِّع أجره!

۴) ما تقول عنه في هذا الأمر غير صحيح!

۳) ما تزرع في ا لدنيا حتى ترى نتيجته في الآخرة!

۴) ما تطلب من الخير للآخرين فإنك ترى نتيجته!

عین جواب الشرط يختلف نوعه عن الباقي: هنر ۹۹

۱ ( إن تتركوا أداء واجباتكم المدرسية ترسبوا في نهاية السنة!

۲) إن نندم على أعمالنا السيئة نُغيرها بعد مدّة بسهولة!

۳) ( إن ينم طفلٌ صغير في الغرفة أتكلّم همساً!

۴) ( إن يقطع أحدٌ كلام الآخرين فهو قليلُ الأدب!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: زبان ۹۸

۱) ( من لا يتدخّل في موضوع لايرتبط به يعمل عملاً عقلاً!

۲) ( من رأيت من الأصدقاء يدعوك إلى الخير فبجّله تبجيلاً!

۳) ( من لم يقل كل ما علم فهو يبعد نفسه عن الخطأ!

۴) ( من بعث ليتّم مكارم الأخلاق هو النبي الأكرم!

عین ما ليس فيه أسلوب الشرط: تجرّبی ۹۸

۱) ( من يحسن إلى الناس فالأه يجزيه على أحسنه!

۲) ( من يعامل الناس بالسوء لينظر إلى عاقبة أمره!

۳) ( من يلتزم بأن يكون عاملاً بما يقول فهو مؤمن!

۴) ( من سار في طريق العلم لايندم و إن تحمّل المشقّة!

عین «ما» شرطية: اختصاصی ۹۸

۱) ( ما أظلم الإنسان في حياته الضّعفاء!

۲) ( ما من طائرٍ إلّا و له جناحان يطير بهما!

۳) ( ما عندي وصفة كتب الطيب فيها الأدوية اللازمة لي!

۴) ( ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۳

﴿أرسلنا إلى فرعونَ رسولاَ، فعصى فرعونُ الرسولَ!﴾: ریاضی ۱۴۰۰

- (۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد!
- (۲) بسوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!
- (۳) رسولی بسوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد!
- (۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

«رَمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءُ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدِ مَلَكَتَ!»: انسانی ۱۴۰۰

- (۱) چه بسا بتوانی با ظلم هرچه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آنچه را مالک شده ای، از دست می دهی!
- (۲) چه بسا توانسته باشی بوسیله ظلم هرچه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آنچه را کسب کرده ای، از دست خواهی داد!
- (۳) شاید توانائی داشته باشی با ظلم همه آنچه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آنچه را که در دستان تو است، از دست می دهی!
- (۴) شاید قادر باشی بوسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری بدست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده ای، از دست می دهی!

«هناك أشجارٌ تعيش بالالتفاف حول جذور و جذوع الأشجار الأخرى و تنمو بخلق الآخرين»: تجربی ۱۴۰۰

- (۱) درختهایی وجود دارند که با پیچیدن اطراف ریشه و تنه درختهای دیگر زندگی کرده و با خفقان بقیه رشد کرده اند!
- (۲) درختهایی هستند که دور ریشه و تنه دیگر درختها پیچیده زندگی و رشد می کنند در حالی که برای بقیه خفقان می آورند!
- (۳) درختانی وجود دارند که با پیچیدن دور ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و با خفه کردن دیگران رشد می کنند!
- (۴) آنجا درختانی با در برگرفتن ریشه ها و تنه های درختان دیگر زندگی می کنند و رشد می نمایند در حالیکه دیگران را خفه می کنند!

«السيرة الحسنة كشجرة الزيتون، لا تنمو سريعاً و لكنها تعيش طويلاً»: زبان ۱۴۰۰

- (۱) یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!
- (۲) راه و روش خوب چون درخت زیتون است، بسرعت رشد نمی کند اما طولانی زندگی می کند!
- (۳) سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی کند، ولی زندگی طولانی می کند!
- (۴) یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که بسرعت بزرگ نمی شود، اما زندگی طولانی است!

«الجمالُ هو أن تزرع وردةً في بستان، ولكنَّ الأجمَلَ منه هو أن تغرس الحَبَّ و الصدق في قلب إنسان!»: خارج ۹۹

- (۱) زیبا آن است که گلی در بوستان کاشته شود، ولی زیباتر از آن کاشتن عشق و راستی در قلب انسان است!
- (۲) (زیبایی همان است که گلی را در یک بوستان بکاری، ولیکن زیباتر، کاشتن محبت و صفا در دل انسان است!
- (۳) زیبا آن است که به کاشت گلی در بوستان پردازی، ولی زیباتر از آن اینکه دوستی و راستی را در دل یک انسان بکاری!
- (۴) (زیبایی آن است که گلی را در بوستانی بکاری، ولیکن زیباتر از آن این است که محبت و صداقت را در قلب انسانی بکاری!

«عمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»: ریاضی ۹۹

(۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

(۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیشتر از پانصد سال است!

(۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

﴿أرسلنا إلى فرعون رسولا فَعَصَى فرعون الرسول﴾: انسانی ۹۹

(۱) به‌سوی فرعون رسولی فرستادیم و فرعون از آن رسول نافرمانی کرد!

(۲) رسولی را برای فرعون ارسال کردیم و فرستاده از فرعون تبعیت نکرد!

(۳) برای فرعون پیامبر را مبعوث کردیم و فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد!

(۴) پیامبری را به‌سوی فرعون مبعوث کردیم و آن پیامبر بر فرعون عصیان کرد!

«کشاورزان از چاه روستا آبی استخراج کردند»: اختصاصی ۱۴۰۰

(۱) استخراج الفلاحون ماء من بئر القرية!

(۲) استخراج هؤلاء الفلاحون ماء من بئر القرية!

(۳) استخراجوا الفلاحون ماء من البئر في قرية!

(۴) استخراجوا هؤلاء الفلاحون الماء من بئر في القرية!

«اسب‌هایی را دیدم، آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند!»: تجربی ۹۸

(۱) نظرتُ أفراساً، و كانت أفراس في جنب صاحبها!

(۲) شاهدتُ الأفراس التي كانت في جنب صاحبها!

(۳) وجدتُ الأفراس و هي كانت جنب صاحبها!

(۴) رأيتُ أفراساً، كانت الأفراس جنب صاحبها!

عین الخطأ عن المفهوم: تجربی ۱۴۰۰

(۱) الزرع: مكانٌ يعمل المزارع فيه!

(۲) زرع: جعل البذور تحت التراب!

(۳) المزارع: من يزرع شيئاً في الأرض ثم يحصده!

(۴) المزارع: الأراضي التي زرع فيها الزرع، و الزارع يحصده!

عین الخطأ عن المفهوم: زبان ۱۴۰۰

(۱) القرض: المال الذي نأخذه من أحد و نرجعه بعد مدة!

(۲) الصدقة: المال الذي لا نُقدّمه إلا إلى المحتاجين!

(۳) الأجر: المال الذي يُعطى إلى العامل لعمله!

(۴) التراث: المال الذي ورثه الوارث للآخرين!

عین الخطأ: زبان ۹۹

(۱) الأرجل: يمشی الإنسان بها!

(۲) المتفرج: الذي يشجع اللاعب في المسابقة!

(۳) السائح: من يفرح الناس لزيارة الآثار التاريخية!

(۴) المشكاة: زجاجة فيها مصباح ينتشر الضوء من داخلها!

عین حرف «ال» معناه اسم الإشارة: انسانی خارج ۹۸

(۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!

(۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيداً من أخلاق الجهلاء!

(۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطنان لأن سرعة حركة الطنان كثيرة!

(۴) يا رب! أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأن القلب يبتعد عن ربه!

## درس ۴

«هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءِ الْأَوْفِيَاءِ لَا يَكْذِبُونَ أَبَدًا لِأَنَّهُمْ قَدْ عَوَّدُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى الصَّرَاحَةِ فِي الْكَلَامِ!»: خارج ۹۹

(۱) این دوستان باوفا هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان خود را به صراحت در سخن عادت داده‌اند!

(۲) این دوستان باوفا ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه آنها به صریح گفتن خویش عادت کرده‌اند!

(۳) اینها دوستان باوفائی هستند که هرگز دروغ نمی‌گویند زیرا آنان به صراحت خود، عادت کرده‌اند!

(۴) اینها دوستان باوفایند که ابداً دروغ نمی‌گویند برای اینکه خودشان را به صریح گفتن، عادت داده‌اند!

«طَوْبِي لِمَنْ يُعْوِدُ لِسَانَهُ عَلَى الْكَلَامِ اللَّيِّنِ حَتَّى لَا يَخَافُ النَّاسُ مِنْهُ بَلْ يَقْبَلُونَ عَلَيْهِ!»: تجربی ۹۹

(۱) خوشا به حال کسی که زبان خود را به کلام نرم عادت دهد تا مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!

(۲) خرم آن کس که زبان او به سخن لطیف عادت نماید تا زمانی که مردم از او نترسند و او را قبول داشته باشند!

(۳) خوشا آن کس که زبانش را به کلامی لطیف عادت دهد تا نه تنها مردم از او نترسند بلکه به او روی آورند!

(۴) خوش به حال آن کسی که زبانش به سخن نرم عادت کند تا اینکه مردم از او نترسند و نیز او را بپذیرند!

«مَا دَخَلْتُ الْمَكْتَبَةَ شَاهِدَتُ طَلَبًا يُطَالَعُونَ دَرُوسَهُمْ بَجْدًا!»: هنر ۹۸

(۱) وقتی وارد کتابخانه شدم دانش آموزانی را دیدم که با جدیت دروس خود را مطالعه می‌کردند!

(۲) آنگاه که به کتابخانه داخل شدم دانش آموزان را دیدم که دروس خود را با جدیت مطالعه می‌کنند!

(۳) آنگاه که وارد کتابخانه‌ای شدم دانش آموزانی را مشاهده کردم که با جدیت درسهای خود را مطالعه می‌کنند!

(۴) وقتی داخل کتابخانه‌ای شدم دانش آموزان را مشاهده کردم که بطور جدی درسهای خود را مطالعه می‌کردند!

«وَجَدْتُ الشَّمْسَ أَقْوَى مَصْدَرٍ يَكْفِينَا نُورَهَا وَ حَرَارَتَهَا، دُونَ أَنْ تَقْرَبَ إِلَيْنَا أَوْ تَبْتَعِدَ عَنَّا!»: خارج ۹۸

(۱) دیدم خورشید قویترین منبع است که نور و حرارتش، بدون اینکه به ما نزدیک و یا از ما دور شود برایمان کافی است!

(۲) خورشید را پر انرژی‌ترین منبع یافتم که نور و حرارتش برایمان کافی است، بدون نزدیکی به ما و دوری از ما!

(۳) خورشید را نیرومندترین منبعی یافتم که نور و حرارت آن، بی‌آنکه به ما نزدیک شود و یا از ما دور شود برای ما کافی می‌باشد!

(۴) این خورشید قدرتمندترین منبعی است که نور و حرارتش برای همه ما کافی می‌باشد بدون آنکه بتواند نزدیک به ما یا دور از ما شود!

«لَكُلِّ مَوْجُودٍ سَلْحٌ يُدَافِعُ بِهِ عَنِ نَفْسِهِ غَرِيزِيًّا وَ هَذَا السَّلْحُ فِي الْإِنْسَانِ عَقْلُهُ!»: اختصاصی خارج ۹۸

(۱) برای هر موجود یک سلاح غریزی وجود دارد که از خویش دفاع می‌کند و انسان سلاحش عقل است!

(۲) هر موجودی سلاحی دارد که با آن به‌طور غریزی از خود دفاع می‌کند، و این سلاح در انسان عقل اوست!

(۳) برای هر موجودی سلاحی است غریزی که با آن خطر را از خود دفع می‌کنند و در انسان این سلاح عقل او است!

(۴) هر موجودی سلاحی دارد که با آن از روی غریزه از خویش دفع خطر می‌کند، و این سلاح در انسان عقل است!

عَيْنُ الصَّحِيحِ: اختصاصی خارج ۹۹

(۱) بعضی الناس من نُهَاءِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ دَائِمًا: بعضی از مردم از نهی کنندگان کارهای بد همیشگی هستند!

(۲) وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنَ الشَّبَابِ لَا يَحْبُونَ أَمْرَهُمْ وَ نَهْيَهُمْ: ولی جوانان، بسیاری از امر و نهی آنان را دوست ندارند،

(۳) وَ يَرِيدُونَ أَنْ يَصِلُوا هُمْ أَنْفُسَهُمْ إِلَى نَتِيجَةِ أَعْمَالِهِمْ: و می‌خواهند که آنها خودشان به نتیجه کارهایشان برسند،

(۴) نَعَمْ، قَدْ يَصِلُونَ إِلَى النَّتِيجَةِ وَلَكِنْ مَعَ خَسَارَةٍ لَا تُعْوَضُ!: آری، قطعاً به نتیجه می‌رسند اما با خسارتی که جبران نمی‌شود!

عین الخطأ: خارج ۹۹

- ۱ ( هل تعلم أنك تستطيع أن تصنع العطر من النفط: آیا می‌دانی که تو می‌توانی از نفت عطر بسازی!
- ۲ ( أحبُّ أن يجعلني الله ممن يبقى ذكركم: دوست دارم که خدا مرا از کسانی قرار دهد که یادشان باقی می‌ماند!
- ۳ ( للمؤمن كلامٌ لين يجذب به قلوب الناس: مؤمن سخنی نرم دارد که بوسیله آن قلبهای مردم را جذب می‌کند!
- ۴ ( اللهم، أعطنا ما نحبُّ و اجعله في سبيل كسب رضاك: خدایا! به ما آنچه را دوست داری عطا کن و آن را در راهی قرار بده که راضی هستی!

عین الخطأ: خارج ۹۹

- ۱ ( قلُّه الكلام من آداب من عودوا لسانهم عليها: کم سخن گفتن از آداب کسانی است که زبانشان را به آن عادت داده‌اند!
- ۲ ( طوبى لمن يحفظ نفسه من ال زل بالتفكر المستمر: خوشا به حال کسی که با اندیشیدن مداوم، خودش از لغزش حفظ می‌کند!
- ۳ ( لعقول المستمعين قدر فكلهم على ذلك القدر: عقل‌های شنوندگان قدر و اندازه‌ای دارد پس سخنان آنها به اندازه همان است!
- ۴ ( يحدث الجاهل ما يخاف تكذيبه و لذلك يندم: نادان از چیزی سخن می‌گوید که از تکذیبش می‌ترسد و به این دلیل، پشیمان می‌شود!

«دانش آموزی را می‌بینم که تمرینهای درس را در کلاس می‌نویسد»: انسانی ۱۴۰۰

۱ ( أشاهد طالباً يكتب تمارين الدرس في الصف!

۲ ( رأيت في الصف الطالب يكتب تمارين الدروس!

۳ ( أشاهد في الصف طالباً و هو يكتب تمارين الدرس!

۴ ( رأيت الطالب و هو يكتب تمارين الدروس في الصف!

«سخن بگوئید تا شناخته گردید، زیرا شخص در زیر زبانش پنهان شده است!»: عین الصحیح: خارج ۹۹

۱ ( تحدّثوا تعرّفوا فالمرء مخبوء في لسانه!

۲ ( تكلموا تعرّفوا فإن المرء مخبوء تحت لسانه!

۳ ( تحدّثوا كي تعرّفوا فكل شخص مخفي من لسانه!

۴ ( تكلموا حتى تعرّفوا لأن كل شخص مخفي خلف لسانه!

«امروز کتابی خریدم که قبلاً آن را دیده بودم!»: زبان ۹۹

۱ ( هذا يوم اشترت الكتاب و رأيت قبل هذا!

۲ ( اشترت اليوم كتاباً قد رأيت من قبل!

۳ ( هذا اليوم اشترت كتاباً رأيت قبل هذا!

۴ ( قد اشترت اليوم الكتاب و رأيت من قبل!

«برنامه‌ای را یافتم که مرا در آموختن عربی کمک می‌کرد!»: زبان ۹۸

۱ ( حصلت على البرنامج الذي يساعد لي تعلم العربية!

۲ ( رأيت البرنامج و هو يساعدني لتعليم اللغة العربية!

۳ ( وجدت برنامجاً يساعدني في تعلم العربية!

۴ ( أخذت برنامجاً يساعد في تعليم اللغة العربية!

عین الوصف یختلف عن الباقي: هنر ۱۴۰۰

۱ ( اغتنموا الفرص القليلة و بدلوها إلى فرص ذهبية!

۲ ( كن في الشدائد كجزيرة لا يكون البحر قادراً أن يبلغها!

۳ ( آثارنا التاريخية فخرونا و هي من أهم الآثار التي سجلت في ذاكرتنا!

۴ ( كانت سيارتنا معطلة فجعلتها في موقف تصليح السيارات لمدة أسبوع واحد!

عین ما لیس فیہ فعلٌ یصف ما قبله: انسانی ۱۴۰۰

- ۱ ( للهرباء عینٌ تدور کلّ اتجاه تُریده!
- ۲ ( لا ترفع صوتک بأیّ دلیل عندما تتکلم مع أمک !
- ۳ ( یقدّم لقمان مواظ قيمة یشیر القرآن إليها!
- ۴ ( ألف کتاب عظیم یحصی مدنا الجذابة للسیاحة!

عین الصفة یختلف نوعها: زبان ۱۴۰۰

- ۱ ( قرأنا الآراء المتعددة فی هذا الموضوع فنفکر فیہ!
- ۲ ( شاهدتُ التلامیذ یلعبون فی الملعب الکبیر مع أصدقائهم!
- ۳ ( هذا هو التلمیذ الناجح یمشی و یضحک مع بقية التلامیذ!
- ۴ ( أبی مزارع یجتهد دائماً و لا یرضی بأن یتک هذه القرية!

عین الصفة یختلف نوعها: خارج انسانی ۱۴۰۰

- ۱ ( نحن نغرس الأشجار المثمرة و نأمل أن نستفید منها!
- ۲ ( إن الدنيا عند المؤمن أهون من ورقة تقضمها الجرادة!
- ۳ ( یقدر التمساح أن یأکل فريسة أكبر من فمه بسهولة!
- ۴ ( تُساعد الذاكرة القویة الإنسان علی التعلّم الأحسن!

عین المفعول موصوفاً بالجملة: انسانی ۹۸

- ۱ ( أشکرک یا ربی بأن حسنت خلقي!
- ۲ ( قد یأکل التمساح فريسة أكبر من فمه!
- ۳ ( سجل هدفک و اذهب إلیه بقوة و إرادة!
- ۴ ( أتعرف طائراً ینقر جذوع الأشجار لصنع العش!

عین ما فیہ توصیفٌ للنكرة (الجملة الوصفية): هنر ۹۸

- ۱ ( أحب أن أزور «حامداً» و هو غائب عنا منذ السنة!
- ۲ ( الکعبة الشریفة بناء مقدس بناه «إبراهیم» علیه السلام!
- ۳ ( عرف «حافظ» عارفاً و هو قد استفاد من لغة القرآن فی آبیاته!
- ۴ ( أسرة «صادق» ما عرفت «منصوراً» کان یشغل فی المزرعة معه!

عین مضارعاً ۱ یمكن أن یعادل «الماضي الاستمراري» فی الفارسية: انسانی ۹۸

- ۱ ( سنجد برنامجاً لك یعینك فی دروسك كلها!
- ۲ ( شاهدتُ مناظر فی طریق السفر یعجبني جمالها!
- ۳ ( العاقل یشیر الصادق فی أموره حتی یقربه من الحقائق!
- ۴ ( بعضنا یحدّث بكلّ ما یسمع به، و هذا عمل غیر صحیح!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۵

« لا نَقْدَرُ أَنْ نَضَطَّرَ التَّلْمِيذَ الَّذِي عَوَّدَ نَفْسَهُ الْكَسَلَ، إِلَى التَّحَرُّكِ وَالْاجْتِهَادِ لِلتَّقَدُّمِ فِي الْحَيَاةِ، بِسَهُولَةٍ!»: هنر ۱۴۰۰

- ۱) دانش آموزی که خودش را به تنبلی عادت داده، نمی توانیم به آسانی به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار کنیم!
- ۲) دانش آموزی که خود به تنبلی عادت کرده، به سادگی قادر نیستیم او را به حرکت و تلاش برای پیشرفتش در زندگی وادار نمائیم!
- ۳) دانش آموزی که خود را به تنبلی عادت داده، به سادگی قادر نیستیم به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نمائیم!
- ۴) دانش آموزی را که خودش به تنبلی عادت کرده، نمی توانیم به آسانی به حرکت و تلاش برای پیشرفتش در زندگی ناگزیر کنیم!

« فِي الْحَيَاةِ الْفَرْدِيَّةِ مِنَ الْجَمِيلِ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَالْأَجْمَلَ أَلَّا يَتَّسَعَ قَلْبُكَ لِلْعَدَاوَةِ!»: تجربی ۱۴۰۰

- ۱) ( در زندگی شخصی زیباست جداً که دشمنت، دوست گردد و زیباتر است که قلبت برای دشمن شدن، فراخ نگردد!
- ۲) بسیار زیباست که در زندگی شخصی، دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر اینکه قلبت برای دشمنی فراخ نشود!
- ۳) بسیار زیباست که در زندگی شخصی دشمنت را، دوست قرار بدهی، و زیباتر اینکه قلب خود را برای دشمنت گسترده نکنی!
- ۴) زیباست که در زندگی شخصی از دشمن خود دوست بسازی، و زیباتر است که قلب خود را برای دشمن شدن، گسترش ندهی!

« مَا قَلَّ عَدَدُ الْأَشْخَاصِ الْمُخْلِصِينَ الَّذِينَ نَسْتِطِيعُ أَنْ نَسْتَعِينُ بِهِمْ حَتَّى نَجِدَ طَرِيقًا بِسَهُولَةٍ!»: تجربی ۱۴۰۰

- ۱) کم نشده است تعداد افراد با اخلاص که بتوانیم از آنها یاری بجوئیم تا راه خود را براحتی بیابیم!
- ۲) چه کم اند افرادی که مخلص باشند و بتوانیم از آنها یاری بخواهیم تا راهی آسان برای خود پیدا کنیم!
- ۳) کم نبوده است افراد مخلصی که می توانستیم از آنها یاری بخواهیم تا اینکه راه آسان خود را پیدا کنیم!
- ۴) کم نیست تعداد اشخاص با اخلاصی که می توانیم برای یاری جستن به آنها روی آوریم تا راه خویش را راحت بیابیم!

﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٍ﴾: خارج ۱۴۰۰

- ۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی
- ۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از اینکه آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- ۳) از چیزهایی که به شما روزی داده ایم به دیگران بدهید پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- ۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

«يُمْكِنُ أَنْ تَنْسَى مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكِ، لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسَى مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبُكَاءِ أُبْدًا!»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) شاید هر کس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!
- ۲) می توانی آن کسی را که در خنده همراهی کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کسی را که در گریه همراهیت کند فراموش نمی کنی!
- ۳) می شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می کند ابداً فراموش نمی کنی!
- ۴) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!



﴿أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ﴾: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید قبل از اینکه روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی!
- ۲) آنچه را روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از اینکه آن روز فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- ۳) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید پیش از اینکه آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- ۴) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید قبل از اینکه روزی فرا رسد که نه معامله ای در آن است و نه دوستی!

«الْفُشْلُ تَحْمَلُهُ صَعْبٌ وَلَكِنَّهُ يَخْلُقُ لَكَ فُرْصاً سَتَسْتَفِيدُ مِنْهَا لِلنَّجَاحِ!»: تجربی ۹۹

- ۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!
- ۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروزشدن استفاده می‌کنی!
- ۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهی کرد!
- ۴) شکست تحملش سخت است ولیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروزشدن استفاده خواهی کرد!

«يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقْتَصِدَ فِي اسْتِهْلَاكِ قُوَّةِ الْكَهْرِبَاءِ حَتَّى لَا نُوجِهَ قَطْعَهَا فِي الْأَيَّامِ الَّتِي نَحْتَاجُ إِلَيْهَا!»: انسانی ۹۹

- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
- ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع‌شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبه‌رو نشویم!
- ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
- ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع‌شدنش روبه‌رو می‌شویم به آن احتیاج داریم!

«هَذَا جَمِيلٌ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَ الْأَجْمَلُ مِنْهُ هُوَ أَلَّا تَفْتَحَ بَوَابَهُ قَلْبِكَ لِلْعَدَاوَةِ، بَلْ تُسَبِّبْ تَحْوِيلَهَا إِلَى صَدَاقَةٍ!»: اختصاصی ۹۹

- ۱) این جدًّا زیباست که دشمنت را دوست بگردانی، و زیباتر این بود که دروازه قلب خود را برای دشمن نگشایی، بلکه باعث تحویل آن به دوستی بشوی!

- ۲) این بسیار زیباست که دشمن خود را دوست بگردانی، و زیباتر از آن اینست که دروازه قلبت را برای دشمنی نگشایی، بلکه سبب تبدیل آن به دوستی بشوی!

- ۳) این زیباست جدًّا که دشمن را دوست خود گردانده‌ای، و زیباتر از آن اینکه دروازه قلب خود را به روی دشمنی باز نکرده‌ای، تا سبب شوی دوستی به دشمنی تحویل پیدا کند!

- ۴) این چقدر زیباست که دشمن خود را دوست گردانده‌ای، اما زیباتر این است که دروازه قلبت را برای دشمنی باز نکنی، بلکه سبب شوی آن دشمنی به دوستی تبدیل شود!

«مَا أَجْمَلٌ أَنْ تَرَى نَهَايَةَ أَحْزَانِكَ الْمَاضِيَةِ لِتَبْدَأَ حَيَاةً جَدِيدَةً قَرِحَةً!»: هنر ۹۹

- ۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای اینکه زندگی جدید شادی شروع شود!
- ۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای اینکه زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!



«لَا تَسْتَشِرَ الْكَذَّابَ، فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يَقْرَبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ!»: ریاضی ۹۸

- ۱) با شخص کذاب مشورت مکن، زیرا او چون سراب است، دور را بر تو نزدیک می نماید و نزدیک را دور!
- ۲) دروغزن را مورد مشورت خویش قرار نده، چه او همچون سراب بعید را به تو نزدیک می نماید و قریب را دور!
- ۳) با شخص دروغگو مشورت نکن، چه او مانند سراب دور را به تو نزدیک می کند و نزدیک را از تو دور می سازد!
- ۴) کذاب را مشاور خود قرار مده، زیرا او مانند سراب است که بعید را به تو قریب می کند و قریب را از تو بعید می سازد!

«أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً وَلَا شَفَاعَةً»: انسانی ۹۸

- ۱) از آنچه به شما روزی می دهیم انفاق کنید قبل از آنکه روزی بیاید که در آن هیچ فروش و دوستی نیست و نه شفاعتی!
- ۲) انفاق کنید از آنچه روزی دادیم شما را، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی!
- ۳) بخشش کنید از چیزهایی که روزیتان دادیم پیش از اینکه آن روز فرا رسد که هیچ فروش و دوستی و شفاعت در آن نیست!
- ۴) از آنچه روزی شما قرار می دهیم بخشش کنید قبل از اینکه آن روز بیاید که فروش در آن نیست و دوستی و شفاعت نیز نیست!

«يَبْلِغُ الصَّادِقُونَ بِصَدَقِهِمْ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُونَ بِاِحْتِيَالِهِمْ!»: تجربی ۹۸

- ۱) صادقان با صدق خود به همان چیزی می رسند که کاذبان با فریبکاری خود به آن نرسیده اند!
- ۲) راستگویان با راستگویی خود به چیزی می رسند که دروغگویان با حيله گری خود به آن نمی رسند!
- ۳) اشخاص راستگو با صداقت خویش آنچه را به دست می آورند، اشخاص دروغگو با حيله گری خود به دست نمی آورند!
- ۴) افراد صادق با راستگویی خویش چیزی را به دست می آورند که دروغگویان با فریبکاری خود به دست نیاورده اند!

«لَا يَغْتَوَّرُ بِالْدُنْيَا أَبَدًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهَا كَسَرَابٍ، يَرَى فِيهَا مَا لَا وَجُودَ لَهُ!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) فریب دنیا را کسی نمی خورد که دانسته است آن مثل سرابی است که هرگز در آن چیزی وجود ندارد!
- ۲) کسی هرگز فریب دنیا را نخورده است اگر بداند که آن مثل سراب و در آن هیچ چیزی وجود ندارد!
- ۳) کسی که می داند دنیا چون سرابی است که در آن آنچه وجود ندارد دیده می شود، فریب دنیا را هرگز نمی خورد!
- ۴) هرگز فریب دنیا را نمی خورد کسی که می داند که آن چون سرابی است که در آن چیزی را می بیند که اصلاً وجود ندارد!

«قَدْ تَكَرَّرَ أَمْرًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ خَيْرًا لَكَ وَ قَدْ تُحِبُّ شَيْئًا وَاللَّهُ جَعَلَهُ شَرًّا لَكَ!»: انسانی خارج ۹۸

- ۱) کاری را احتمالاً ناپسند می داری حال اینکه خدا خیر را در آن قرار داده، و چیزی را احتمالاً دوست می داری حال اینکه خدا شر را در آن قرار داده است!

www.my-dars.ir

- ۲) شاید کاری را زشت می داری درحالیکه خدا برای تو در آن خیر قرار داده، و شاید چیزی را دوست بداری در حالیکه خدا برای تو در آن شر قرار داده!
- ۳) کاری را گاه زشت می پنداری در حالی که خدا در آن خیری قرار داده، و چیزی را گاه دوست داری در حالی که خدا شری در آن برایت قرار داده!
- ۴) گاهی کاری را ناپسند می شماری و حال اینکه خدا آن را برای تو خیر قرار داده است، و گاهی چیزی را دوست داری و حال اینکه خدا آن را برای تو شر قرار داده است!

عین الخطأ: تجرِبی ۱۴۰۰

- ۱) اجعل فشلك بدايةً جديدةً لنجاحك: شكستت را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!
- ۲) إذا عَزَمْتَ أن تبدأ عملاً فإنك قد قطعْتَ نصفَ الطريق: هرگاه تصمیم به انجام دادن کاری گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!
- ۳) إن استطعتَ أن تَمَلَّأَ دقائقَ حياتك بالعمل المفيد نجت: اگر بتوانی دقایق زندگی خود را با عمل مفید پر کنی، موفق میشوی!
- ۴) طلبَ التلاميذُ من المدير أن يُوجَلَّ الامتحاناتِ لأُسبوعينِ آخريْن: دانش آموزان از مدیر خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) من يَحِبُّ اللهَ و خدمةَ عباده له سَكِينَةٌ لا تُشَاهَدُ في الآخِرِينَ: کسی که خدا و خدمت به بندگانش را دوست دارد آرامشی دارد که در دیگران مشاهده نمی‌شود!
- ۲) من يتعلَّم حتى يَعْلَمَ الآخِرِينَ و ينفَعهم فلاشكُ هو الأفضَل: کسی که دانش فرا می‌گیرد تا به دیگران یاد بدهد و به آنان سود برساند بی‌شک او برترین است!
- ۳) جعل الله فينا منادياً لِنَبْتَعدَ عن المعاصي و إن لا نستطيع أن نسمعه: خدا در ما منادی را قرار داد تا از گناهان دور شویم اگر چه گوش ندهیم!
- ۴) كُنْ متفائلاً حتى يزيِدَ رجاؤك و تَرى فُرصَ الخير: خوش‌بین باش تا امید تو افزون شود و فرصت‌های خوب را ببینی!

«استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد»: خارج ۱۴۰۰

- ۱) و افق أستاذنا أن يُوجَلَّ مَوعدَ الامتحاناتِ أسبوعينِ اثنين.
- ۲) توافق أستاذنا أن يتأخَّرَ الموعدَ للامتحانِ أسبوعينِ اثنين.
- ۳) توافق الأستاذُ أن يُؤخَّرَ امتحاناتِ الطُّلابِ مُدَّةَ أسبوعين.
- ۴) وافق الأستاذُ أن يُوجَلَّ الامتحانَ للطُّلابِ مُدَّةَ أسبوعين.

«ما درختانی می‌کاریم تا دیگران از میوه های آنها بخورند!». عین الصحیح: انسانی ۹۸

- ۱) نحن نغرس الأشجار حتى من ثمراتها يأكل الآخرون!
- ۲) نغرس نحن الأشجار لكي يأكل آخرون من ثمارها!
- ۳) نغرس نحن أشجاراً حتى آخرون يأكل من ثمراتها!
- ۴) نحن نغرس أشجاراً لكي يأكل من ثمارها الآخرون!

www.my-dars.ir

عین الصحیح عن المفردات: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) نعلم أن للبطِّ غُدَّةً طبيعيَّةً بالقرب من ذنبيها. (جمع) ← غُدَّة، ذنوب
- ۲) عندما نَمشي على الرمال الحارَّة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال
- ۳) اشتدَّت الرِّيحُ و حدثت أعاصيرُ في تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار
- ۴) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم و هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

## درس ۶

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»: تجرئ ۱۴۰۰

- ۱) همانا الله چیزی را که در دل قوم وجود دارد دگرگون نمی کند مگر وقتی که درون خویش را دگرگون کنند!
- ۲) قطعاً الله در آنچه در اقوام وجود دارد تغییر ایجاد نمی کند مگر زمانی که آنچه در دلهاشان هست تغییر کند!
- ۳) همانا خداوند آنچه را در قومی هست تغییر نمی دهد تا اینکه آنچه را در دلهای خود دارند تغییر دهند!
- ۴) قطعاً خداوند چیزی را که در دل اقوام هست دگرگون نمی سازد مگر اینکه ابتدا دلهای خود را دگرگون نمایند!

﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾: زبان ۱۴۰۰

۱) و آیا ندانسته اند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد می گستراند!

۲) و آیا نمیدانند که الله روزیها را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد!

۳) آیا و ندانسته اند که الله روزیهای خود را برای کسی می گستراند که بخواهد!

۴) آیا و نمی دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می گستراند!

«لَنْفَكَّرَ عَنِ الْعَالَمِ وَمَا فِيهِ حَتَّى نَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مَا خُلِقَ بَاطِلًا، وَإِنْ لَمْ نُدْرِكْ كُلَّ دَلِيلِ الْخَلْقَةِ!»: زبان ۱۴۰۰

- ۱) می بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!
- ۲) ما درباره این عالم و آنچه در آن است خواهیم اندیشید زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!
- ۳) باید درباره جهان و آنچه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگر چه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- ۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آنچه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتیکه هیچیک از دلایل خلقت را نیافتیم!

«لَيْسَ هُنَاكَ عَظْمٌ فِي اللِّسَانِ وَلَكِنَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتِطَاعَةً، فَلْتَأْرَاقِبْ كَلَامَنَا!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می تواند دلها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!

۲) در زبان استخوانی نیست، اما بخوبی توانائی شکستن قلبها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!

۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانائی دارد قلب های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!

۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعا می تواند قلبها را بشکند، پس باید بخوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَالتَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»: ریاضی ۹۹

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز شود، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می دهد!
- ۲) هرکسی که می خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!
- ۳) آنکه پیروزشدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی اش را سعی کردن و مشاور دانايش را تجربه قرار می دهد!
- ۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

«يُحَدَّرُ مَنْ يَزُوعُ الْعَدَاوَةَ مِنْ أَنَّهُ لَنْ يَحْصِدَ إِلَّا الْخَسَارَةَ، فَلْيَنْتَبِه!»: انسانی خارج ۹۹

۱) به کسی که دشمنی می‌کارد هشدار داده می‌شود به اینکه او فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید آگاه باشد!

۲) به کسی که دشمنی را می‌کارد هشدار می‌دهیم به اینکه فقط خسارت درو خواهد کرد، پس باید او را آگاه کرد!

۳) به آنکه دشمنی را بکارد بیم داده می‌شود که درو نخواهد کرد جز زیان را، پس باید او را آگاه کرد!

۴) آنکه دشمنی بکارد بیمناک می‌شود که درو نمی‌کند مگر زیان را، پس باید متنبه باشد!

«إنها كانت من أشهر مستشرفي القرن العاشر الهجري، و كانت تقدر أن تلقى محاضراتها العلمية بأكثر من خمس لغات عالمية!»: خارج ۹۸

- ۱) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!
- ۲) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!
- ۳) وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانیهای علمی کند!
- ۴) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانیهای علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

عین الصحیح: انسانی خارج ۹۹

- ۱) ( فَلْنَعْتَمِدْ عَلَى الْعَقْلَاءِ حَتَّى نَنْتَفِعَ بِعِلْمِهِمْ: ما باید فقط بر عاقلان اعتماد کنیم تا از علم آنان سود برده باشیم!
- ۲) ( لِي زَمِيلٌ مُشْتَقٌ كَثِيرًا لَزِيَارَةِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ: دوست من سخت مشتاق زیارت حرمین شریفین می‌باشد!
- ۳) ( مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ ابْتَعَدَ عَنِ الْخَطَا: کسی که قبل از اینکه سخن بگوید، فکر کرده باشد از خطا دور شده است!
- ۴) ( عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ لَا يَحْمَلَا أَوْلَادَهُمَا مَا لَيْسَ لَهُمَا طَاقَةٌ بِهِ: والدین باید بر فرزندان نشان چیزی را که طاقتش را ندارند تحمیل نکنند!

عین الصحیح: ریاضی ۹۸

- ۱) ( إِمَّا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، هُوَ اللَّهُ: کسی که نزاده و زاده نشده، فقط الله است!
- ۲) ( جَاءَتِ الْأُمُّ بِالْحَبُوبِ الْفَرَاخِهَا الصَّغِيرَةِ: مادر با دانه‌ها نزد جوجه‌های کوچک آمد!
- ۳) ( يُنْفِقُونَ مِنْ أَحْسَنِ مَا يُحِبُّونَ أَكْثَرَ مِنْ قَبْلِ: با کمال میل از نیکوترین چیزی که دوست می‌دارند، انفاق می‌کنند!
- ۴) ( عِنْدَ مَا يَلْقَى الْخَطِيبَ مُحَاضِرَةً يُنصِتُ الْحَضَارُ لَهُ: وقتی سخنران سخنرانی می‌کرد حاضران با سکوت به او گوش می‌کردند!

عین الخطأ: هنر ۱۴۰۰

- ۱) ( كَبُرَ الْوَلَدُ إِلَى حَدِّ يَأْكُلُ طَعَامَهُ بَدُونَ مَسَاعِدَةِ أَحَدٍ: کودک به اندازه ای بزرگ شد که بدون کمک کسی غذایش را می‌خورد!
- ۲) ( لِنُعَوِّذَ لِسَانَنَا بِالْكَلامِ الْلَيِّنِ لِنَكْسِبَ مَوَدَّةَ النَّاسِ: زبانهان باید به کلام نرم عادت کند، تا دوستی مردم را به دست آوریم!
- ۳) ( أَلْهَمَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا تَأْخُذُ وَ مَا تُعْطِي: پروردگارا، ستایش مخصوص تو است بر آنچه می‌گیری و آنچه میدهی!
- ۴) ( هُنَاكَ نَوْعٌ مِنَ الدَّلَافِينِ يَبْقَى فِي الْمَاءِ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً مُتَوَاصِلَةً: نوعی از دلفینها وجود دارد که سی دقیقه متوالی در آب باقی می‌ماند!

عین الخطأ: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) ( لِنَجْتَنِبَ أَيَّ إِسَاءَةٍ، وَ هَذَا رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ: ما باید از هر بدی دوری کنیم، و این پیام اسلام است!
- ۲) ( تَعَالَى لِنُؤَكِّدَ عَلَى الْحَرِيَّةِ وَ عَلَى التَّعَايُشِ مَعًا: بیا تا بر آزادی و بر همزیستی با یکدیگر تأکید کنیم!
- ۳) ( كَلْنَا بِمَا لَدِينَا فَرِحُونَ، فَلِهَذَا لَأَنْفَكِرَ بِالتَّغْيِيرِ: ما به آنچه هستیم خوشحالیم، لذا هرگز به تغییر فکر نمی‌کنیم!
- ۴) ( نَحْنُ خُمْسُ سَاكِنِي الْعَالَمِ، نَعِيشُ فَوْقَ هَذِهِ الْأَرْضِ: ما یک پنجم ساکنان جهان هستیم که روی این زمین زندگی می‌کنیم!

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند». عین الصحیح: زبان ۱۴۰۰

- ۱) ( تَحَدَّثْتُ مَعَ زَمَلَائِي حَتَّى يَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُهُمُ النِّجَاحُ فِي الْبَرَامِجِ!
- ۲) ( حَدَّثْتُ أَصْدِقَائِي لِيَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْهَمُ التَّقَدُّمَ فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۳) ( تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ!
- ۴) ( كَلَّمْتُ زَمَلَائِي أَنْ يَفْهَمُوا كَيْفَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا فِي الْبَرَامِجِ!

عین ما لیس فیہ من المتضاد: انسانی ۹۸

- ۱) من یبدأ بضرب و شتم الآخرین فهو الأظلم!
- ۲) ( إنَّ الأحقَّ إنَّ أراد أن ینفع أحداً فهو یضره!
- ۳) ( الكذاب یبعد علینا القریب و یقرّب علینا البعید!
- ۴) ( الألف من الأصدقاء قلیل و الواحد من الأعداء کثیر!

عین ما فیہ لام الأمر: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) عند مشاهدة آثار قدرة الله لیخضع القلب!
- ۲) ساعد أصدقاءك لیخرجوا من مشاكلهم بسهولة!
- ۳) يجب علی الإنسان کثیر من المحاولات لیصلح نفسه!
- ۴) ذهب صديقي إلى متجر آخر لیشتري سروالاً أرخص!

عین ما فیہ الام الأمر: زبان ۱۴۰۰

- ۱) أنار الله قلبنا بالعلوم النافعة لنذكره!
- ۲) تُطلق سمكة السهم قطرات الماء لتسقط الحشرة!
- ۳) جلسنا أمام التلفاز لنشاهد فلماً رائعاً!
- ۴) ( إنَّ فراخ « برناكل » لتسقط و إلا لاتتعلم الطیران!

عین معنی حرف اللام یختلف عن الباقي فی فعل «لننتبه»: اختصاصی ۱۴۰۰

- ۱) ( إن نقصد أن نسبح فی الماء فلننتبه إلى عمقه!
- ۲) ( تكلم أبي معنا لننتبه إلى الخطات التي أمامنا!
- ۳) ( لننتبه حتى نشاهد جمال الطبيعة فی كل شيء!
- ۴) ( إن الامتحانات قریبة فلننتبه إلى فرصنا القلیلة!

عین « اللام » یختلف ( فی المعنی): اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) ( إن نطلب أن نتعلم العلم فلنجالس المتفهمین!
- ۲) ( نحتاج إلى التراب و السماد لینمو الورد!
- ۳) ( لیشجع المتفرجون اللاعبین فی المسابقات!
- ۴) ( إن المؤمنین لیطعموا المساکین ممّا یکلون!

عین ما لیس فیہ المعادل للمضارع الاتزامی الفارسی: هنر ۹۹

- ۱) ( یحذر الشرطي المسافرین ألا یقتربوا من الأماكن الخطرة!
- ۲) ( یا أصدقاء؛ يجب أن تكونوا من المتوكّلین حتى لا تیاسوا!
- ۳) ( یا أيها الأطفال؛ لا تقربوا من هذه الحفرة لأنها خطيرة!
- ۴) ( یجتمع التلاميذ مع معلمهم یومیاً لیتعلموا العلم!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

عین ما فيه طلب للقيام بالعمل: تجرّبی ۹۸

- (۱) لیذهبوا إلى المدرسة!
- (۲) قاموا لیذهبوا إلى المدرسة!
- (۳) لهم إما الذهاب إلى المدرسة و إما البقاء فيها!
- (۴) هم اجتمعوا للذهاب إلى المدرسة قبل فوات الفرصة!

عین ما فيه النهي عن القيام بالعمل: خارج ۹۸

- (۱) لا نجاح و لا فوز لمن یریدهما بلا جهد و عمل!
- (۲) لا حيلة لنا إلا التمسك بالعمل و الالتزام بالجهود!
- (۳) لا تبغون بأقوالكم أما لكم، فإنّ الهمة دواؤكم!
- (۴) لا تغتروا بكم لديكم، فرمّا يزول في لحظة!

عین الخطأ في صيغة المضارع: خارج ۹۸

- (۱) رأيتُ زملائي ما يوسينَ فقلت لهم لا تيأسونَ من رحمة الله!
- (۲) تكلمتُ مع أصدقائي ليعلموا كيف يمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم!
- (۳) إنهم خرجوا من دارهم ليذهبوا إلى المدرسة و أنتم لم تخرجوا حتى الآن!
- (۴) أنهنّ خرج من دارهنّ كي يذهبن إلى المدرسة و أنتم لم تخرجن حتى الآن!

عین ما ليس فيه التأكيد على وقوع الفعل: اختصاصی خارج ۹۸

- (۱) لا تحزنون لما فات منكم!
- (۲) لا تجلسن كثيراً فالرياضة مفيدة لك!
- (۳) لقد قرأنا ما هو مفيد لنا الحياة!
- (۴) ليسمعوا كلامي حتى لا يقعوا في الهلاكه!

«من ..... في الحياة، ف ..... على الله!». عین الخطأ للفراغين: هنر ۹۸

- (۱) أرادت أن تفوز/ لتتوكل
- (۲) يحب أن ينجح/ ليتوكل
- (۳) تحب أن تنجح/ عليها أن تتوكل
- (۴) أراد أن يفوز/ عليه أن يتوكل

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

## درس ۷

﴿و اذکروا نعمة الله علیکم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم﴾: هنر ۱۴۰۰

- ۱) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید سپس قلبهایتان را انس و الفت داد.
- ۲) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید پس بین دلهایتان انس و الفت قرار داد.
- ۳) نعمت الله را به یاد آورید آنگاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلبهایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.
- ۴) نعمت الله را بر خویشتن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دلهایتان را به یکدیگر نزدیک کرد.

« من ملأ حیاته بعمل الخیر، کان یعلم أنها أقصر من أن یضیعها بعمل الشر!»: هنر ۱۴۰۰

- ۱) هر آن کس بداند که زندگی کوتاهتر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می کند!
- ۲) هرکس زندگیش با عمل خوب پر شده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر است از اینکه با عمل بد هدر رود!
- ۳) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می دانسته که زندگی کوتاهتر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!
- ۴) آن کسی که زندگیش را پر از عمل خوب کرده باشد، دانسته که زندگی کوتاهتر است از آنکه بتواند با عمل بد نابود شود!

«المفردات بین لغات العام لم تتبادل فی سنة واحدة، بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات کثیرة، و بهذا أصبحت اللغات غنیة»: کلمات در بین

زبانهای دنیا ..... هنر ۱۴۰۰

- ۱) در یک سال رد و بدل نشد بلکه این تبادل در طول سالهای زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبانها غنی شدند!
- ۲) سالی یکبار تبادل نمی شدند بلکه این تبادل طی سالهای زیادی اتفاق می افتاد، و زبانها اینگونه توانمند می شدند!
- ۳) یکبار در سال تغییر نمی کردند بلکه این تغییر در مدت سالهای بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبانها بی نیاز می شدند!
- ۴) در یک سال رد و بدل نشده اند، بلکه رخداد تبادل در اثناء سالهای زیادی بوده و به این صورت زبانها سرشار از توانایی شدند!

«إن ذهبنا من نفس الطریق الذی کنا نذهب منه من قبل، وصلنا إلى ذلك المكان الذی کنا نصل إلیه دائماً!»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) اگر از راهی برویم که همیشه می رفتیم، به آن مکانی می رسیم که قبلاً رسیده ایم!
- ۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می رسیدیم رسیده ایم!
- ۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می رسیدیم، می رسیم!
- ۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می رفتیم، به همان مکانی می رسیم که همیشه می رسیدیم!

«قدّم لی صدیقی هدیة فی الحکمة و الموعظة کانت قیمة، و أرشدتني إلى سبیل الخیر!»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) هدیه ای را که دوستم از حکمت و موعظه ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می نماید!
- ۲) دوستم به من حکمت و موعظه ای هدیه داد که ارزشمند است، و مرا به خوبترین راه هدایت می کند!
- ۳) هدیه ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود، و مرا به سمت بهترین راهها هدایت کرد!
- ۴) دوستم هدیه ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا بسوی راه خیر هدایت نمود!



«إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخِرِينَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا وَاثِقِينَ بَأَنْفُسِهِمْ!»: تجرّبی ۱۴۰۰

- (۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می توانی دیگران را به اینکه از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!
- (۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می توانی دیگران را تشویق کنی به اینکه به خود اعتماد داشته باشند!
- (۳) زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این که به خود با اعتماد باشند، ترغیب می کنی!
- (۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می کنی که به نفسهای خودشان اطمینان داشته باشند!

«صديقك هو الشخص الذي يعرف نِعَمَاتِ قلبك و يستطيع أن يُغَيِّبها لك إن كنتَ نَسِيتَ كلماتها!»: زبان ۱۴۰۰

- (۱) دوستت همان کس است که آوازه های قلب تو را می دانست و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می خواند!
- (۲) دوستت کسی است که نغمه های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!
- (۳) دوست تو است آن کسی که آوازه های قلبت را می شناسد و می تواند آن را بخاطر تو بخواند آنگاه که کلماتت را و فراموش کرده ای!
- (۴) دوست تو همان کسی است که نغمه های قلب تو را می شناسد و می تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

» كثير من اختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم يستفد من جانبها النافع!»: انسانی خارج ۱۴۰۰

- (۱) بسیاری از اختراعات انسان در زمینه آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه مفید آن استفاده نمی کند!
- (۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان بکار نرفته است، زیرا او از جنبه سودمند آن بهره نمی برد!
- (۳) بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه آبادانی و ساخت نیست، زیرا او از قسمت مفید آنها استفاده نکرده است!
- (۴) تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره آبادانی و ساختمان نمی باشد، بخاطر اینکه از بخش مفید آن بهره برداری نشده است!

«عامل الناس مثلما تحب أن يعاملوك، و لا تكن ذا وجهين!»: زبان ۹۹

- (۱) با مردم آنطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند، و دورو مباش!
- (۲) طوری با مردمان معامله های که دوست داری با تو دادوستد شود، پس دوچهره نباش!
- (۳) با مردم همانطور معامله کنی که دوست داشته ای با شما عمل کنند، پس از دورویان نباشید!
- (۴) به گونه ای با مردم رفتار کنی که دوست می داری با شما رفتار شود، و دارای دو چهره نباشید!

بَعْضُ اِخْتِرَاعَاتِ الْإِنْسَانِ لَيْسَتْ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُدْرِكَ مَاذَا يَنْفَعُهُ وَ مَاذَا يَضُرُّهُ!»: بعضی از اختراعات انسان .. انسانی ۹۹

- (۱) در جهت آبادکردن و ساختن نمی باشد، زیرا او قادر نیست آنچه را سود می رساند و آنچه را زیان می بخشد بشناسد!
- (۲) در زمینه آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می رساند و چه چیزی ضرر می رساند!
- (۳) در عرصه آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آنجا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آنچه زیان بخش است نمی باشد!
- (۴) در مسیر آبادشدن و سازنده بودن نمی باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می رساند یا زیان می زند را بفهمد!

«هناك مفرداتٌ في كلّ لغةٍ قد دخلت فيها من اللغات الأخرى و قد أصبحت كلمات لها معانٍ جديدة!»: هنر ۹۹

- (۱) در هر زبان لغت هایی است که از دیگر زبان ها در آن وارد شده، و معانی جدیدی برای آن ایجاد کرده است!
- (۲) واژه هایی در هر زبان موجود است که از دیگر زبان ها داخل آن شده و معانی جدیدی بر آن افزوده است!
- (۳) در هر زبانی کلماتی وجود دارد که از زبان های دیگر وارد آن شده و واژگانی با معانی جدید شده اند!
- (۴) کلماتی در هر زبانی وجود دارد که از زبان های دیگر داخل آن شده، و معانی دیگری یافته است!



«المفردات التي تدخل اللغة العربية من لغات أخرى و تتغير حروفها و أوزانها وفق اللغة العربية، تسمى الكلمات المعربة!»: هنر ۹۸

- ۱) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبان‌ها داخل شده و حروف و وزن آن‌ها طبق زبان عربی درآمده است، کلمات عربی شده نامیده‌اند!
- ۲) کلماتی که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آن‌ها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرب نامیده می‌شوند!
- ۳) مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آنها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرب نامیده‌اند!
- ۴) واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

«يكون للكتاب و قراءة الكُتب دور مهم في ازدياد المعرفة و قوة الفهم، و ربما يُغيّر أسلوب الحياة!»: هنر ۹۸

- ۱) کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدياد شناخت و قوه درک دارد و باعث تغییرات در روش زندگی می‌شود!
- ۲) برای کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی است در زیادی معرفت و نیروی فهم و بسا که با آن روش زندگی تغییر کند!
- ۳) برای کتاب و کتاب خواندن نقشی مهم در ازدياد معرفت و قوه درک است و چه بسا روش‌های زندگی را تغییر دهد!
- ۴) کتاب و کتاب خوانی نقش مهمی در زیاد شدن شناخت و نیروی فهم دارد، و چه بسا روش زندگی را تغییر دهد!

«طلبت أمنا من المنظفين أن ينظفوا هذه الغرف جيداً، فنظفوها و صارت الغرف نظيفة!»: زبان ۹۸

- ۱) مادرمان از نظافت‌کنندگان خواست که آن اتاق را خوب تمیز کنند، وقتی آن را نظافت کردند، تمیز شد!
- ۲) مادر ما از نظافتچی‌ها درخواست کرد که این اتاق‌ها را برای اینکه تمیز شود، نظافت کنند، و اتاق‌ها نظیف شد!
- ۳) مادرمان، از نظافتچی‌ها خواست که این اتاقها را خوب نظافت کنند، پس آنها را نظافت کردند، و اتاقها تمیز شد!
- ۴) مادر ما از کسانی که نظافت می‌کنند درخواست کرد که این اتاق را نظافت کنند، آنها هم پس از این که آن را تمیز کردند، اتاق نظیف شد!

«لما نقلت لصديقي الخبر الذي كنت أسمع دائماً، قال لي: إنني كنت قد سمعت هذا الخبر مراراً قبل هذا!»: زبان ۹۸

- ۱) آنگاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

«المفردات التي دخلت العربية من لغات أخرى، تسمى في اللغتين الفارسية و العربية، الكلمات الدخيلة!»: خارج ۹۸

- ۱) واژگانی را که از دو زبان فارسی و عربی داخل یکدیگر می‌شوند، در هر زبان واژگان دخیل می‌نامند!
- ۲) مفرداتی که از زبان‌های دیگر در زبان عربی وارد شده، در دو زبان فارسی و عربی، کلمات دخیل نامیده می‌شوند!
- ۳) واژگانی را که در زبان عربی از زبان دیگری داخل می‌شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات داخل شده می‌نامند!
- ۴) مفرداتی که از زبان عربی به زبانهای دیگر وارد می‌شود، در زبانهای فارسی و عربی مفردات وارد شده نامیده می‌شود!

«لي الآن مكتبة كبيرة، و ما كان لي قبل هذا أكثر من مائة كتاب!»: انسانی ۹۸

- ۱) فعلاً کتابخانه‌ای بزرگ دارم، ولی پیش از این فقط یکصد کتاب داشتم!
- ۲) کتابخانه من در حال حاضر بزرگ است، ولی قبلاً بیش از صد کتاب نداشتم!
- ۳) اکنون کتابخانه بزرگی دارم، و حال اینکه قبل از این بیش از یکصد کتاب نداشتم!
- ۴) کتابخانه‌ای در حال حاضر دارم که بزرگ است، اما پیش از این بیشتر از صد کتاب نداشتم!

«إنَّ الإنسانَ الَّذي يجد طعاماً مناسباً لفكره ستُصبح قدرته للفهم و العمل أكثر!»: انسانی ۹۸

- (۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- (۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

«الاستفادة من الجوال ليست مسموحة في حصة الامتحان!»: تجربی ۹۸

- (۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!
- (۲) به کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!
- (۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!
- (۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

«لما رأى الطبيب إني مصاب بالزكام الشديد و أيضاً عندي حمى شديدة، كتب لي وصفة تحتوي على مقدار من الشراب و حبوب مسكنة!»: تجربی ۹۸

- (۱) وقتی پزشک مرا دید که به زکام و تب شدید گرفتار شده‌ام، نسخه‌ای را که برایم نوشت محتوی مقداری شربت و قرص‌های مسکن بود!
- (۲) پزشک وقتی دید من دچار زکام شدید هستم و نیز تب شدیدی دارم، نسخه‌ای برایم نوشت که محتوی مقداری شربت و قرص‌هایی مسکن بود!
- (۳) طبیب چون دید مبتلا به سرماخوردگی سخت و تب شدید هستم، برایم نسخه‌ای نوشت که در آن شربتی بود و تعدادی قرص مسکن!
- (۴) چون طبیب دچار شدن مرا به سرماخوردگی شدید و نیز تب بالا دید، نسخه را برایم نوشت که آن شامل مقداری از شربت بود و قرص‌هایی مسکن!

«هناك كلمات تجرّي على أقلام بعض الشعراء لأول مرة تدلّ على مفاهيم جديدة لم يكن يعرفها الآخرون!»: ریاضی ۹۸

- (۱) کلماتی وجود دارند که برای بار اول بر قلم‌های بعضی از شاعران جاری می‌شوند در حالی که بر مفهوم جدیدی که دیگران آنها را نمی‌شناسند، دلالت دارد!
- (۲) وجود دارد کلماتی که بعضی از شعرا برای اولین مرتبه بر قلم‌های خود جاری می‌کنند که بر مفاهیمی جدید دلالت می‌کند که آن را دیگران نمی‌شناختند!

- (۳) آنجا، کلماتی است که بعضی شاعران اولین مرتبه، بر قلم‌هایشان جاری می‌کنند و بر مفهوم جدید که دیگران آنها را نمی‌شناخته‌اند دلالت دارد!
- (۴) کلماتی هستند که بر قلم‌های بعضی شعرا برای اولین بار جاری می‌شوند که بر مفاهیمی جدیدی دلالت می‌کنند که دیگران، آنها را نمی‌شناختند!

«قرأت كتاباً مؤلّفه لم يكن قادراً على تحريك يده ولكنه يرسم و يَنشد و يؤلّف!»: کتابی خواندم که ..... اختصاصی ۹۸

- (۱) مؤلفش قادر نبود دستش را حرکت دهد ولی نقاشی هم می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- (۲) نویسنده آن قادر به حرکت دادن دستش نبود ولیکن نقاشی می‌کرد و شعر می‌سرود و تألیف می‌کرد!
- (۳) نویسنده اش توان حرکت دادن دست خود را ندارد ولی نقاشی می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!
- (۴) مؤلف آن نمی‌توانست دست خویش را حرکت دهد ولیکن نقاشی هم می‌کند و شعر می‌سراید و تألیف می‌کند!

عین الصحیح: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) حاولت زميلتي أن تُغلق باب حافلة المدرسة: همشاگردیم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد،
- ۲) ولكن الباب لم يغلق وأخذت الحافلة تَسير بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می خواست بسرعت حرکت کند،
- ۳) تغلب الخوف على الألي مَمَّن قد جلسنَ على الكراسي الأمامية: کسانی را که در جلو صندلیها نشسته بودند ترس فرا گرفت،
- ۴) لأن السائق لم يكن جالساً على كرسیه الخاص في السيارة! زیرا راننده اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود!

عین الصحیح: هنر ۹۸

- ۱) من هو صادق في كلامه فإنه يُعدُّ من المُحسنين: هر کس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران به شمار خواهد آورد!
- ۲) ليس المظلومون متحدين في العالم فهذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!
- ۳) إن هولاء ناجون في حياتهم لأنهم لا يُضیعون أوقاتهم: این‌ها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه نمی‌کنند!
- ۴) إذا توفعت النجاة فلا تياس من الحصول عليه: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

عین الخطأ: زبان ۱۴۰۰

- ۱) أمطر الله مطراً في بلدنا أمس: دیروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
- ۲) ما كان المطر كثيراً ليصير سيلاً: باران زیادی نبود که سیل بشود،
- ۳) و لا قليلاً حتى لا يئبت ما قد فات: و نه کم که آنچه از دست رفته بود نروید،
- ۴) و بكثرته ازدادت النعم علينا! و با فراوانیش نعمتها بر ما فزونی یافت!

عین الخطأ: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) إذا أردنا أن لا نتعب من المصائب: هرگاه بخواهیم که از مصیبتها خسته نشویم،
- ۲) فلنقبل أن لا نحزن أنفسنا بالمشاكل الجزئية: باید بپذیریم که دروهمان با مشکلات جزئی ناراحت نشود،
- ۳) و كل مشاكل الدنيا للإنسان الذي جزئياً حقاً: و همه مشکلات دنیا برای انسان باهوش واقعا جزئی است،
- ۴) إن كنا من العقلاء لا نصبح منزعجين أبداً! اگر از عاقلان باشیم هرگز آزاده نمی شویم!

عین الخطأ: انسانی ۹۸

- ۱) كنت فرحت من أن الحسنات تُذهبن السيئات: از این‌که خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد، شاد شده بودم!
- ۲) كادت بنتي تجهر بغضبها عند الضيوف لما نصحتها: وقتی دخترم را نزد مهمانان نصیحت کردم نزدیک بود خشمش را آشکار کند!
- ۳) كُن ساكناً و راقب أن لا يجري على لسانك ما ليس لك به علم: ساکت باش و مراقب باش که بر زبانت چیزی که بدان علم نداری، جاری نشود!
- ۴) لما بدأت بأن تعيب الآخرين علم أن ذلك نفسه من أكبر العيوب: وقتی شروع به عیب‌گیری از دیگران کردی، بدان که آن خودش از بزرگترین عیب‌هاست!

«برماست که بدانیم تبادل کلمات بین زبان‌ها در جهان امری طبیعی است!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) يجب أن نعلم أن مبادلة الكلمات أمر طبيعي بين لغات العالم!
- ۲) علينا أن نفهم أن مبادلة الكلمات في لغات العالم أمر طبيعي!
- ۳) علينا أن نفهم أن تبادل المفردات بين اللغات أمر عادي في العالم!
- ۴) علينا أن نعلم أن تبادل المفردات بين اللغات في العالم أمر طبيعي!

عین الخطأ عن «اللوحه»: انسانی ۹۹

(۱) مُمارس الدروس عليها!

(۲) نکتب عليها أخباراً عامّة

(۳) لا نجدها إلاّ كبيرةً و بألوان مختلفة!

(۴) نرسم عليها إشارات المرور و الصّور الجميلة!

عین ما لیس معادل للماضی الاستمراری فی الفارسیّة: تجری ۱۴۰۰

(۱) كان التلاميذ يقذفون الكرة حتى تدخل المرمرى!

(۲) كان ذلك الكتاب يضمّ الكلمات الفارسیّة و العربیّة!

(۳) كان أبي يأمرني بمداراة الناس كما يأمرني بأداء الفرائض!

(۴) كان طعم البرتقال الذي ينبت في شمال إيران لذيذاً!

عین خبر «كان» مختلفاً: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

(۱) كان الطالب يتكلّم مع أصدقائه حول برنامج سفرتهم العلمیّة!

(۲) كان الإنسان يستفيد من الدينامیت لتسهيل أعماله الصّعبة!

(۳) كان التلاميذ يقذفون الكرة حتى تدخل المرمرى!

(۴) كان الفستق الذي ينتج في كرمان لذيذاً!

عین الفعل الناقص لا يدلّ على الزمن الماضي: انسانی ۹۸

(۱) كانت لها ثقافة طيبة!

(۲) كان الدرس مليئاً بالسؤال!

(۳) كانت الأرض في الربيع مخضرة!

(۴) كان لهم خلق طيب في الحياة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## درس ۱

«بدأ إخواني المزارعون يحصدون الزرع بآلة ذات يد من الخشب و سنّ عريضة من الحديد!»: تجرّبی ۱۴۰۰

- ۱) برادران کشاورزم با وسیله ای که دارای دسته ای چوبی و دندانه‌های پهن از آهن است، شروع کردند کشت را درو کنند!
  - ۲) برادرانم که کشاورز هستند زراعت را با وسیله ای که دسته اش چوبی و دندانه های پهنش آهنی است درو می کنند!
  - ۳) برادرانم که کشاورزند درو کردن زراعت را با وسیله ای که دسته ای چوبی داشت و دندانه های پهنش از آهن بود شروع نمودند!
  - ۴) برادران کشاورزم با وسیله ای که دارای دسته ای چوبی و دندانه هائی پهن از جنس آهن بود، شروع به درو کردن کشت نمودند!
- «هناك لا إنسان بدون خطأ، ولكنّه يفشل عندما يعد نفسه عالماً يعرف كل شيء!»: زبان ۹۹

- ۱) هیچ انسانی نیست که خطا نکند، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز به شمار آورد، شکست خواهد خورد!
- ۲) انسان بدون اشتباه، هیچگاه وجود ندارد، اما او می‌بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هرچیزی را می‌دانسته است!
- ۳) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد، ولی زمانی که خودش را عالمی به‌شمار آورد که همه چیز را می‌داند، شکست می‌خورد!
- ۴) انسان هیچگاه بدون اشتباه نیست، اما زمانی می‌بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هرچیزی آگاه است!

﴿ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾: انسانی خارج ۹۹

- ۱) کافر می‌گوید کاش از خاک بودم!
- ۲) کافری گفت: کاش خاک بودی!
- ۳) کافر گوید: ای آرزوی من کاش تو از خاک بودی!
- ۴) کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم!

» من ابتعد عن الأميال النفسانية شاباً وأقبل على العلوم النافعة، فلعلّ قلبه يملأ إيماناً!»: هنر ۹۸

- ۱) هر کس از تمایلات نفسانی جوانی دور شود و به علوم سودمند روی کند، شاید قلبش از ایمان پر بشود!
- ۲) اگر کسی در جوانی، از خواهش‌های نفسانی دوری کند و به علوم سودمندی روی بیاورد، شاید قلب خود را از ایمان پر بکند!
- ۳) کسی که در جوانی، از خواهش های نفسانی دور شده به علوم سودمند روی بیاورد، امید آن است که قلب او از ایمان پر شود!
- ۴) هر کسی که از امیال نفسانی جوانی دوری کرده به علوم سودمند روی کند، امید است که قلب خویش را از ایمان پر کند!

«ما يزيد صبرنا في أمور لا طاقة لنا بها، هو الإيمان بالله!»: انسانی ۹۸

۱) آنچه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آنها نداریم، می‌افزاید، همان ایمان به الله است!

۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی‌شود، بلکه آن در ایمان به الله است!

۳) صبر در کارهایی که توان آنها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی‌کند، بلکه آن ایمان به خداست!

۴) چیزی که صبر ما را می‌افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

«لا شيء أحسن من النقوش و الرسوم و التماثيل ليُشجّعنا إلى كشف الحضارات القديمة!»: هنر ۹۸

- ۱) هیچ چیزی بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه ها نیست برای اینکه ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!
- ۲) چیزی بهتر از نقوش و رسم‌ها و تمثال‌ها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدن‌های قدیم ترغیب کرده باشد!
- ۳) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!

۴ ( چیزی نیست که ما را به کشف تمدن‌های قدیم بهتر از نقوش و نقاشی‌ها و تمثال‌ها ترغیب کرده باشد!

- «أصببت الشعوب المختلفة في دينهم بالخرافات على مر العصور، ولكن الأنبياء بينوا لهم الدين الحق!»: انسانی خارج ۹۸
- ۱) در گذر زمان دین ملت‌های مختلف به خرافه‌هایی آمیخته شد، اما پیامبران آنها دین حق را برایشان بیان کردند!
- ۲) ملل مختلفی دینهایشان به خرافه‌هایی در طول زمانها آمیخته گردید، ولیکن بیان دین حق، توسط پیامبران بود!
- ۳) با گذشت عصرها، ملت‌های مختلف در دین خود دچار خرافات شدند، اما پیامبران دین حق را برای آنها روشن کردند!
- ۴) ملت‌های مختلفی در دین خود، با گذر زمان دچار خرافه گردیدند، ولی پیامبران دین حق را برایشان آشکار می‌کردند!

«ليت الطالب يعرفون أن الطالب المجتهد يقدر أن يعوض قلته استعدادة بالاجتهاد!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می‌تواند کم بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!
- ۲) ای کاش دانش‌آموزان بدانند که دانش‌آموز کوشا می‌تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!
- ۳) شاید دانش‌آموزان بفهمند که دانش‌آموز تلاشگر توانایی دارد که کم بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!
- ۴) ای کاش دانشجویان می‌فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

عین الصحیح: هنر ۱۴۰۰

- ۱) لا مجتمع يتقدم أكثر من تقدم المعلمين فيه: جامعه بیشتر از پیشرفت معلمان پیش می‌رود!
- ۲) كان الأستاذ ألقى محاضرةً و الطلاب استمعوا إليه: استاد سخنرانی می‌کرد در حالی که دانشجویان به او گوش می‌دادند!
- ۳) ليس صحيحاً أن أحداً يظن أنها التعب في هذه الدنيا له: درست نیست کسی گمان کند که سختی در این دنیا فقط برای اوست!
- ۴) يذهب المتفرجون إلى الملعب و يجلسون على الكراسي كلها: تماشاچیان همگی به ورزشگاه می‌روند و بر صندلیها می‌نشینند!

عین الصحیح: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) كان صديقي ألف كتاباً توجد فيه قصص مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستانهای مفیدی می‌یابی!
- ۲) للاعبين المباراة وقت محدد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!
- ۳) اللهم اجعلنا ممن يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آنها را می‌پذیری!
- ۴) إن لم يتعاش الناس بعضهم بعضاً فلا سبيل لتقدم بلدهم: مردم باید با یکدیگر همزیستی مسامحت آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

www.my-dars.ir

عین الصحیح: زبان ۹۹

- ۱) إننا محتاجون إلى تجارب المتقاعدين لتقدمنا: ما به تجربه‌ی بازنشستگان نیازمندیم تا پیشرفت کنیم!
- ۲) إن كان المتفرجون في الملعب، يشجع اللاعبون: اگر تماشاچیان در ورزشگاه باشند بازیکنان را تشویق می‌کنند!
- ۳) قد تبدأ آلاف الصعوبات بعد لحظة إهمال: گاهی بعد از یک لحظه سهل‌انگاری هزاران مشکل شروع می‌شود!
- ۴) من يتجسس في أعمال الآخرين فلا أمن و لا راحة له: کسی که در مورد دیگران جاسوسی کند امنیت و راحتی ندارد!

عین الصحیح (بالنظر إلى تأكيد الجملة): خارج ۹۸

- ۱) إن الفخر للإنسان الذي له عقل ثابت: فخر برای انسانی است که بی‌گمان دارای عقلی ثابت است!
- ۲) إن وعاء العلم لا يضيئ بکل ما جعل فيه: بطور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی‌شود!

۳ ( إن النَّاسَ يَمْرُونَ بِجِوَارِ الْأَشْجَارِ الَّتِي يَنْتَفِعُونَ بِهَا: مردم از کنار درختانی که از آنها سود می‌برند، قطعاً عبور می‌کنند!

۴ ( إن غصون بعض الأشجار تنكسر من ثقل وزن ثمارها: شاخه‌های برخی درختان از سنگینی وزن میوه‌هایش بدون شک شکسته می‌شود!

عین الصحیح: ریاضی ۹۸

۱) لیتنی رأیت جمیع الکتب: کاش همه کتاب‌ها را ببینم!

۲) لعل الخیر قد نزل علینا: شاید خیر بر ما نازل شود!

۳) لیت الامتحان قد انتهى: کاش امتحان تمام شود!

۴) لعل الصبر ینقذنا: شاید پایداری نجاتمان دهد!

عین الخطأ: اختصاصی ۹۹

۱) اکره الجرم و لا تکره المجرم: جرم را زشت بدار و مجرم را ناپسند مشمار،

۲) لا بأس فی أن تدرس القول ولكن احترم القائل: هیچ اشکالی نیست در اینکه گفتار را بررسی کنی ولی گوینده را احترام کن،

۳) عليك أن ترحم العاصي ولكن تسخطك المعصية: تو باید بر عصیانگر رحم کنی ولی از معصیت خشمگین می‌شوی،

۴) فإن مهمتك أن تتغلب على المرض لا على المريض!: زیرا مأموریت تو این است که بر بیماری غلبه کنی نه بر بیمار!

عین الخطأ: زبان ۹۸

۱) ( إن نأخذ من أموالنا تنقص مرور الأيام: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،

۲) ( ولكن عندما نُعطي الآخرين من علمنا و نُعلّمهم: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،

۳) ( يكثر علمنا، لأن في التعليم تکرار الدرس لأنفسنا: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،

۴) ( فالعلم أحسن من المال لأنه لازوال له!: پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

«پرنده ی باهوش تظاهر کرد که بالش شکسته است». عین الصحیح: تجربی ۱۴۰۰

۱) ( تظاهر الطائر الذی بأن جناحه مكسور.

۲) ( يتظاهر الطائر الذی بأنه مكسور الجناح.

۳) ( تظاهر طائر ذکی أن الجناح له مكسور.

۴) ( يتظاهر طائر ذکی أنه مكسور في الجناح.

مای درس  
گروه آموزشی عصر

«کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»: خارج ۹۸  
[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

۱) ( لعلي أشاهد مدن بلادي جميعاً!

۲) ( ليتني أنظر كل المدن في بلادي!

۳) ( لعلي كنت أنظر مدن بلادي كلها!

۴) ( ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

عین الخطأ عن المفردات: هنر ۱۴۰۰

۱) ( يزرع الفلاح مزرعته أكثر من مرة واحدة. (مترادف) ← مزارع، تارة

۲) ( كان من الشعائر الخرافية تقديم القربان للإله. (جمع) ← أقرباء، آلهة



- ۳) لن نتعارف إلا أن نكون شعوباً و قبائل. (مفرد) ← شعب، قبيلة  
 ۴) نحن نكره أن نساfer بسيارة معطلة. (متضاد) ← نحب، مصلحة

عین الصحیح: ریاضی ۹۹

- ۱) العُملاء: هم الَّذِينَ يعملون لراحة الناس!  
 ۲) الحَنيف: هو الَّذي لا يَعبد إلا الله الواحد!  
 ۳) البَحيرة: يدخل ماء الأنهار فيها و هي أكبر من البحر!  
 ۴) يوم الخميس: اليوم السادس من الأسبوع و قبله يوم الجمعة!

عین «لا» لنفي الجنس: تجرئ ۱۴۰۰

- ۱) سَيأتي يومٌ لا ينفعنا مالٌ و بنون فعلينا أن نَجْمع الخيراتِ لأنفسنا لذلك اليوم!  
 ۲) إن كنتَ معَ الله فلا تَحزن أبداً و لا تَضلَّ عن صراطه و لا تَفقد محبته!  
 ۳) اصْطدمَ إطارُ سيارتي بشيءٍ حادٍّ فانفجرَ و لا إطار احتياطيَّ عندي!  
 ۴) هل تنسى أن تذكر ذممة ربك؟ لا أنا لست من الغافلين!

عین ما يدلُّ على نفي الشيء نفيًا كاملاً: خارج ۹۹

- ۱) لا خيرَ في الكذب ( ۲ ) لا، أنتَ لا تكذب!  
 ۳) لا شرَّ أريد و لا فتنة!  
 ۴) لا الكذبُ أرغب فيه و لا الغيبة!

عین حرف «لا» يختلف في النوع و المعنى: انسانی خارج ۹۹

- ۱) إننا لا نُحبُّ أن نستمع إلى كلام ليس له فائدة!  
 ۲) لا محاولة هناك دون نتيجة و سيرى الإنسانُ ثمرتها!  
 ۳) لا يبتعد العباد المؤمنون عن الصراط المستقيم إن شاء الله!  
 ۴) اليوم لا تطبخ أُمِّي طعاماً في البيت لأَنَّها قد طبخته من قبل!

عین حرف المشبهه بالفعل يختلف (في المعنى): زبان ۹۹

- ۱) قد جاء في التاريخ أن إبراهيم (ع) أنقذ قومه من عبادة الأصنام!  
 ۲) أيُّها الإنسان لاتحزن على ما فاتك، انَّ البأس يُعْديك من الله!  
 ۳) أَيْظنُّ الإنسانُ انَّ الله يتركه سدى و وحيداً!  
 ۴) إلهنا و ربنا نعلم أنَّك مع عبادك دائماً!

عین المناسب للفراغين من الحروف المشبهه بالفعل: «..... صديقي يستشير الأستاذ ..... له يفيدته في الحياة!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) أن / لعل ( ۲ ) لكن / ليت ( ۳ ) ليت / لعل ( ۴ ) أن / لكن

عین الكلمة التي تكمل جملة ما قبلها: تجرئ ۹۸

- ۱) إن العلم أحسنُّ من المال،  
 ۲) نعلم أنَّ للعالم أصدقاء كثيرين،



۳ ( ولکن لصاحب المال أعداء کثیرین،

۴) هذا هو الفرق بین العلم و المال!

عین ما لا نرجو وقوعه: زبان ۹۸

۱ ( لعل الفوز حلیفک فی الدنیا!

۲) كأن الخیر ینزل علیک قریباً!

۳ ( لیت النّجاح یتحقّق فی حیاتک!

۴ ( یدعی أنّه کریم لکنّ الواقع لایؤیّد ذلك!

عین الصّحیح فی الجزء الّذی قد اُکّد: هنر ۹۸

۱) إنّ الله علی کلّ شیء قدير! (الله)

۲ ( اِحْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حِمَايَةً! (ضمیر الیاء)

۳ ( حدّرتنی تجارب الحیاة تحذیراً! (تجارب الحیاة)

۴ ( إنّ العلم یرفع الإنسان و یرکمه! (الجملة بأجمعها)

عین مضارعاً لیس معادلاً للالتزامی الفارسی: ریاضی ۹۸

۱ ( امرنا بأن لا نغضب، ولکننا نغضب، و هذا الأمر شائع بیننا!

۲ ( لعلّ الإنسان یعرف الحضارات من خلال الکتابات و التماثیل!

۳ ( كأنّ هذا الجبل أعلى من بقیة الجبال، لیتنی أضعد إلى رأسه!

۴ ( لیتنا نقرأ آراء عدّة کتّاب حول هذا الموضوع لنأخذ نتیجة صحیحة!

عین الصّحیح عن «لا» النافیة للجنس: اختصاصی خارج ۹۸

۱) لا الیوم کیوم البعث، لا نعلم أسرارہ!

۲) لا فقراً أسوأ من الجهل، یفنی عمرنا!

۳ ( لا فصلٌ کالربیع، الأشجار فیہ نضرة!

۴) لا قدرة أقوى من العقل لحلّ مشاکلنا!

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

عین الصّحیح عن «لا» النافیة للجنس: ریاضی ۹۸

۱ ( لا حیاء و عفاف و أدبٌ إلّا لعقلٍ ثابت!

۲ ( لا العزّة إلّا لربنا الرحیم الّذی له کلّ شیء!

۳ ( لا أتذکر زمانَ ذهابنا إلى تلك الجولة العلمیة!

۴ ( لا شعبٌ من شعوب العالم إلّا و له طریقته للعبادة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

## درس ۲

«مَنْ يَرَى النَّاسَ صِغَارًا، كَأَلْذِي هُوَ واقف على قمة الجبل، يراه الناس صغيراً أيضاً»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) آنکه مردم در نظرش کوچکند، مثل کسی است که بر قله ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می نماید!
- ۲) هرکس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قله ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می بینند!
- ۳) کسی که مردم را کوچک می بیند، چون کسی است که بر قله کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می بینند!
- ۴) هرآنکه مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قله کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می انگارند!

«إِنَّ الْجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طَرِيقًا لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَتَجَلَّى لَنَا سَهْلَةً، وَلَكِنَّا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) این نادانی سبب یافتن راههای سهل الوصول برای گذران زندگی می شود، لکن به خسارت پایان می یابد!
- ۲) نادانی قطعاً مسبب آن است که راههای گذران زندگی به شکل ساده در نظرمان جلوه گر شود، اما به خسارت بیانجامد!
- ۳) نادانی باعث می شود برای گذران زندگیمان راههایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می کند، ولیکن به خسارت منتهی می شود!
- ۴) قطعاً نادانی است که سبب می شود راههایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگیمان بیابیم، ولی آن راهها به خسارت منجر می شود!

«لَا يَحْزَنُنِي قَوْلُ الَّذِينَ يَنْكَلِمُونَ عَنِّي جاهلین، و أنا أعلمُ جهلهم!»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) قول کسانی که از جهل من سخن می گویند و من جهالتشان را می دانم، نباید مرا ناراحت کند!
- ۲) سخن آنان که در مورد من حرف می زنند در حالیکه جاهلند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت نمی کند!
- ۳) هیچگاه سخن کسانی که درباره جهل من حرف می زنند حال آنکه من جهالتشان را می دانم، ناراحت نمی کند!
- ۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می گویند مرا ناراحت کند، در حالیکه من آگاه به جهلشان هستم!

«دعا الشرطي جماعة المشاغبين إلى التزام الصمت و هو ما كان قد فكر كيف يطلب منهم أن يقوموا بذلك!»: پلیس گروه ..... خارج ۱۴۰۰

- ۱) شلوغ کار را فرا خواند و آنها را به پایبندی به سکوت ملزم کرد، و به چگونگی عمل کردن آنها فکر نکرده بود!
- ۲) آشوبگر را به پایبندی به سکوت دعوت کرد، در حالی که فکر نکرده بود چگونه از آنها بخواهد بدان عمل کنند!
- ۳) پر سر و صدا را به ایجاد سکوت فراخواند. اما فکر نمی کرد که آنها چگونه باید به آن عمل کنند!
- ۴) پرهیاهو را به رعایت سکوت دعوت کرد، ولی به اینکه چگونه باید سکوت کنند اصلاً فکر نمی کرد!

«لا أدري ما هو نسيج زعانف الأسماك، ولكنني أعلم أنها تُساعد بعض الأسماك على الحركة و بعضها على الطيران»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) نمی دانم بافت باله ماهیان از چیست، اما می دانستم بعضی ماهی ها را در حرکت و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!
- ۲) نمی دانم چه چیزی در بافت باله ماهیها هست، ولی می دانم در حرکت بعضی ماهیها و پرواز بعضی دیگر از آنها یاری می رساند!
- ۳) نمی دانم بافت باله های ماهیان چیست، ولی می دانم که بعضی ماهی ها را در حرکت کردن و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!
- ۴) نمی دانم در بافت باله های ماهیها چه چیزی هست اما می دانستم که در حرکت کردن بعضی از ماهیها و پرواز کردن بعضی دیگر یاری می رساند!

« نستهلک الأسمدة الكيماویة بکثرة و نحن نعلم أن استخدامها الكثير يؤدي إلى الاختلال في نظام الطبيعة!»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم حال آنکه میفهمیم که کاربرد زیادشان اخلاقی در نظام طبیعت بوجود می آورد!
- ۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می کنیم در حالی که می دانیم که بکار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می شود!
- ۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می کنیم با اینکه می دانیم که بکار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را بوجود می آورد!
- ۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم با وجود اینکه فهمیده ایم که زیاد بکار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می شود!

« بعضُ الطيور عندما تشعر بالخطر حوّلها تلجأ إلى الحيل التي تُنقذ حياتها من الموت»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) عده ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره ای می اندیشند که زندگی شان را از مرگ نجات دهد!
- ۲) زمانی که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند، به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد!
- ۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره اندیشی می کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند!
- ۴) برخی پرندگان هنگامیکه در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره اندیشی‌هایی که زندگی آنها را از مرگ نجات می‌دهد متوسل می‌شوند!

«إذا نَعِبَ عَمَلٌ أَحَدٍ نُمَّ نَفَهْمُ أَنَّا كُنَّا مَخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَ هَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»: ریاضی ۹۹

- ۱) آنگاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم که این دلیل بر شجاعتمان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطا کرده بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!

۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آنگاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!

۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم آنگاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید به‌خاطر آن عذرخواهی کنیم در حالی که به آن اعتراف‌کننده‌ایم، و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود!

«كُلُّ النَّاسِ سِوَاءٌ وَ مَا هُمْ سِوَى لَحْمٍ وَ عِظْمٍ وَ عَصَبٍ لَئْمٍ وَ لَأْبٍ، وَ الْجَهَّالُ يَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِهِمْ!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) همه مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می‌کنند!
- ۲) همه مردم با هم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آنکه نادان مفتخر به نژاد خود است!
- ۳) مردم همگی با هم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می‌فروشد!
- ۴) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می‌کنند!

« فهِمْتُ لِمَاذَا هَجَرَنِي أَحَبَّتِي وَ فَرَحُوا عِدَائِي، وَ أَنَا كُنْتُ أَحَبَّهُمْ دَائِمًا وَ أَرْجُوهُمْ فِي حَيَاتِي!»: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) نفهمیدم چرا دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، در حالیکه من همیشه آنها را دوست می‌داشتم و در زندگیم به آنها امیدوار می‌بودم!
- ۲) چیزی که نفهمیدم این است که چرا دوستانم رهاییم کردند و دشمنانم شاد شدند، حال آنکه همیشه دوستشان می‌دارم و در زندگی به آنها امیدوارم!
- ۳) آنچه نفهمیدم این بود که چرا دوستانم از من جدا شده دشمنانم را شاد کردند، و من دائماً آنها را دوست داشته و به آنها در زندگی امید دارم!
- ۴) نمی‌فهمم چطور دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، وقتی که همیشه دوستشان داشته و در زندگیم به آنها امید داشتم!

«لهذه المحافظة عددٌ كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنع بيد الإنسان و قد كانت معروفة منذ القديم!»: زبان ۹۸

- ۱) این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همانطور که دارای صنایعی است که به‌دست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!
- ۲) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همانطور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده بود!
- ۳) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است همانگونه که دارای صنعت‌هایی است که به‌دست انسان ساخته شده و از زمان‌های گذشته معروف شده‌بود!

۴) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است همانگونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شد و از گذشته معروف بوده است!

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ...»: مردمان ..... خارج ۹۸

- ۱) امتی واحد بودند، پس خداوند پیامبران را مژده‌آور مبعوث کرد ...
- ۲) امت یگانه‌ای بوده‌اند، آنگاه خداوند پیامبرانی هشداردهنده فرستاد ...
- ۳) ابتدا امت واحد بودند، سپس الله پیامبرانی را هشداردهنده برانگیخت ...
- ۴) در آغاز امتی یگانه‌پرست بوده‌اند، آنگاه الله پیامبران را مژده‌دهنده برانگیخت ...

﴿...الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾: هنر ۹۸

- ۱) آنها که در حال رکوع کردن نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند!
- ۲) کسانی که اقامه نماز می‌کنند و زکات می‌دهند و در حال رکوع هستند!
- ۳) آنان که نماز را اقامه می‌کنند و در حال رکوع کردن زکات خود را می‌پردازند!
- ۴) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حالی که در رکوع هستند زکات را می‌دهند!

﴿لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ...﴾: زبان ۹۸

- ۱) سستی مکنید و غمگین مشوید زیرا شما برتر هستید....
- ۲) سست مشوید و غم مخورید در حالیکه شما هستید برتران....
- ۳) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن نشوید چه شمائید برتران...
- ۴) دچار «وهن» و سستی نشوید و غم مخورید چه برتر از همه شمائید...

«يُسْتَخْرَجُ زَيْتٌ خَاصٌّ مِنْ كَبِدِ الْحَوْتِ وَ هُوَ يُسْتَعْمَلُ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ!»: زبان ۹۸

- ۱) از کبد نهنگ روغنی خاص استخراج می‌شود که در ساختن مواد آرایشی به‌کار می‌رود!
- ۲) روغنی خاص را از کبد نهنگ استخراج می‌کنند که در صنعت مواد زیبایی به‌کار می‌رود!
- ۳) این روغن مخصوص را از جگر نهنگ استخراج می‌کنند که در ساختن مواد زیبایی کاربرد دارد!
- ۴) کاربرد این روغن مخصوص که از جگر نهنگ استخراج می‌شود در صنعت مواد آرایشی می‌باشد!

﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...﴾: ریاضی ۹۸

- ۱) ولی شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند ...
- ۲) همانا ولی شما خداوند است و پیامبرش و هر کس ایمان بیاورد ...
- ۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آنکه ایمان آورده است ...
- ۴) بدرستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

«إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيَّتُهَا صَعْبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا!»: ریاضی ۹۸

- ۱) آن از ماهی‌های عجیبی است که تغذیه‌اش برای علاقمندان سخت است برای این که دوست دارد شکار زنده بخورد!
- ۲) او از شگفت‌ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- ۳) او از ماهیان شگفت‌آوری است که برای علاقمندان، تغذیه‌اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!

۴) آن از عجیب ترین ماهی هاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

«كان الطالب الناجح يحرص أعماله الحسنة لأصدقائه و هو يذكر مشاكل كان قد تخلص منها!»: خارج انسانی ۹۸

- ۱) دانش آموزی که موفق بود کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد حال آنکه مشکلاتی را که از آنها خلاص شده بود بیان می کرد!
- ۲) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد در حالیکه مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- ۳) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- ۴) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش شمرده مشکلات رها شده از آنها را بیان کرده بود!

عین الصحیح: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) ما أسرع مَرَّ السنين من العَمَر و نحن في غفلة: سالهای عمر به سرعت می گذرد و ما در غفلت هستیم!
- ۲) إذا عملت سيئة فاعمل حسنة حتى تَعُوْضَ منها: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!
- ۳) يصنع الإنسان أشياء تحوّل الظلام إلى الضوء: انسان با ساختن اشیائی تاریکی را به روشنائی تبدیل کرده است!
- ۴) إفراز السائل المطهر من لسان القط جعله حيواناً خاصاً: گربه با ترشح مایع پاک کننده از زبانش حیوان خاصی شده است!

عین الصحیح: خارج ۱۴۰۰

- ۱) قد نُعوذُ أنفسنا عملاً جيّداً و سيّئاً: گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می کنیم،
- ۲) و يُصبحُ تغييره كداء لا معالجة له: و تغییر دادنش گاهی مثل بیماری است که درمان ندارد.
- ۳) و نُجذبُ إليه لا عن عزم، و در حالیکه تصمیمی بر آن نداریم بسوی ما کشیده می شود،
- ۴) و نعمله و نحن غافلون عنه!: و آن را انجام می دهیم در حالی که از آن غافل هستیم!

عین الصحیح: زبان ۹۹

- ۱) أفضل سلاح المرء كلامه و كآئه حسام: بهترین سلاح انسان کلامی است که چون شمشیر می باشد!
- ۲) عین البومة ثابتة و هي لا تقدر أن تدیر إلا رأسها: چشم جغد ثابت است و فقط سر آن حرکت می کند!
- ۳) هناك عُشٌّ صغير فوق تلك الشجرة المرتفعة لا فرخ فيه: بالای آن درخت بلند آشیانهء کوچکی هست که هیچ جوجه ای در آن نیست!
- ۴) طُلب من الطّلاب أن یأتوا بوالدیهم یوم الخمیس إلى المدرسة: از دانش آموزان خواست که روز پنجشنبه با والدین خود به مدرسه بیایند!

عین الصحیح: تجربی ۹۸

- ۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا یسمعون كلامك: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی دهند!
- ۲) لا تُکرمنَ اللئیمَ لِأنه یتمرّد تمرداً و أنت تباؤس: هرگز انسان فرومایه را گرامی مدار برای اینکه او قطعاً نافرمانی خواهد کرد درحالی که تو مأیوس شده ای!

۳) (السکوتُ أجمل کلام قد یستطیع أن یثیر الشخص أكثر من کلّ شيء آخر: سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!

۴) (یصاد الحوت لیستفید الکیماویون من زیت کبده فی صناعة موادّ التجمیل: نهنگها صید می شوند تا شیمی دانان از روغن کبد آنها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

عین الصحیح: انسانی ۹۸

۱ ( مَا وَجَدتِ البناتُ أمهنَّ حيةً نُحنَ عليها: دختران هنگامی که مادر خود را زنده نیافتند، بر او شیون کردند!

۲ ( لا أحدٌ يأتيك في حاجةٍ فتردهُ خائِباً: کسی نیست که با خواسته‌هایش نزد تو بیاید و تو او را ناامید برگردانی!

۳ ( من ذاق حبك دنا إليك و هو يخاف منك: کسی که عشق تو را چشید درحالی که از تو می‌ترسد به تو نزدیک است!

۴ ( الكذاب يتظاهر بالصدق و إن يظهر الكذب في وجهه: دروغگو تظاهر به راستگویی می‌کند اگرچه دروغ از چهره‌اش نمایان بوده است!

عین الصحیح: خارج ۹۸

۱ رأيت معلماً مسروراً و هو يجيب على أسئلة التلاميذ: معلم را در حالی که خوشحال بود دیدم که به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ می‌داد!

۲ حان (= جاء) وقتُ الامتحانات و أنتم غافلون عنها: زمان امتحانات فرا رسید در حالی که شما از آن غافل هستید!

۳ دعوت صديقي و هو يكتب رسالة: دوستم را دعوت کردم در حالی که نامه‌ای نوشته بود!

۴ يُساعد الولد أمه مبتسمةً: فرزند در حالی که خندان است به مادرش کمک می‌کند!

عین الخطأ: ریاضی ۱۴۰۰

۱ بالحلم عن السفیه يكثر الأنصار: بردباری بر نادان یاران را زیاد می‌کند!

۲ سیأتی الغدُ بکثیر مما لا تعرفون: فردا بسیاری از آنچه را نمی‌دانید، خواهد آورد!

۳ ( الله الذي ينصر المجاهدين و هم قليلون: خدا کسی است که مجاهدان را با اینکه اندکند یاری می‌کند!

۴ ( یوجد النفطُ تحت طبقات الأرض بعد مرور قرون: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشتن قرن‌ها یافت می‌شود!

عین الخطأ: انسانی خارج ۱۴۰۰

۱ ( أفضل الأعمال الحلم عند الغضب و الصبر عند الطمع: برترین کارها بردباری هنگام خشم است و صبر هنگام طمع!

۲ ( لا تجمع من المال و أنت لا تدري لمن تجمع: از مال و ثروت جمع مکین در حالیکه تو نمیدانی برای چه کسی جمع می‌کنی!

۳ ( إذا سلمت من الأسد المفترس فلا تطمع في صيده: هرگاه از شیر درنده در سلامت ماندی به شکار کردنش طمع مکن!

۴ ( إن المجاهدين باعوا أرواحهم و اشتروا الجنة: جهادکنندگان جانهای خود را فروختند تا به بهشت برسند!

«کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می‌کرد». عین الصحیح: ریاضی ۱۴۰۰

۱ ( شاهدتُ فلاحاً و هو يجمع محصوله!

۲ ( شاهدتُ فلاحاً و هو يجمع المحصول!

۳ ( رأيتُ الفلاح و هو يجمع محصولاً!

۴ ( رأيتُ الفلاح و هو يجمع المحصول!

عین الخطأ عن «الجرارة»: زبان ۱۴۰۰

۱ ( تجر نفسها على الأرض!

۲ ( وسيلة كالسيارة تُصنع في المصنع!

۳ ( قد تُستخدم لنقل السيارات المعطلة إلى موقف التصليح!

۴ ( تُستخدم في القرى عادةً لأنَّ الساکنين يحتاجون إليها أكثر!

عین الخطأ عن «الجرارة»: هنر ۹۹

۱ ( هي آلة تُساعد المزارعين!

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۲) یَنْتَفِعُ بِهَا فِي الْأَعْمَالِ الزَّرَاعِيَّةِ!

۳) تُسْتَعْمَدُ فِي الْمَزَارِعِ عَادَةً!

۴) تَجَرَّ نَفْسَهَا عَلَى الْأَرْضِ الزَّرَاعِيَّةِ!

عَيْن « دُؤُوبٌ » جَالًا: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) لِيَتَنِي أَصْبَحَ دُؤُوبًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!

۲) لَا يَتَقَدَّمُ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَنْ يُحَاوِلُ دُؤُوبًا!

۳) مَنْ كَانَ أَمِيرًا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ دُؤُوبًا وَحَلِيمًا!

۴) رَأَيْتَ طَالِبًا دُؤُوبًا يَسْتَمِرُّ فِي أَعْمَالِهِ لِأَهْدَافِهِ الْعَالِيَةِ!

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ: ریاضی ۹۹

۱) إِنَّ شَجْرَةَ الْخُبْزِ شَجْرَةٌ عَجِيبَةٌ وَ تَحْمِلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!

۲) رَأَيْتَ شَجْرَةَ الْخُبْزِ وَ هِيَ تَحْمِلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!

۳) رَأَيْتَ شَجْرَةَ الْخُبْزِ الَّتِي تَحْمِلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!

۴) شَجْرَةُ الْخُبْزِ تَحْمِلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ « الْحَالُ »: اختصاصی ۹۹

۱) لَا تَتَسَامَحُوا وَ أَنْتُمْ تَحْسَبُونَ أَنَّ لَكُمْ فِرْصَةً كَثِيرَةً،

۲) لِأَنَّكُمْ إِذَا تَبَدَّوْنَ بِالْعَمَلِ وَ هُوَ يَحْتَاجُ إِلَى زَمَانٍ،

۳) لَا تَجِدُونَ الْفِرْصَةَ كَثِيرَةً وَ هِيَ قَلِيلَةٌ وَ قَصِيرَةٌ دَائِمًا،

۴) فَيَجِبُ أَنْ تَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفِرْصَةِ وَ لَوْ كَانَتْ قَلِيلَةً!

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ: ریاضی ۹۸

۱) جَاءَ لَنَا مَدْعُوُونَ كَثِيرُونَ هُمْ تَنَاوَلُوا الطَّعَامَ فِي سَاعَةٍ مَتَأَخَّرَةً!

۲) جَاءَ ضَيْوْفٌ كَثِيرُونَ وَ جَاءَ صَاحِبُ الْبَيْتِ وَ اسْتَقْبَلَهُمْ بِحَفَاوَةٍ!

۳) جَاءَ الضُّيُوفُ الْكَثِيرُونَ وَ هُمْ يَتَكَلَّمُونَ عَنِ ذِكْرِيَاتِ الضُّيَافَةِ!

۴) جَاءَ لَنَا الْمَدْعُوُونَ الْكَثِيرُونَ حِينَ كُنَّا نَتَكَلَّمُ مَعَ أَصْدِقَائِنَا!

عَيْنَ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَتْ فِيهَا الْحَالُ: انسانی خارج ۹۸

۱) يُصْبِحُ النَّاسُ مَسْرُورِينَ فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ بَعْدَ مَشَاهِدَةِ الطَّبِيعَةِ الْخَضْرَاءِ!

۲) إِنْ يَصْنَعُ الْمُهَنْدِسُونَ الْبُيُوتَ مُحْكَمَةً لَا تُهَدَّدُ الْحَوَادِثُ أَكْثَرَ الْمَدُنِ!

۳) قَدْ نَرَى تَدَاخُلَ رَوَابِطِ الْإِنْسَانِ وَ الْبَيْتَةِ وَ هُوَ مُضِرٌّ لِلطَّبِيعَةِ!

۴) إِنَّ التَّلْمِيزَ الَّذِي لَا يُطَالَعُ دُرُوسَهُ وَ هُوَ يَفْهَمُهَا لَيْسَ نَاجِحًا!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



## درس ۳

- «إِنَّ الْبِرْنَامَجَ الَّذِي يَبْدَأُ بِالتَّعَلُّمِ الْمُنَاسِبِ يُمَكِّنُ أَنْ يُحَدِّدَ حَيَاةَ الْمَرْءِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ، وَ هَذَا هُوَ مَكَانُ الْعِلْمِ»: هنر ۱۴۰۰
- (۱) برنامه ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
- (۲) برنامه کسی که با یادگیری در ست آغاز کرده، امکان دارد زندگیش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!
- (۳) برنامه آن کس با یادگیری مناسب آغاز می شود که بتواند زندگی فردای شخص را معلوم کند، و این همان موقعیت علم است!
- (۴) برنامه ای که با یادگیری صحیح آغاز می شود ممکن است زندگی فرد را در آینده تعیین کند، و این همان جایگاه علم است!

«إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَ لَا حَاجَةَ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»: هنر ۱۴۰۰

- (۱) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!
- (۲) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی توانند علم را غارت کنند و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!
- (۳) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانائی ندارند غارتش کنند، و نیازی به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!
- (۴) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

«الصَّدَقُ كَصَحَّةِ الْإِنْسَانِ، لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُدْرِكَ قِيَمَتَهُ إِلَّا عِنْدَمَا يَفْقَدُ!»: ریاضی ۱۴۰۰

- (۱) صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود قدر آن دانسته می شود!
- (۲) صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود امکان ندارد ارزش آن درک شود!
- (۳) راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی شود مگر آنگاه که آن را از دست بدهد!
- (۴) درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی توانی قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!

«عَجَائِبُ الْخَلْقَةِ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا أَنَّ هُنَاكَ أَسْمَاكَ لَا تُضِيءُ تَحْتَ الْبَحَارِ إِلَّا بِالضُّوْءِ الْمَضِيءِ الَّذِي تَحْتَ عِيُونِهَا!»: انسانی ۱۴۰۰

- (۱) عجایب خلقت بسیار است، از جمله ماهیهایی که فقط با نور تابناکی که در زیر چشم دارند زیر دریا را نورانی می کنند!
- (۲) عجایب زیادی در خلقت است، از جمله ماهیهایی هستند که زیر دریاها را نورانی می کنند فقط با نوری که زیر چشمهایشان هست!
- (۳) شگفتیهای آفرینش بسیارند، از جمله ماهیانی هستند که فقط با نور روشنی بخشی که زیر چشمهایشان هست زیر دریاها را روشنی می بخشند!



۴) شگفتیهای بسیار در خلقت است، از جمله در ماهیانی است که زیر دریاها را روشنی نمی بخشند مگر با روشنایی نوری که زیر چشمهایشان موجود است!

«ما من شجرة تُغرس إلا و لها فائدة للناس، إذن ليس عرس الأشجار بسبب أنها تثمر فقط!»: انسانی ۱۴۰۰ اختصاصی

- ۱) آنچه از درخت کاشته می شود فایده اش برای مردم است، ولی علت کاشتن درختان فقط بهره دادن آنها نیست!
- ۲) درخت فقط برای این کاشته می شود که فایده بخش است، لذا کاشتن درختان بخاطر اینکه بهره بدهند نیست!
- ۳) هیچ درختی نیست که بکاری مگر اینکه برای مردم فایده داشته باشد، پس علت کاشتن درختان میوه دادنشان نیست!
- ۴) هیچ درختی نیست که کاشته شود مگر اینکه برای مردم فایده ای داشته باشد، بنابراین کاشتن درختان فقط بخاطر اینکه آنها میوه می دهند نیست!

«هناك مئات الطيور تبني أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر و تقذف أفراخها منها لتتعلم الطيران!»: خارج ۹۹

- ۱) صدها پرنده لانههای خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوهها می سازند تا جوجهها را از آنجا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آنجا صدها پرنده است که آشیانهها را بر کوههایی به بلندای بیشتر از دو هزار متر بنا کرده جوجههایشان را از آنجا می پرانند برای اینکه پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آنجا صدها پرنده لانههایشان را بر کوههایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیشتر است بنا می کنند و جوجههای خود را از آن می اندازند تا پرواز کردن را به آنها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرنده وجود دارند که آشیانههای خود را بر کوههایی که ارتفاع آنها بیش از دو هزار متر است می سازند و جوجههایشان را از آنجا پرتاب می کنند تا پرواز را یاد بگیرند!

«كان ذلك العام يمضي أوقاته بالمطالعة و الدراسة و لا يتعد عن النشاط لحظة على رغم الظروف القاسية!»: زبان ۹۹

- ۱) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می گذشت، و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی شد!
  - ۲) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه ای از فعالیت دور نمی شد!
  - ۳) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می گذشت، در حالی که علی رغم شرایط سخت لحظه ای از کار دور نمی شود!
  - ۴) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می گذراند، در حالی که علی رغم شرایط سخت حتی یک لحظه از کار دور نمی شود!
- «يستطيع الناس أن يقرؤوا من الكتب ما يحبونها، إلا من لهم فكر قادر على تمييز المسائل!»: مردم می توانند ..... تجربی ۹۹

- ۱) از کتابها هرچه دوست می دارند بخوانند، جز کسانی که توانایی برای تشخیص امور ندارند!
- ۲) بخوانند هر آنچه را از کتابها که دوست دارند، مگر آنکه قدرت جدا کردن امور را نداشته باشند!
- ۳) از کتابها آنچه را دوست دارند بخوانند، مگر آنان که فکری قادر بر تشخیص مسائل نداشته باشند!
- ۴) کتابهایی را که دوست می دارند بخوانند، مگر اینکه نتوانند با فکر و توانایی مسائل را از یکدیگر جدا کنند!

«الإنسان لا يُصاب بأمر إلا بقدر طاقته: فعلينا أن يزداد إيماننا لأن الله لن يترك محبيه!»: هنر ۹۹

- ۱) انسان فقط به اندازه توانش به امری دچار شده است، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا علاقه مندانش را رها نخواهد کرد!

- ۲) انسان به اندازه توانش به امور دچار می شود، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا محبان خود را هرگز ترک نمی کند!
- ۳) انسان به چیزی دچار نمی شود مگر به اندازه توانش، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا دوستدارانش را رها نخواهد کرد!
- ۴) انسان هیچگاه بیش از توانش به خواسته ای دچار نمی شود، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا هرگز محبوبان خود را رها نمی کند!
- «لَا تُسَجِّلْ صَدِيقِي الْمُجَدَّةَ فِي دَفْتَرِهَا إِلَّا الْمَوْضُوعَاتِ الْجَدِيدَةِ وَالْمُهَمَّةِ!»: انسانی ۹۹

۱) دوست تلاشگر فقط موضوعات جدید و مهم را در دفترش ثبت می کند!

۲) دوست تلاشگر من در دفترش ثبت نمی شود مگر موضوعات جدید و مهم!

۳) دوستم با تلاش چیزی در دفترش ثبت نمی کند جز موضوعات جدید و مهم را!

۴) چیزی جز موضوعات جدید و مهم در دفتر دوستم که تلاشگر است، ثبت نمی شود!

«لَا قَرَحَ يَتَعَلَّمُ الطَّيْرَانِ إِلَّا أَنْ يَقْذِفَ نَفْسَهُ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ!»: انسانی ۹۹

۱) فقط جوجه ای پرواز کردن را یاد می گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!

۲) هیچ جوجه ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی آموزد!

۳) هر جوجه ای فقط زمانی پرواز را می آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!

۴) هیچ جوجه ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر اینکه خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

«لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى الْمَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ الَّذِي كَانَ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ رَأَيْتُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ إِلَّا مَنْ لَهْمُ قُوَّةٍ أَكْثَرُ!»: هنر ۹۸

۱) وقتی به پناهگاه مقدس که بالای کوه بلندی قرار داشت رسیدم دیدم که فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند به آن می رسند!

۲) هنگامی که به آن پناهگاه مقدس که بالای کوهی بلند واقع است رسیدم، دیدم کسانی که نیروی بیشتر دارند تنها به آن می رسند!

۳) هنگام رسیدن به پناهگاه مقدسی که در بلندی کوه مرتفع واقع است، دیدم فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند، به آن می رسند!

۴) وقتی به آن پناهگاه مقدس رسیدم که در بلندی کوه مرتفعی قرار داشت، کسی را ندیدم که به آنجا برسد مگر کسانی که نیروی بیشتری داشتند!

«أُتَسْتَشِيرُ الْكُذَّابَ وَ مَا هُوَ إِلَّا سَرَابٌ يُعْرَفُ الْحَقِيقَةَ إِلَيْنَا عَلَى الْعَكْسِ!»: انسانی ۹۸

۱) با دروغگو شور می کردم اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می کرد!

۲) آیا این دروغگویی که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می شناساند!

۳) آیا با دروغگو مشورت می کنی، در حالی که او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند!

۴) چگونه با دروغگو مشورت می کنی حال آن که او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می شناساند!

«لَا يَتْرَكَ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالِدِيهِمْ إِلَّا مَنْ يَعْتَقِدُ أَنَّهَا لَيْسَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ وَ هُمَا فِي صَحَّةٍ!»: انسانی ۹۸

۱) فرزندان والدین خودشان را ترک نمی کنند مگر معتقد به این باشند که آنها در سلامتند و نیاز به او ندارند!

۲) از میان فرزندان فقط کسی والدین را ترک می کند که عقیده داشته باشد که آنان سلامتی دارند و نیازمند به او نیستند!

۳) تنها کسی در میان فرزندان پدر و مادر را ترک می کند که بر این عقیده باشد که آنان به او نیازمند نیستند و در سلامتند!

۴) از فرزندان فقط کسی پدر و مادرش را ترک می کند که معتقد باشد آنها به او نیاز ندارند و هر دو در سلامت هستند!

«لَا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِدَنَا مِنْ خِرَافَاتِ نَعِيشٍ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ!»: تجربی ۹۸

۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!

۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از این خرافات زندگی نمائیم!

۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!

۴) نیرویی که می‌تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می‌کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

«صعد الزَّوَّارُ كُلُّهُمْ جَبَلَ النُّورِ لزيارة غار حراءِ إِلَّا من لم يقدرُوا على الصُّعود!»: تجرِبی ۹۸

۱) همه زوَّار برای دیدار غار حراء در کوه نور، از آن بالا رفتند مگر آن کسی که نمی‌توانست بالا برود!

۲) زائران همگی برای زیارت غار حراء از کوه نور بالا رفتند مگر کسانی که برای صعود قدرت نداشتند!

۳) همه زائران بخاطر زیارت غار حراء کوه نور را در نوردیدند جز آنها که قدرت بالا رفتن نداشتند!

۴) زوَّار همگی به دیدن غار حراء از کوه نور صعود می‌کنند جز آن کس که نمی‌تواند صعود کند!

من «لم يجد الجنة على الأرض لن يحصل عليها في السماء، الجنة قريبة منا ولا وسيلة للوصول إليها إلا الأعمال الحسنة!»: اختصاصی خارج ۹۸

۱) هر کس بهشت را روی زمین نیابد آن را در آسمان نخواهد یافت، بهشت نزدیک ماست و فقط اعمال نیک وسیله رسیدن به آن است!

۲) کسی که بهشت روی زمین را نیافت آن را در آسمان نخواهد یافت، این بهشت در نزدیکی ماست و هیچ وسیله‌ای جز اعمال حسنه ندارد!

۳) هرکس بهشت روی زمین را پیدا نکرده، در آسمان هم پیدا نمی‌کند، بهشت در همین نزدیکی است و تنها اعمال حسنه وسیله رسیدن به آن است!

است!

۴) کسی که روی زمین بهشت را پیدا نمی‌کند آن را در آسمان هم پیدا نمی‌کند، این بهشت نزدیک ماست و جز اعمال نیک هیچ وسیله‌ای برای

وصول به آن نیست!

عین الصحیح: تجرِبی ۹۹

۱) التفکر ساعتین خیر من العبادۃ ساعات: مدت دو ساعت فکرکردن بهتر از ساعاتی از عبادت است!

۲) العُقلاء لا یفقهون ما لیس لهم به علم: انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقف نمی‌کنند!

۳) إنَّ النَّفْسَ الْمُطْمَئِنَّةَ لَا تَأْخُذُ اطْمَئِنَّاها إِلَّا من رَبِّها: نفس مطمئننه آرامش از هیچ‌کس جز از خدا نمی‌گیرد!

۴) بعد أن فکَّرَ لحظاتٍ وَجَدَ المَأْمَنَ الَّذِي كانَ قد لَجَأَ إليه قبلَ هذا: بعد از اینکه لحظاتی فکر کرد محل امنی را که قبل از این به آن پناه

برده‌بود، یافت!

عین الصحیح: ریاضی ۹۹

۱) لن تكون الحیاة دون نقص ولكنها جميلة دائماً: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت ولی همیشه زیباست!

۲) ذهبنا إلى غابة و رأينا هناك آیات ربنا الكبرى: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!

۳) طوبى لمن یجتنب الكذب و إن كان للمزاح: خوشا به حال کسی که از دروغ‌گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!

۴) إنَّ العین لا تدور فی اتجاهین إلا فی بعض الحيوانات كالحریاء: چشم بعضی حیوانات مثل حریاء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

عین الصحیح: هنر ۹۸

۱) غَضَّت عینها عما لا یرضی ربها: چشمش را بر هم نهاد از آنچه پروردگارش را راضی نمی‌کند!

۲) لا یضیق وعاء العلم ما جعل فیه: ظرف علم به آن چیزی که در آن قرار داده شده، تنگ نمی‌شود!

۳) هناك تجارب أنفع من كتب قرآناها: آنجا تجربه‌هایی است که مفیدتر از کتابهایی است که آنها را می‌خوانیم!

۴) القراءة لا تُغنینا عن الفکر علی مر حیاتنا: خواندن در طول زندگی ما، از اندیشه کردن غنی‌کننده‌تر نیست!

عین الخطأ: تجرِبی ۱۴۰۰

- ۱ ( لا تَزُولُ ظِلْمَاتُ الْجَهْلِ إِلَّا بِصَاحِبِ الْعِلْمِ: تاریکیهای جهل فقط با چراغهای علم از بین می رود!
- ۲ ( ما اَمْتَنَعَ الْوَالِدُ أَنْ يَأْكُلَ الطَّعَامَ الَّذِي قَدْ طَبَخْتَهُ الْأُمُّ: کودک امتناع نکرد غذایی را که مادر پخته، بخورد!
- ۳ ( تَلْقَيْبُ الْأَخْرِينِ بِمَا يَكْرَهُونَ عَمَلٌ قَبِيحٌ: لقب دادن دیگران به آنچه ناپسند می دانند کار زشتی است!
- ۴ ( يُقَطِّعُ التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْأَصْدِقَاءِ بِالْغِيْبَةِ وَالِاسْتِهْزَاءِ: ارتباط بین دوستان را غیبت و مسخره کردن قطع می کند!

عَيْنُ الْخِطَأِ: هنر ۹۹

- ۱ ( الْجَهْلُ مُصِيبَةٌ لَنْ نَتَخَلَّصَ مِنْهُ إِلَّا بِالْعِلْمِ: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می یابیم!
- ۲ ( كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَعْرِفُونَ كُلَّ شَيْءٍ بِضَدِّهِ مَعْرِفَةٌ أَفْضَلُ: بسیاری از مردم هر چیزی را با ضدش بهتر می شناسند!
- ۳ ( عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَجْرَحَ قَلْبَ الْأَخْرِينِ بِكَلِمَاتٍ قَبِيحَةٍ: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!
- ۴ ( كَأَنَّ الْعُلَمَاءَ فِي بَسْطِ الْعِلْمِ لَيْسُوا إِلَّا مَطَرًا لِلْأَرْضِ: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

عَيْنُ الْخِطَأِ: هنر ۹۹

- ۱ ( الْعِلْمُ إِنْ لَمْ يَنْفَعْنَا لَا يَضُرُّنَا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی رساند!
- ۲ ( إِمَّا الدِّينُ إِطَارٌ لِلْعِلْمِ وَالْحَضَارَةُ: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!
- ۳ ( التَّفَكُّرُ هُوَ الدَّوَاءُ لِدَفْعِ سُمُومِ الْخِرَافَاتِ: فکرکردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!
- ۴ ( الْفَضْلَاءُ شَخْصِيَّتُهُمْ أَقْوَى مِنْ أَنْ يَقْلُدُوا الْجَهْلَاءَ: فاضلان شخصیتشان قوی تر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

عَيْنُ الْخِطَأِ: انسانی ۹۹

- ۱ ( عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- ۲ ( لَا شَكَّ أَنْكَ لَا تَخْسِرُ إِلَّا إِذَا امْتَنَعْتَ عَنِ الْمَحَاوَلَةِ: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می بینی!
- ۳ ( إِنَّ النَّجَاحَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِقْدَامِ فَقَطْ، بَلْ إِلَى الْجَسَارَةِ أَيْضًا: پیروشدن فقط به قدمها احتیاج ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- ۴ ( مَنْ يَكْذِبُ، لَا يَجِدُ دَلِيلًا مَقْنَعًا لِإثْبَاتِ قَوْلِهِ أَبَدًا: کسی که دروغ می گوید، هرگز برای ثابت کردن گفتهء خود دلیلی قانع کننده نمی یابد!

عَيْنُ الْخِطَأِ: تجربی ۹۹

- ۱ ( تجري مياه الشلال من الأعلى إلى الأسفل متتالية: آبهای آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می شوند!
- ۲ ( رائحة ماء المستنقعات كريهة لأنه لا يتحرك: بوی آب مردابها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی کند!
- ۳ ( لا عجب في أن نُؤَجِّلَ أَعْمَالَنَا الْحَسَنَةَ: هیچ تعجبی نیست که در کارهای خوبمان عجله کنیم!
- ۴ ( لا يُغْرِقُ فِي الْمَدْحِ وَالدَّمِ إِلَّا الْأَحْمَقُ: فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می کند!

«سقوط جوجهها منظره بسیار ترسناکی است، ولی گریزی از آن نیست!»: هنر ۹۸

- ۱ ( السقوط للفراخ من المناظر المرعبة، ولكن لا يمكن الفرار منه!
- ۲ ( السقوط للأفراخ من مشاهد مرعبة كثيراً، أما ليس فرار منه!
- ۳ ( سقوط الفراخ مشهد مرعب جداً، ولكن لا فرار منه!
- ۴ ( سقوط الفراخ منظره مخوف كثيراً، أما لا بد منه!

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ: تجربی ۱۴۰۰

- (۱) من تَوَلَّمه رِجله لا يقدر الصعود إلى القمّة. (جمع): رجال، قمم  
 (۲) هواة كرة القدم يجتمعون في الملعب. (متضاد): راغبون، ينتشرون  
 (۳) هو من أهمّ الكُتّاب على رغم ظروفه القاسية. (مفرد): كتاب، ظرف  
 (۴) بعد ذلك جاء بهدايا كثيرة فرفضها الملك. (المترادف): أتى بـ، لم يقبل)

عين الصحيح عن المفردات: خارج ۱۴۰۰

- (۱) إنّه قرأ آلاف الكتب و هو من أهمّ الكُتّاب. (مفرد) ← ألف - كاتب  
 (۲) جاء بهدايا كثيرة و قبلها الفقير بسرور. (مترادف) ← أتى بـ - رفض  
 (۳) كلّ وعاء يضيّق بما جعل فيه الأ وعاء العلم (متضاد) ← يتسع - الجاهل  
 (۴) ذهبت لي أستاذي مع صديقتي لنسأل سوالات كثيرة (جمع) ← أساتذة - أصدقاء

عين الخطأ عن المفهوم: هنر ۱۴۰۰

- (۱) الأغنى: من يغني الآخرين أكثر.  
 (۲) غنى: قرأ شعرا بصوت قرح أو حزين.  
 (۳) أغنى (شخصاً): جعله غنياً لا حاجة له.  
 (۴) الغنى: ذو سعة من المال و لا يساعد الآخرين.

عين الخطأ عن المفهوم: خارج ۱۴۰۰

- (۱) الصّحفيّ: من يقرأ الصّحيفة اليوميّة دائماً!  
 (۲) المصحف: يُقال لكتاب كُتب فيه كلام خاص!  
 (۳) الصّحيفة: مجموعة من الأوراق التي تنتشر يومياً!  
 (۴) الصّحف: فيها أخبار متعدّدة و غيرها حسب سياسة الصحيفة!

عين الصحيح: خارج ۹۹

- (۱) الكتاب: بستان العالم يأخذ منه ثمرات مختلفة!  
 (۲) الحاجّ: يقصده الحجاج في كلّ عام لعبادة الله!  
 (۳) الصّحفيّ: من يقرأ الصّحيفة اليوميّة كلّ يوم صباحاً أو مساءً!  
 (۴) الشّرف: نوع من القماش نستخدمه لتجفيف الوجه بعد غسله!

عين الصحيح: انساني خارج ۹۹

- (۱) الشّرف: قطعة قماش، بعض النساء يلبسنه!  
 (۲) الصّداغ: وجع في الأنف تختلف أنواعه و أسبابه!  
 (۳) أنبوب: النّفط يصعد بواسطته من أعماق البئر إلى سطح الأرض!  
 (۴) الجوز: ثمرة قشرها صلب و نتناولها مع الجبنة دون أن نكسرها!

عين الخطأ: خارج ۹۸

ماي درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۱) (الکتاب: المفکّر رون الذین یؤلفون الکتب!

۲) (الوعاء: لا یصنع إلا من خشب شجرة الجوز!

۳) (القمة: رأس الجبل المرتفع الذي نصدع إليه بصعوبة!

۴) (الخيمة: غرفة تُصنع من القماش الخاص بأبعاد مختلفة!

«... البضائع ... فالتاس طلبوا من الحكومة أن ...!». عین المناسب للفراغات: تجرّبی ۹۸

۱) (قيمة / یزداد / تُقلّلهَا / ثمن / کثرت / تُمرّرها ۲) (أسعار / ارتفعت / تُخفّفها ۳) (نقود / یرتفع / تُمنّعها ۴)

عین ما لیس فیہ الحصر: هنر ۱۴۰۰

۱) لا تزیّد التجارب فی الحیاة إلا معرفتنا بالأمر!

۲) (لا یُعجبني أحدٌ إلا المهاجم الذي یسجّل الهدف!

۳) (لا یستطیع صعود هذا الجبل المرتفع إلا الأشخاص الأقویاء!

۴) (لا تبّلع سمكة السهم إلا الحشرة التي تسقط علی سطح الماء!

عین ما فیہ الحصر: تجرّبی ۱۴۰۰

۱) (لا یقدر أحدٌ صعود الجبل المرتفع إلا الإنسان القوی!

۲) (ما نال هذا الشاعر الجوائز بعد إنشاده إلا جائزة ثمينة!

۳) (لا تُنقلُ إلى موقف تصلیح السيارات إلا سبارة معطلة!

۴) (لا نشترى الفاكهة الیوم إلا نوعاً واحداً منها و هو التفاح!

عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر: خارج ۱۴۰۰

۱) (ما اشترى والدي شيئاً من المتجر الكبير إلا نوعاً من الفاكهة!

۲) (ما أعانني أحدٌ فی مشاكل الحیاة إلا الله الذي خلّقني فیرحمني دائماً!

۳) (ما شكر أكثر الناس نعمة الله علیهم إلا الذین یعرفون أنّها من جانبه!

۴) (ما استطاع أن یذهب إلى الحجّ هذا العام إلا الحجّاج الذین كانوا مستطیعین!

عین ما فیہ الحصر ( فی المعنی): اختصاصی ۱۴۰۰

۱) (لا یُحسنُ إلینا أحدٌ إلا الذي یُحسنُ إليه!

۲) (لا تأکلُ البوماتُ فی المزرعة غذاءً إلا الفئران!

۳) (لا تُسببُ الأمطارُ الحمضيةُ إلا التلوّثُ فی الهواء!

۴) (لا یرى المتشائمُ شيئاً فی كلّ فرصة إلا الصّعوبة!

عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) (ما اهتمّ هذا الفیزیائی فی كشف هذه المادّة بالآخرین إلا عالماً واحداً!

۲) (لم تُضعفُ المشاکلُ عزمَ التلمیذ فی أداء جميع واجباته إلا الأخير!

۳) (لا یمنحُ المحسنُ ثروته لکّل من یُدعی أنّه یحتاج إليها إلا أسرته!

www.my-dars.ir

گروه آموزشی عصر

۴ ( لم یکن هدف نوبل من اختراع الدینامیت إلا الإعمار و البناء!

عین ما لیس فیہ مفهوم الحصر: ریاضی ۹۹

۱ ( لا نأخذ إلى موقف التصلیح إلا السیارة المعطلة!

۲ ( لا یستر الناس إلا ما یخافون من عواقب جهره!

۳ ( یتناول هذا المریض أنواع الفواكه إلا التفاح!

۴ ( لم تكن السّلامة إلا بالذهن السّليم!

عین المستثنی و المستثنی منه اسمی مکان: اختصاصی ۹۹

۱ ( وجدتُ مصادر جميع الكتب في المكتبة إلا مصدر هذا الكتاب!

۲ ( بنى المهندسون عُرفاً متعدّدة في هذه المدرسة إلا مخزناً للکُتب!

۳ ( سافر السیاح إلى كلّ المناطق في البلاد الأخرى إلا منطقة في الشرق!

۴ ( وصلنا إلى المطار متأخرين لأنّ الشوارع كانت مزدحمة إلا الشارع الأخير!

عین ما لم یذکر فی المستثنی منه: اختصاصی ۹۹

۱ ( تحافظ طالبات مدرستنا على النّظم إلا واحدة منهن!

۲ ( لم یحضر أصدقاؤی في الحفل إلا ثلاثة منهم!

۳ ( لا یریبی أبی في مزرعته إلا الطيور الأهلیة!

۴ ( یهتمّ مواطنونا بنظافة البيئة إلا قليلاً منهم!

عین ما فیہ «الحصر»: تجربی ۹۸

۱ ( لم نشاهد الأفلام من التلفاز إلا ما یفیدنا منها!

۲ ( ما صعّدنا إلى الجبال المرتفعة إلا الأقویاء منّا!

۳ ( ما أتذکر من أيام طفولتي إلا قصص أبي الجميلة!

۴ ( لم تبلع الأسماك صغارها في هذا الفلم إلا سمكة واحدة!

عین المستثنی یختلف: خارج ۹۸

۱ ( لا تساقط من أعیننا إلا دموع الفرح!

۲ ( لا یحمننا الله شیئاً إلا ما لنا طاقة به!

۳ ( كان الناس یمشون بسرعة إلا من في رجله أم!

۴ ( ذکریاتی من أيام سفري کلها جميلة إلا واحدة منها!

عین ما لیس فیہ «الحصر»: زبان ۹۸

۱ ( لا یبین الصراط المستقیم و الدین الحق إلا الرسل المبشرون!

۲ ( ما أقام الوجهة للدين حنیفاً إلا من لا یكونن من المشركين!

مای درس

کروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir



۳) ما حمل الفأس لكسر الأصنام إلا من اطمأن بعمله!

۴) لا يتعلم الدرس أحد إلا الذي كان من المستمعين!

عین المستثنی منه محذوفاً: انسانی خارج ۹۸

۱) لا يغير عقل الإنسان في حياته شيء إلا العلوم النافعة!

۲) لم يخلق الله في الطبيعة إلا كل ما مفيد لجميع الكائنات!

۳) لا نقندی بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلا بالإنسان الكامل!

۴) لا يحافظ أكثر الناس على صحتهم في الحياة إلا قليلاً منهم!



#### درس ۴

«قد تؤثر كلمات من شخص أو من كتاب في أنفسنا تأثيراً عميقاً يظهر في أفكارنا و آرائنا!»: خارج ۱۴۰۰

۱) کلماتی از شخصی یا از کتابی بر وجود ما عمیقاً تأثیر می گذارد و در اندیشه و آراء ما ظاهر می شود!

۲) قطعاً کلماتی از شخصی یا کتابی در دروهمان تأثیر ژرفی می گذارد که افکار و آراء ما آن را آشکار می کند!

۳) گاهی کلماتی از شخصی یا کتابی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می گذارد که در افکار و نظرات ما ظاهر میشود!

۴) گاه کلمات شخص یا کتابی در وجودمان چنان تأثیر ژرفی برجا می گذارد که اندیشه ها و نظریاتمان آن را نمایان می سازد!

«كان المزارع يراقب أمور المزرعة مراقبته ولكن البومات كانت تتغذى على الأفراخ، وهذه سنة الطبيعة!»: اختصاصی ۱۴۰۰

۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه جغدها از جوجه ها انجام می گرفت، و این قانون طبیعت بود!

۲) مزرعه دار امور مزرعه را نهبانی می کرد اما جغدها جوجه ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!

۳) مزرعه دار از کارهای مزرعه با دقت مراقبت می کرد ولی جغدها جوجه ها را خورده بودند، و این قانون طبیعت است!

۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی گمان مراقبت می کرد ولی جغدها از جوجه ها تغذیه می کردند، و این سنت طبیعت است!

«لا فرق بين القط الأسود و القط الأبيض، القط يجب أن يقدر أن يصيد الفأر صيدا ليشبع بطنه!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!



۲) فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست. چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!

۳) اصلاً فرقی بین گربه ای که سیاه باشد و گربه ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!

۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

«لعلَّ مرحلةً من مراحل البخل هي أن تُعدَّ ما تُنفقه خسارةً و لا تُرضى به رضايَةً في نفسك!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود چیزی که اتفاق می‌شود و در درونت به آن راضی نشوی!

۲) شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آنچه اتفاق شود خسارت شمرده شود و در باطنت به آن کاملاً راضی نباشی!

۳) شاید مرحله ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انقارش کرده‌ای و در باطنت به آن رضایت نداده‌ای!

۴) شاید مرحله ای از مراحل بخل آن باشد که آنچه را اتفاق می‌کشد خسارت به شمار آوری و در درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

«إن يبخل أحدٌ في تعليم علمه إليك فلا يحزنك حزناً، لأنَّه يضرُّ نفسه ضرراً أهدَّ من ضررك!»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل ورزید پس نباید که ناراحتت کند، زیرا مسلماً زیانی که به خودش می‌زند از زیان تو بیشتر است!

۲) کسی اگر در آموختن علمش به تو بخیل شد پس نباید غمگین شوی، زیرا ضرری را که به خود می‌زند قطعاً بیشتر از تو است!

۳) کسی چنانچه در آموختن علمش به تو بخیل باشد، اصلاً نباید غمگین بشوی، زیرا مسلماً ضرری بیشتر از ضرر تو به خود می‌زند!

۴) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل بورزده قطعاً نباید تو را ناراحت کند، زیرا او ضرری بیشتر از ضرر تو به خودش می‌زند!

«كاد المعلمُ يبدأ تدریسه إذ دخل الصفُّ أحدُ الطَّلابِ و قطع كلامَ المعلمِ و هو حَجَلٌ من تأخَّره!»: زبان ۹۹

۱) معلمی تدریسش را شروع می‌کرد که یکی از دانش آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را برید.

۲) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیرکردنش قطع نمود!

۳) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی که یک دانش آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمنده شد!

۴) معلم تدریس خود را داشت شروع می‌کرد، که ناگهان یکی از دانش‌آموزان وارد کلاس شد و در حالی که از تأخیر خود شرمنده بود سخن معلم را قطع کرد!

«يُقبل السُّبابُ على مَنْ له أفكارٌ عميقةٌ و حديثُهُ إقبالاً، و يرغبون في مَنْ يعملُ بما يقولُ رغبةً كثيرةً!»: خارج ۹۹

۱) جوانان آن‌کس را که فکر ژرف و تازه دارد بسیار می‌پذیرند، و آن‌را که به آنچه می‌گوید عمل می‌کند، قطعاً دوست دارند!

۲) به یقین جوانان کسی را که دارای فکر عمیق و نو است می‌پذیرند، و کسی را که عامل به هر چیزی باشد که می‌گوید دوست دارند!

۳) جوانان قطعاً به کسی که افکار عمیق و جدیدی دارد روی می‌آورند و به کسی بسیار علاقمند می‌شوند که به چیزی که می‌گویند عمل کند!

۴) همیشه جوانان به کسی که افکاری ژرف و جدید دارد روی می‌آورند، و به آن‌کس بسیار علاقمند می‌شوند که عمل‌کننده به آن چیزی باشد که می‌گوید!

www.my-dars.ir

«إنَّ الهمس الَّذي يمنعك عن التعلُّم في الصَّف، يضرُّك ضرراً لا تتنبَّه إليه إلا في نهاية السَّنة!»: ریاضی ۹۹

۱) آهسته سخن‌گفتنی که تو را از آموزش در کلاس بازدارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

۲) در کلاس درگوشی سخن‌گفتن، تو را از آموختنی بازمی‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

۳) آهسته سخن‌گفتن در کلاس، تو را از یادگیری بازمی‌دارد و به تو ضرر می‌زند به‌گون‌های که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!

۴) پیچ کردنی که تو را از آموختن در کلاس بازدارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!

«كم شخصاً نعرف أنَّهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لا نجد مثله في الآخرين!»: تجربی ۹۹

۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!

۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!

۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!

۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟

«هذا المعلم قد قام بتشكيل فريقين يجتهد ليعبوهما فحينئذ أيام من الأسبوع اجتهادا!»: ابن معلّم ..... تجربی ۹۹

۱) با خوشحالی به تشکیل دو گروهی اقدام نموده که بازیکنان آن‌ها شش روز از هفته را بسیار تلاش می‌کنند!

۲) با شادی به شکل‌دادن دو گروه که بازیکنان آن‌ها شش روز هفته را به سختی تلاش می‌کنند، اقدام می‌نماید!

۳) اقدام به تشکیل دو تیم کرده است که بدون شک بازیکنانشان در شش روز از هفته با خوشحالی تلاش می‌کنند!

۴) اقدام به شکل‌دادن تیم‌هایی کرده که بازیکنانشان با شادی، شش روز هفته را تلاش فراوان می‌نمایند!

«تبادل المفردات بين اللغات يؤثر عليها تأثيرا يجعلها غنية في الأسلوب و البيان!»: انسانی ۹۹

۱) عوض کردن واژگان بین زبان‌ها بسیار اثرگذار است به گونه‌ای که آن‌ها را در اسلوب و بیان بی‌نیاز می‌سازد!

۲) در میان زبان‌ها عوض کردن واژه‌ها چنان تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌سازد!

۳) در میان زبان‌ها جابه‌جایی کلمات است که بر آن‌ها اثر می‌کند و آن‌ها را در اسلوب و بیان پُرتر می‌گرداند!

۴) تبادل کلمات بین زبان‌ها به گونه‌ای بر آن‌ها اثر می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌گرداند!

«كان طالب مؤدّب في الصف، يستمع الطالب قبل أن يجيب عن الأسئلة استماعاً»: اختصاصی خارج ۹۹

۱) آن دانش آموز مؤدّب که در کلاس است، قبل از پاسخ دادن به سؤالات، بدقت گوش می‌دهد!

۲) آن دانش آموز مؤدّب که در کلاس حضور دارد، قبل از جواب دادن به سؤالات با خوبی گوش می‌دهد!

۳) دانش آموز مؤدّب در کلاس بود، این دانش‌آموز قبل از آنکه به سؤالات جواب دهد حتماً گوش می‌داد!

۴) دانش آموز مؤدّب در کلاس حضور داشت، این دانش‌آموز قبل از اینکه به سؤالات پاسخ دهد گوش می‌داد!

«هذان النوعان من السمك كلّ منهما يعيش عيشة تُعجبنا!»: خارج انسانی ۹۸

۱) این دو نوع ماهی، هریک از آنها به گونه‌ای زندگی می‌کنند که ما را متعجب می‌کند!

۲) این دو نوع از ماهیان، با یکدیگر طوری زندگی می‌کنند که ما را به شگفتی وا می‌دارد!

۳) اینها، دو نوع از ماهیان هستند که هریک از آنها زندگی‌ای می‌کنند که تعجب ما را برمی‌انگیزد!

۴) اینان دو نوع ماهی هستند که زندگی هریک از آن دو به گونه‌ایست که ما را به تحسین وا می‌دارد!

عین الصحیح: خارج ۱۴۰۰

۱) ( كاد أخي يبكي بكاءً لأنّ له أماً شديداً: برادرم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!

۲) ( طوبى لمن لا يحدث عمّا فيه احتمال الكذب: خوشا به حال آنان که از هر چه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!

۳) ( من لا يستخدم الوقت جيداً هو أول من يشكو من قلته: کسی که از وقت بخوبی استفاده نمی‌کند اولین کسی است که از کمی آن شکایت

می‌کند!

۴ ( العلماء من يَبرون عقولَ النَّاسِ بالعلومِ النافعة: دانشمندان همان کسانی هستند که بوسیله علوم سودمند خود مردم را دارای عقل نورانی می‌کنند!

عین الصحیح: خارج انسانی ۹۸

- ۱ ( إن تجلسوا في الصّف هادئين: اگر آرام در کلاس بنشینید،
- ۲ ( و تستمعوا إلى كلامي استماعاً: و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- ۳ ( سأقرأ لكم بعض الآيات: بعضی آیات را برایتان می‌خوانم،
- ۴ ( لا تأخذون منها إلا العبرة المؤثرة!): که از آنها عبرتهای تأثیرگذار می‌گیرید!

عین الصحیح: انسانی ۹۹

- ۱ ( قد يذكر الإنسان ذكرياته القديمة و يفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می‌آورد و با آنها خوشحال می‌شود!
- ۲ ( لا يتردّد الوالد في شراء ما تحتاج إليه أسرته: پدر در خریدن آنچه که خانواده‌اش به آن نیاز داشت، تردیدی نکرده است!
- ۳ ( هؤلاء كانوا يُعاملون الآخرين معاملةً حسنة دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می‌کنند!
- ۴ ( ليت هذه التلميذة تُحبّ الدّراسة في تلك المدرسة: کاش این دانش‌آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

عین الخطأ: ریاضی ۹۹

- ۱ ( تُعيني المعلمة في الدّروس الصّعبة إعانة: معلّم مرا در درس‌های مشکل بدون شک یاری می‌کند!
- ۲ ( إن العلوم النّافعة تُبیر عقل الإنسان و قلبه: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می‌کند!
- ۳ ( سيملاً لله جميع نواحي الأرض سلاماً شاملاً: خداوند همهء نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!
- ۴ ( ربّنا هو الذي يحميننا من شرور الحادّثات دائماً: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

عین الخطأ: زبان ۹۸

- ۱ ( رغبت في الصّدق رغبةً كثيرة: تو به صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!
- ۲ ( يُجاهد المؤمن في الله مجاهدةً: مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می‌کند!
- ۳ ( يتوكّل صديقي على ربّه توکّل المؤمنین: دوستم بر پروردگارش توکّل می‌کند همچون توکّل مؤمنان!
- ۴ ( يبلغ المجتهد أماله بلوغاً، و أنا كلّ يوم أهنّاه: انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می‌رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

عین الخطأ: تجربی ۹۸

- ۱ ( لا يقدر المتكبر الجبار أن يزرع بذر الحكمة في قلبه: یک خود بزرگ‌بین ستمگر نمی‌تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،
- ۲ ( لأنّ هذا القلب يبني من الصّخور، ولكن هذا الحكمة: زیرا این قلب از صخره‌ها ساخته می‌شود، لیکن این حکمت،
- ۳ ( تبت في قلب المتواضع و تعمّر فيه مدّة طويلة: در قلب شخص فروتن می‌روید و در آن مدّتی طولانی ماندگار می‌شود،
- ۴ ( كأنّ التواضع قرينُ العقل و التكبر دليلُ الجهل: گویی که تواضع همنشین عقل است و تکبر نشانه جهل!

«مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند». عین الصحیح: هنر ۱۴۰۰

- ۱ ( تجتهد الأم لتربية أولادها اجتهاداً بالغاً!
- ۲ ( تُحاول أمنا في تربية الأولاد اجتهاداً!
- ۳ ( تجتهد أمنا لتربية أولادها اجتهاداً كثيراً!

۴ ( تحاول هذه الأم في تربية أولادها كثيراً! )

«رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ كُلَّ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ ظَالِمٌ، وَلَكِنْ عِنْدَمَا يَدْعُو عَلَيْكَ مَظْلُومٌ، تَفْقَدُ كُلَّ مَا مَلَكَتَ فَقْدَانًا أَبَدِيًّا!»: عَيْنُ الصَّحِيحِ: اختصاصی ۹۹  
..... بتوانی هرچه را بخواهی مالک شوی ..... ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند همه آنچه را به دست آورده‌ای ..... از دست می‌دهی!

۱ ( شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً )

۲ ( چه بسا / درحالی که ستمکاری / تا ابد )

۳ ( شاید / حال آنکه ظالمی / تا زمانی )

۴ ( چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً )

عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: ریاضی ۹۸

۱ ( إن لم تُمَطِّرِ السَّمَاءَ فَنُوجَاهُ ... = (الجاف) )

۲ ( مكانٌ جَعَلَ الأقدامُ هو ... = (الوطأة) )

۳ ( ... هو الجزء الَّذِي نَأْكُلُهُ مِنَ الفاكهة = (النَّوي) )

۴ ( ... يقف في الشَّارِعِ لرعاية المُرور = (الشرطة) )

عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ المَفْعُولُ المَطْلُوقُ: ریاضی ۱۴۰۰

۱ ( إن أكرمت الكريم اكراماً بالغاً تشاهد نتيجه! )

۲ ( أدب المؤمن نفسه قبل تعليم غيره تأديباً جميلاً! )

۳ ( كان عَشٌّ بعض الطيور بعيداً كثيراً عن المفترسين! )

۴ ( رغب المسافرون أن يسكنوا في ذلك المكان رغبةً كثيرةً! )

عَيْنُ مَا فِيهِ المَفْعُولُ المَطْلُوقُ التَّوْعِي: خارج ۱۴۰۰

۱ ( مدح الشاعر الجنَّةَ مدحاً جيداً و نال جائزة! )

۲ ( رأيتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنتُ أمشي هناك! )

۳ ( لا تَعمر حكمةً بالغةً عمراً إلا في قلب الإنسان المتواضع! )

۴ ( شاهدت سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطعام! )

عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ: اختصاصی ۹۹

۱ ( يَشَاهِدُ العَجَبَ بَيْنَ النَّاسِ مَشَاهِدَةٌ كَثِيرَةٌ، )

۲ ( و هذا حينما يعمل العبدُ المسلمُ عملاً يُعجبه، )

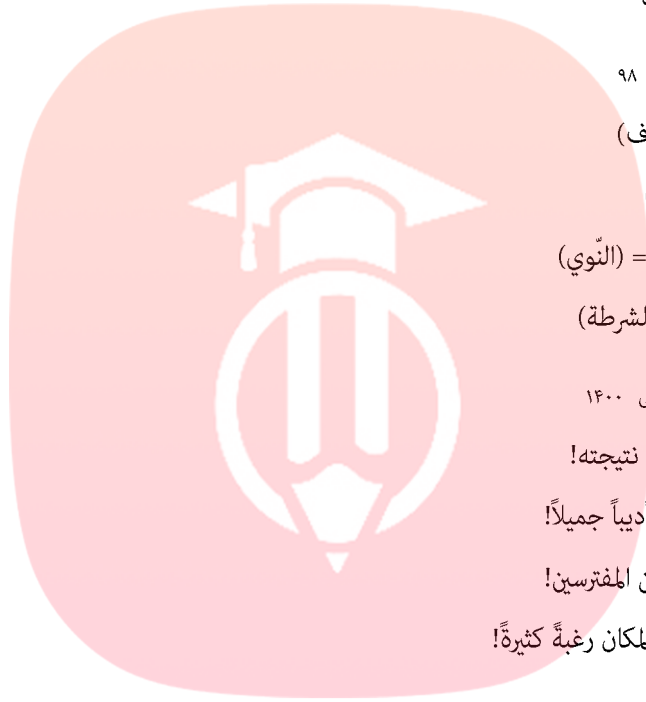
۳ ( أو يقوم بعمل سيِّئٍ، و يريه إزاءً جميلةً، )

۴ ( و الأفضل أن يؤمن بربه و يفتخر افتخاراً بذلك! )

عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ: اختصاصی ۹۹

۱ ( لا غايه هناك إلا أن نحصل عليها حصولاً كاملاً بالشوق و الرغبة! )

۲ ( يجب أن نعمل واجبنا بالرغبة للوصول إلى الهدف عمل الدووبين! )



مای درس

آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۳ ( أرغب في أقوى الوسائل التي أوصلتني إلى النجاح رغبة كثيرة!

۴ ( الرغبة في العمل تحتاج إلى نفس قوية احتياجاً فعليك بها!

عين المصدر لا يبين نوع الفعل: رياضی ۹۸

۱) يا أصدقاء أوفوا بعهدكم وفاء جميلاً!

۲) شجعنا أصدقاءنا في المسابقة تشجيعاً كثيراً!

۳) إن كنت تلميذاً عاقلاً فلا تُضيع أوقاتك تضييعاً!

۴) إن العطار يشم رائحة المسك شماً دقيقاً و يعرفه!

عين ما فيه تأكيد الفعل: اختصاص داخل ۹۸

۱) خيرنا ربنا باختيار الأعمال من الخير و الشر!

۲) قبل الأب العادل أولاده و هم يقبلون إليه!

۳) يقضم الجراد الأوراق في فمه دائماً و سريعاً!

۴) لا نريد أن نعصي الله في أعمالنا عصياناً!

عين ما ليس فيه المفعول المطلق: انسانی خارج ۹۸

۱) أعطى الملك الفلاح إعطاءً يعجبه!

۲) يصدق قول الصادق دائماً تصديقاً جميلاً!

۳) تحضن الأم طفلتها في حضنها محبةً لها!

۴) غرس الفلاح فسيلة جوز غرساً لا يأمل أكله!

عين الصحيح في المقصود من العبارة التالية: «يكاد يكون زميلي شاعراً عظيماً!» اختصاصی خارج ۹۸

۱) هو الآن كذلك شاعر عظيم!

۲) إمكانية حصول الشاعرية صعب جداً!

۳) هو عن قريب يصبح شاعراً عظيماً!

۴) يريد أن يصبح شاعراً لكنه لا يستطيع!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir